جلد اول

بایدها و نبایدها در قرآن کریم

سخنرانی‌های استاد رفیعی

تدوین و تنظیم:
سید هادی اکبر حسینی دولت‌آبادی

بایدها و نبایدها در قرآن کریم

مشخصات کتاب

سرشناسه : رفیعی محمدی، ناصر، 1344 -

عنوان و نام پدیدآور : بایدها و نبایدها در قرآن کریم [کتاب] تدوین و تحقیق سیدعلی اکبر حسینی نیشابوری.ناصر رفیعی محمدی.

مشخصات نشر : قم : دارالمبلغین، 1397.

مشخصات ظاهری : 160 ص.؛ 14/5 ×21/5 س م.

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

موضوع : قرآن -- اخلاق اسلامی

موضوع :اخلاق اسلامی -- مقاله ها و خطاب ها

موضوع : رفیعی محمدی، ناصر، 1344 -- وعظ

موضوع : روضه خوانی

رده بندی کنگره : BP74 /ن5 1395

رده بندی دیویی : 297/151

ص: 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

فهرست مطالب

مقدمه..... 15

روزه (1)

مقدمه..... 17

آثار و برکات روزه..... 19

مأیوس نشدن از رحمت خداوند..... 21

اثرات و برکات روزه..... 22

1.مساوی شدن ثروتمند و فقیر..... 22

2.یاد تشنگی و گرسنگی قیامت..... 23

۳. همدردی با دیگران..... 23

تذکر چند نکته..... 24

فرق تدبر با تفسیر..... 26

تدبر ابو ایوب انصاری
26.....

تدبر شیخ عباس قمی
26.....

سه چیز غریب واقعی
27.....

مقدمات فهم قرآن
27.....

روزه (2)

مقدمه.....29

ذکر دو نکته 30

اثرات روزه 32

1.تقویت عزم و اراده 32
2.تقویت نظم 32
۳. تقویت بردباری و صبر 32
4.تقویت آشتی با خدا 32
کسب فیض از ماه رمضان برای همه 33
تذکر 2 نکته 34
گوشت برادر مرده خوردن 37
از ویژگی های قرآن کریم از منظر علی علیه السلام
مقدمه 39
1.نورش جاویدان 40
اسلام آوردن شخص نصرانی.....40
2.پرتو افشانی کردن 41
3.درک نکردن عمق آن 41
4.گمراهی نداشتن 41
5.کهنه نشدن استدلال هایش.....42
تأثیر قرآن کریم.....43
6.شفای بیماری های روحی.....43
7.حق بودن 45
دو سخن از غیر مسلمانان درباره قرآن 46

عبادت و بندگی خداوند

مقدمه.....49

ص: 6

عبادت 50
فوائد عبادت 51
1.پرهیز کاری 52
2.احیا در زنده شدن 52
3.آرامش و شجاعت 53
حقیقت بندگی در سه چیز 53
ویژگی بندگان خدا 55
1.تواضع داشتن 55
2.سجده کردن 56
3.به یاد قیامت و جهنم 56
4.اهل انفاق کردن 57
5.به فکر خانواده بودن 57
داستان بشر حافی 58
لقمه حلال
مقدمه.....61
دلایل پیروی نکردن از شیطان.....61
کسب های حرام در کلام شهید مطهری 62
لقمه حرام مانع قبول شدن واجبات و مستحبات.....63
ریشه های حرام خواری 63

1.جهل 64
داستان..... 64
ص: 7

2.حرص 65
داستان ثعلبه 65
3.جاذبه حرام 68
4.سوء ظن به خداوند 68
5.توجیه کردن حرام 68
فقر مجوز حرام خواری نیست !..... 70
قوام دین به چهار امر 70
عوامل روزی فراوان داشتن 70
گام های شیطان 71
1.کفر و شرک 71
2.بدعت 71
3.گناهان کبیره 72
4.صغائر 72
5.مشغول شدن به مستحبات 72
6.سبک شمردن عبادات 72
انفاق
موارد برتری دنیا بر آخرت 73
مبانی انفاق..... 75
1.ایمان به خدا و غیب 75

2.عقل 76
3.عبادت 76
ص: 8

4.ایمان به معاد 77
5.دریافت پاداش از خداوند.....78
خدمت رسانی ملا عباس تربتی 78
خدمت رسانی، سیره معصومین علیهم السلام.....79
مصادیق انفاق و خدمت رسانی.....80
1.انفاق فکری و فرهنگی 80
داستان 80
2.انفاق اجتماعی 81
3.انفاق مالی 81
4.انفاق آبرویی.....83
کار راه اندازی امام کاظم علیه السلام 83
سفارش به خدمت رسانی.....84

تذکر دو نکته
.....84

تشکر کردن اتفاق گیر نده
.....86

تشکر کردن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از خدیجه کبری سلام الله علیها 86

فرجام نیک

مقدمه
.....87

ذکر چند مثال
.....88

راه های عاقبت به خیری
.....89

1.نعمت های خدا را در معصیت خرج نکردن
.....89

2.مغرور به حلم خدا نشدن
.....90

۳. دوست داشتن مادحین اهل بیت علیهم السلام 91
4. خدمت کردن به امام 91
امام کاظم علیه السلام و خدمت رسانی 92
5. محبت امیرمؤمنان علیه السلام 93
حارث همدانی و محبت امیر مؤمنان علیه السلام 95
6.مواظبت بر اوقات نماز 97
7.با ادب بودن 97
ادب حر عامل عاقبت به خیری 98
8.خواندن سوره زلزال در نماز و دعای عدیله..... 99
صبر و بردباری
مقدمه 101
توصیه به صبر 101
توصیه به تقوا 102

عوامل محشور شدن با چهار گروه 104
1.کمک کردن به مردم با اموال 104
2.کمک کردن به مردم با آبرو 105
3.کمک کردن با سخن زیبا 106
علائم جوان مردی 106
مذمت کردن شوخی های نابه جا 107
دوری از منت و آزار در انفاق کردن 108

حرام خواری

مقدمه
.....111

ورودی های
قلب.....112

داستان.....
113

اثرات لقمه
حلال.....113

مصادیق اکل مال به باطل
.....114

توجه به حق الناس حتی در روز عاشورا
.....115

لباس غصبی عامل عذاب
.....115

بها دادن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به حق الناس
.....116

تذکر یک نکته
.....116

در نظر گرفتن رضایت در
تجارت.....117

سفارش به رعایت انصاف
.....117

مذمت کردن بی انصافی
.....118

منع خودکشی در قرآن
119.....

داستان
120.....

صله رحم

مقدمه
123.....

اثرات صله رحم
124.....

مذمت کردن قطع صله رحم.....124

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

مقدمه
127.....

معرفی شخصیت پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم.....128

احترام گذاشتن امام صادق به نام رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم.....130

احترام گذاشتن به حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم.....130

پیامبر را به اسم صدا نکردن 131

دروغ بستن به پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم.....132

تذکر یک نکته 132

مذمت کردن نسبت های دروغ 133

ویژگی های ده گانه رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم.....134

1.رسول..... 134..

2.نبی..... 135

3.امی..... 135.

4.ذکر شدن ویژگی پیامبر در تورات و انجیل 135

5.دعوت به معروف 136
6.نهی از منکر 136
7.حلال کردن طیبات 136
8.حرام کردن خبائث.....136
9.برداشتن سختی ها 137
10. برداشتن غل و زنجیر 137
وظایف مردم نسبت به پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم.....138
تفسیر اولی الامر 139

شب قدر

مقدمه
141.....

خواص مخفی بودن شب قدر
142.....

عزم و اراده
143.....

عزم ملوکانه عامل ترک عمل زشت
143.....

داستان های تقویت عزم و اراده
144.....

راه های تقویت عزم و اراده
146.....

1. دور اندیشی
146.....

2.صبر و
تقوا.....147

3.کنترل عوامل گناه
147.....

4.دوری از گناه عامل سعادت مند شدن
148.....

نشست و برخاست با افراد صاحب عزم
149.....

5.تلاش و کوشش
150.....

عید فطر

مقدمه
153.....

عوامل محرومیت
154.....

مراقبت از دستاوردهای ماه مبارک رمضان
154.....

برکات عید سعید فطر
155.....

توصیه به احیای شب قدر
156.....

زیارت امام حسین علیه السلام در شب عید
156.....

جایزه دادن توسط خداوند در روز عید فطر
157.....

عفو کردن گناهان دیگران در شب عید
157.....

ص: 14

مقدمه

با حمد و ستایش خداوند تبارک و تعالی و سلام و صلوات خاصه پروردگار بر پیامبر رحمت و خاندان مطهرش علی به ویژه قطب عالم امکان، حضرت بقیه الله الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء (عج) که چراغ هدایت کشتی نجات، محبت شان شرط قبولی طاعات و اطاعت شان وسیله قرب الهی است.

آرامش گمشده بشر است که هر انسانی به دنبال آن است اما متأسفانه بعضی ها به خطا جایی دیگر دنبال آرامش می گردند.

رمز زندگی سالم توأم با آرامش توجه به دستورات خداوند تبارک و تعالی است. قرآن کتاب روز است نمی شود از قرآن یاد کرد و درس روز را از آن نگرفت؛ بنابراین خداوند در قرآن کریم خطاب هایی دارد که باید به آنها توجه شود و مورد عمل قرار بگیرد. در حقیقت سبک زندگی اسلامی فهمیدن درست بایدها و نبایدهای قرآنی است و زندگی را طبق أنها تنظیم کردن.

کتابی که پیش روی شماست بایدها و نبایدهای قرآنی است که توسط استاد ارجمند جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر رفیعی مطرح شده است.

ص: 15

توفیقی شامل حالم شد که آنها را مکتوب کرده و به صورت کتابی که پیش روی شماست تقدیم مبلغان، اهل منبر و علاقه مندان به معارف اهل بیت علیهم السلام کنم. امید است خداوند در نشر معارف اسلامی و بیان حقایق همه ما را به لطف و کرمش یاری بفرماید.

از سروران ارجمند و عزیزانی که این اثر را مطالعه می نمایند تقاضا دارم چنانچه پیشنهاد و انتقاد سازنده ای دارند این جانب را قرین منت خویش قرار دهند.

در پایان از جناب استاد ارجمند دکتر رفیعی (زید عزه) که با راهنمایی های ارزشمندشان باعث شدند این کار به نحو شایسته ای انجام پذیرد. کمال تقدیر و تشکر را می نمایم و برای ایشان از درگاه خداوند متعال آرزوی سلامتی و توفیق روز افزون را مسئلت دارم.

ربنا تقبل منا إنک أنت السمیع العلیم

قم المقدسه»

جمادی الأول 1435

سید علی اکبر حسینی نیشابوری

ص: 16

روزه (1)

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ».(1)

مقدمه

یکی از بالاترین مصادیق عبادت روزه است، همان طور که یکی از مصادیق آن امر به معروف و نهی از منکر و نماز است. در اهمیت روزه رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم عرض می کند که خداوند می فرماید: «الصوم لی وأنا أجزی به ؛(2) روزه برای من است و من جزای روزه را می دهم. بحث در این است که مگر نماز و حج برای خدا نیست؟ تمام مساجد و زمین ها برای خداست ولی ما مسجد الحرام را خانه خدا می گوییم. همه حیوانات را خدا

1- بقره. 183.
2- «و قال (صلی الله علیه و آله) قال الله تبارک و تعالی الصوم لی و أنا أجزی به و للصائم فرحنان حسن یفطر و حسن یلقی ربه عز و جل و الذی نفس محمد بیده لخلوف فم الصائم عند الله أطیب من ربح المسک (من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 75 ؛مستدرک الوسائل، ج 7، ص499؛ وسائل الشیعه، ج10 ص 400).

آفریده است؛ ولی شتر سالم را ناقه الله می گوییم؛ به این دلیل است که این انتصاب ممکن است نشان از اهمیت بیشتر و نشانه بودن و برجستگی آن علامت باشد. شاید روزه هم در میان عبادات چنین جایگاهی دارد. بعضی ها گفته اند که خدا می گوید: سایر عبادات را فرشتگان جزا می دهند ولی روزه را خودم جزا می دهم.

روزه چند جور معنا شده است که به نظر من این معنا یک مقدار لطیف تر است، گفته اند: روزه تشبه به خالق است؛ خدا نمی خورد و نمی آشامد، خدا سلام محض است. روزه دار هم نمی خورد و نمی آشامد و یک قدرت حفظی برای خودش دارد. در اهمیت روزه همین بس که ما در روایات داریم: بهشت درهای محدودی دارد و قرآن این هشت درب را بیان کرده است. یکی از درهای بهشت، باب الصائمون است؛ یعنی دربی که مخصوص ورود روزه داران است.(1) ما گاهی در مناسبت ها اهمیتی به یک عملی می دهیم که ممکن است آن عمل در حالت عادی آن اهمیت را نداشته باشد، مثلا: اگر شب های عادی بیدار باشید یک ثوابی دارد اما شب قدر، «خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»(2) می شود.

امام صادق علیه السلام فرمودند: در ماه رمضان نوم الصائم عباده و نفسه

1- «قال رسون الله صلی الله علیه و آله وسلم إن للجنه بابا یدعی الریان لا یدخل منه إلا الصائمون» (وسائل الشیعه، ج10، ص 404؛ بحار الانوار، ج93، ص252؛ معانی الأخبار، ص 409).
2- قدر. 3.

تسبیح»؛(1) خواب انسان روزه دار عبادت است و نفس انسان تسبیح محسوب می شود.

پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: چهار گروه دعایشان مستجاب است: 1- دعای کسی که حج عمره رفته است، 2- دعای پدر در حق فرزندش، 3- دعا و نفرینی که مظلوم علیه ظالم می کند، 4- دعای روزه دار هنگام افطار.(2)

روزه دار یک فرح و شادی به هنگام افطار دارد. خود روزه به عنوان یک عبادت است و لذا می بینیم نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه ما علیهم السلام گاهی سه ماه (رجب، شعبان و رمضان) را روزه می گرفتند و تأکید فراوان روی این داشتند که این روزه به عنوان یک عبادت مهم و تشبه به خالق حفظ شود و مردم به آن اهمیت بدهند.

آثار و برکات روزه

علی علیه السلام فرمودند: «کم من صائم لیس له من صیامه إلا الجوع و الظماء»(3)چه بسیار روزه دارانی که از روزه جز تشنگی و گرسنگی اثری نمی پذیرند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به جابر عبد الله انصاری فرمودند: «یا جابر هذا شهر رمضان من صام نهاره وقام وردا من لیله وعف بطنه وفرجه وکف

1- الکافی، ج 4، ص 64: من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 73؛ تهذیب الاحکام، ج 4، ص 190.
2- وقال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم أربعه لا ترد لهم دغوه حتی تفتح لهم أبواب السماء و تصیر إلی العرش الوالد لولده و المظلوم علی من ظلمه و المعتمر حتی یرجع و الصائم حتی یفطر» (الکافی، ج 2، ص 510؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص226؛ مستدرک الوسائل، ج 5، ص 248).
3- «و قال علیه السلام کم من صائم لیس له من صیامه إلا الجوع و الظمأ وکم من قام لیس له من قیامه إلا السهر و العناء حبذا نوم الأکیاس و افطارهم» (نهج البلاغه، حکمت 145).

لسانه خرج من ذنوبه کخروجه من الشهر فقال جابر یا رسول الله ما أحسن هذا الحدیث فقال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم یا جابر وما أشد هذه الشروط»(1) ای جابر! این ماه، ماه مهمی است، هر کس روزه بگیرد و شب ها برای عبادت بیدار باشد و شکم و زبانش را کنترل کند و قوای جنسی اش را از حرام کنترل کند همین طور که از ماه رمضان خارج می شود از گناه هم خارج می شود.

جابر از این حدیث بسیار خوشش آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد: ای رسول خدا! چه حدیث زیبایی! پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: حدیث زیبا است ولی شرط هایش مشکل است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «إذا صمت فلیصم سمعک و بصرک و جلدک و شعرک فلا یکون یوم صومک مثل یوم فطرک»؛(2) وقتی روزه می گیرید گوشت و چشم، مو و پوست شما باید روزه باشد. ایامی که روزه هستید نباید مانند سایر ایام باشد.

عزیزان من! یک بحثی تحت عنوان روزه داریم؛ یعنی، روزه دار آدابی را باید رعایت کند که این آداب در احکام نیست. علی علیه السلام فرمودند:

الصیام اجتناب المحارم»؛(3) روزه واقعی پرهیز از محرمات است. علمای ما بحث می کنند که روزه یک وقت عام، یک وقت خاص و یک وقت اخص است؛ آن کسی که نمی خورد و نمی آشامد روزه عام است اما روزه خاص روزه ای است که دیگر زبان و چشم و گوشش هم روزه است و روزه

1- الکافی، ج 4، ص 87 تهذیب الاحکام، ج 4، ص 196: وسائل الشیعه، ج10، ص 162.
2- الکافی، ج 4، ص 87 من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 108: تهذیب الاحکام، ج 4، ص 194.
3- مستدرک الوسائل، ج 7، ص367. بحار الانوار، ج 93، ص 294؛ الغارات، ج 2، ص 343.

اخص فکرش هم روزه است؛ بنابراین در حال روزه نباید فکر شما در معصیت وارد شود.

امام سجاد علیه السلام دعایی دارد، وقتی وارد ماه رمضان می شد می خواندند:« و أعنا علی صیامه بکف الجوارح عن معاصیک، و استعمالها یرضیک»(1)؛ خدایا کمک کن تا با نگه داشتن اعضای مان از گناه، روزه بگیریم و این ها را جایی استفاده کنیم که تو راضی هستی.

عزیزان من! توجه داشته باشید که روزه دار باید مدیریت داشته باشد؟ این طور نباشد که اگر خانم است بددهانی کند و اگر آقا است تندی کند. در مجموع بتواند یک نوع خود کنترلی داشته باشد که این شرط اصلی روزه است.

مأیوس نشدن از رحمت خداوند

عزیزان من! این یک اصل است که « لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»(2) از رحمت خدا نباید مأیوس شد. خدا می فرماید: همه گناهان را می آمرزم جز شرک؛ منظور این است که کسی مشرک بماند، توقع آمرزش هم داشته باشد والا اگر کسی مشرک باشد و بعد مسلمان شود، پاک می شود. بعضی از مفسرین تعبیری دارند که می گویند: هفده نکته ادبی و عاطفی در این آیه است: «قل یا عبادی الذین أس.رفوا علی أنفسهم لا تقنطوا من رحمه الله» ای بندگانی که به خودتان بد کردید از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ لذا

1- صحیفه سجادیه، دعای 44.
2- زمر. 53.

توبه ذکر خاصی ندارد؛ چند مرتبه «استغفر الله ربی و أتوب إلیه »؛ گفته شود کفایت می کند اما مهم ترین کار در توبه چند چیز است: 1- ترک گناه 2- پشیمانی، 3- جبران؛ انسان نسبت به گذشته پشیمان باشد و واقعا از این که کارهای بد کرده ناراحت باشد و در آینده هم گناه را ترک کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر گناهی در خفا کردی ثواب در خفا بکن و اگر گناهی را آشکار کردی ثواب را هم آشکار کن.(1) تکرار گناه و شکستن توبه، نباید باعث یأس شود البته باید تمسخر نشود؛ کسی که می گوید: خدایا! من توبه می کنم و باز گناه را تکرار می کند یک نوع تمسخر است ولی حتی با این فرض هم خداوند گفته است صد بار اگر توبه شکستی باز آی. انسان بداند که خداوند تبارک و تعالی توبه را قرار داده است برای این که به هر صورتی بنده را به طرف خود بکشاند تا رها نشود.

اثرات و برکات روزه

1.مساوی شدن ثروتمند و فقیر

یکی از اثرات و برکات روزه، مساوی شدن تروتمندان با فقر است. از امام صادق علیه السلام پرسیدند علت روزه چیست؟ امام فرمودند: «لیستوی به

1- قال أبو عبد الله علیه السلام اعلم أن الصلاه حجزه الله فی الأرض فمن أحب أن یعلم ما یدرک من نفع صلاته فلینظر فإن کانت صلاته حجزته عن الفواحس و ألمنکر فإنما أدرک من نفعها بقدر ما احتجز و من أحب أن یعلم ما له عند الله فلیعلم ما لله عنده و من خلا یعمل فلینظر فیه فإن کان حسنا جمیلا فلیمض علیه و إن کان سیئا قبیحا فلیجتنبه فإن الله عز و جل أولی بالوفاء و الزیاده من عمل سیئه فی السر فلیعمل حسنه فی السر ومن عمل سیئه فی العلانیه فلیعمل حسنه فی العلانیه، (بحارالانوار، ج 75.ص 199: معانی الأخبار، ص 237؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 103).

الغنی والفقیر»؛(1) یکی از فلسفه های روزه این است که غنی و فقیر یکی شوند. در حالت غیر از ماه رمضان ممکن است یک آدم فقیر یک غذای ساده بخورد و یک کسی هم ممکن است یک غذای گران بخورد، اما ماه رمضان این طور نیست بلکه هر دو مساوی می شوند. پس غنی احساس می کند با همه ثروت و امکاناتی که دارد مانند فقیر نباید چیزی بخورد و به خودش می آید و همین روزه باعث می شود، حالت انفاق و احسان به او دست بدهد. در واقع روزه یک حالت مانع شدن از بخل است. این که قرآن می فرماید: «وَمَنْ یُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»(2) آنهایی که بخل نفس شان را کنترل می کنند رستگار هستند. روزه بخل را از انسان می گیرد.

2.یاد تشنگی و گرسنگی قیامت

یکی دیگر از اثرات و برکات روزه این است که انسان یاد تشنگی و گرسنگی قیامت می افتد. روزه باعث می شود انسان تشنگی و گرسنگی قیامت یادش بیفتد و موجب می شود قدری یاد معاد و مرگ در انسان تقویت شود. غرائزی در انسان وجود دارد که در ماه رمضان خیلی ها آنها را سرکوب می کنند، پس در بقیه أیام هم می توانند چنین کاری کنند.

3.همدردی با دیگران

یکی دیگر از اثرات و برکات روزه این است که انسان با دیگران

1- من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 73: وسائل الشیعه، ج10، ص7؛ بحارالانوار، ج92، ص371.
2- حشر، 9.

همدردی کند.(1) روزه موجب می شود انسان حالت همدردی با دیگران داشته باشد. لذا افطاری و آزاد کردن زندانی ها در ماه رمضان زیاد می شود.

تذکر چند نکته

نکته اول: حسن خلق در حال روزه است. این طور نباشد که چون روزه هستید بداخلاق باشید؛ هنر این است که شما روزه داشته باشید و لبخند بزنید. لذا می گویند: حضرت عیسی علیه السلام وقتی روزه می گرفت عطر می زد و لباس خوب می پوشید.

نکته دوم: روزه تنها عبادتی است که در آن ریا نیست؛ یعنی اگر در مسجدی چندین نفر در ماه رمضان نشسته باشند، معلوم نیست چه کسی روزه است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد که خداوند فرمودند: به خاطر همین است که «الصوم لی وأنا أجزی به»(2)؛ روزه قابل ریا نیست. عبادتی که قابل ریا نیست امساک محض است.

نکته سوم: بحث صله رحم است. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «صلوا

1- «سال هشام بن الحکم أبا عبد الله علیه السلام عن علة الصیام فقال إنما فرض الله عز وجل الصیام لیستوی به الغنی و الفقیر و ذلک أن الغنی لم یکن لیجد مس الجوع فیرحم الفقیر لأن ألغنی کلما أراد شیئا قدر علیه فأراد الله عز وجل أن یسوی بن خلقه و أن یذیق الغنی مس الجوع والألم لیرق علی الضعیف فیرحم الجائع، (من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 73؛ وسائل الشیعه، ج10، ص 7: بحار الانوار ج93، ص371)
2- من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 75: مستدرک الوسائل، ج 7، ص 499: وسائل الشیعه، ج10. ص 400.

أرحامکم و لو بسلام»،(1) صله رحم به جا آورید ولو با سلام کردن. در شب های ماه رمضان منزل هم بروید، مشکلات یکدیگر را بررسی کنید، زمینه خیررسانی و احسان را به یکدیگر فراهم کنید. اینها چیزهایی است که می تواند از بطن این عبادت بیرون بیاید.

به نظر می رسد برای این که روزه، تأثیر اجتماعی را داشته باشد با این فرض که همه مردم روزه نمی گیرند ولی چون به امساک تأکید شده است؛ یعنی حتی آن هایی هم که روزه نیستند همین که در خیابان نخورند و نیاشامند، از این ماه بهره می برند. اگر یک همت جمعی با هم و کنار هم بیاید که در واقع همه احساس کنند که این ماهی که حتی خوابش هم عبادت است یک لباسی به نام لباس صائم تنشان است طبیعتا به این درجه و جایگاه می رسند.

نکته چهارم: ماه رمضان بهار قرآن است، مطالبی را در مورد قرآن بیان می کنم: در قرآن یک جا سخن از قرائت است و می گوید:«فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»(2) به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هم می فرماید:«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ»(3)، اما چهار بار

1- «و قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم من سره أن یمد له فی عمره و یبسط فی رزقه فلیصل أبویه فإن صلتهما طاعه الله و لیصل ذا رحمه. و قال بر الوالدین و صله الرحم تهونان الحساب ثم تلا هذه الآیه الذین یصلون ما أمر الله به أن یوصل و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب صلوا أرحامکم ولو بسلام» (الدعوات للروانديى، ص126؛ بحار الانوار، ج 71، ص 85).
2- مزمل، 20.
3- علق، 1.

در قرآن سخن از تدبر است. دو جای آن با کلمه «أفلا یتدبرون»(1) آمده؛ یعنی چرا تدبر نمیکنید؟ و دو جا هم، با تدبر کنید آورده شده است.

فرق تدبر با تفسیر

تدبر با تفسیر فرق می کند. تدبر، کار دل است و تفسیر کار فکر است. تفسیر، کار تخصصی است و باید لغت، علوم قرآن و فقه و اصول بدانید ولی تدبر، برای همه است. در تدبر، مخاطب من هستم ولی در تفسیر مخاطب همه مردم هستند.

تدبر ابو ایوب انصاری

ابو طلحه انصاری در حال خواندن قرآن بود که به این آیه از قرآن رسید که می فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»(2) شما به نیکی نمی رسید مگر از آن چیزی که دوست دارید انفاق کنید. ابو ایوب خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمد و گفت: من باغم را خیلی دوست دارم و می خواهم این باغ را انفاق کنم. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: چرا؟ گفت: برای این که به آیه مذکور عمل کنم.(3) این کار تدبر می شود.

تدبر شیخ عباس قمی

مرحوم حاج شیخ عباس قمی سوره «یس» را می خواند وقتی به این

1- نساء، 82 محمد، 24.
2- آل عمران. 92.
3- مجمع البیان و صحیح بخاری و مسلم، ذیل آیه.

آیه رسید:«هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ »(1) این همان جهنمی است که به شما وعده داده شد، آن قدر گریه کرد که دیگر نتوانست ادامه آیه را بخواند.(2)

سه چیز غریب واقعی

عزیزان من! امام صادق علیه السلام فرمود: «ثلاثه یشکون إلی الله عز وجل»؛ سه چیز غریب واقعی است و در روز قیامت نزد خداوند شکایت می کنند:

1- «مسجد خراب لا یصلی فیه أهله»؛ مسجدی در محله ای باشد که مردم در آن نماز نخوانند.

۲- «و عالم بین جهال»: آدم عالمی که میان آدم های جاهل باشد.

۳- «و مصحف معلق قد وقع علیه الغبار لا یقرأ فیه»:(3) قرآنی که گرد و غبار بر روی آن بنشیند و خوانده نشود.

قرآن کلام خداست. خدا در قرآن خودش می گوید:«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ»(4) ما قرآن را آسان کردیم برای این که همه بفهمند.

مقدمات فهم قرآن

1.معرفت قرآن؛ اول باید قرآن را بشناسیم. قرآن کلام خداست.

1- یس، 63.
2- سیمای فرزانگان، ص 144.
3- الکافی، ج 2ص 613: وسائل الشیعه، ج 5، ص201؛ بحار الانوار، ج 2، ص 41 .
4- قمر. 22.

۲. تکریم: کسی که می خواهد در قرآن تدبر کند باید تکریم هم بکند و بداند تدبر در قرآن یک نوع تعظیم در قرآن است.

۳. تأنی و تأمل؛ تدبر در قرآن با تأمل حاصل می شود؛ یعنی وقتی ما به این آیه می رسیم:«غیر المغضوب علیهم؛ یعنی ما را از کسانی که به آنها غضب کردی و گمراه هستند قرار نده! باید فکر کنیم خدا به چه کسانی غضب کرده است؟ به کسانی که مردم را آزار می دهند، کسانی که حرام می خورند و کسانی که اتخاذ روش دینی می کنند غضب کرده است؛ باید برویم اینها را پیدا کنیم.

4. خدا در قرآن می فرماید: این کتاب را جز پاکیزگان مس نمی کنند. برای تدبر در قرآن، دو طهارت لازم است: یکی طهارت ظاهری که وضو است و دیگری طهارت باطنی؛ دلی که از حسد و کینه خالی شود، قرآن را بهتر می فهمد.

روزه (2)

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیَامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ»(1)

مقدمه

«کتب » به منزله امر و فرمان است. زمانی شما به کسی می گویید: برو و یک وقت هم مکتوب می نویسید که این کار انجام شود. لذا وجوب از داخل این محکم تر بیرون می آید و منظور این آیه این است که روزه واجب است. گرچه امر هم داریم، قرآن در آیه 185 سوره بقره می فرماید: «فلیصمه»؛ یعنی باید روزه بدارند، امر می کند ولی در این جا خداوند متعال با نگاه رسمی تری وارد شده است، می فرماید: ای مومنان! روزه برای شما نوشته شده است و قابل توجیه و فرار نیست. برای این که برای شما تسهیل شود و بدانید که این ویژه شما نیست: «کما کتب علی الذین من قبلکم» : بر امت های قبل هم واجب کردیم.

بنابر این دم ابوالبشر علیه السلام وقتی در بهشت دچار خطا شد برای توبه

1- بقره.183.

روزه گرفت و هم چنین حضرت نوح علیه السلام در کشتی وقتی که اضطرار بر او وارد شد روزه گرفت و با روزه از خدا خواست که او را از این حالمت بیرون کند. وقتی که حضرت مریم علیهماالسلام تولد فرزندش اتفاق افتاد و قرار بود حجمه ها بر علیه او شروع شود، روزه گرفت و با حالت روزه بر مردم وارد شد. حدیثی در این باره داریم که: «إنما فرض الله صیام شهر رمضان علی الانبیاء دون الأمم»؛(1) خداوند روزه را اول بر انبیا واجب کرد نه بر مردم و بعد از آن بر امت ها هم واجب شد و اختصاص داده شد.

ذکر دو نکته

۱. امام سجاد علیه السلام در طلیعه ماه رمضان دعایی دارد که بخشی از آن این است: «اللهم ألهمنا معرفه فضله»؛(2) خدایا! بر محمد و آل او درود بفرست و به ما توفیق شناخت ماه رمضان را عطا بفرما.

2. رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم فرمود: «لو یعلم العباد ما فی رمضان لتمنت أن یکون رمضان سنه»:(3) اگر مردم می دانستند در ماه رمضان چه خبر است، آرزو

1- «سمعت أبا عبد الله علیه السلام یقول إن شهر رمضان لم یفرض الله صیامه علی أحد من الأمم قبلنا فقلت له فقول الله عز و جل یا أیها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم قال إنما فرض الله صیام شهر رمضان علی الأنبیاء دون الأمم ففضل به هذه الأمه وجعل صیامه فرضا علی رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم و علی أمته» (من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 100: وسائل الشیعه، ج10، ص240؛ فضائل الأشهر الثلاثه، ص 124).
2- صحیفه سجادیه، دعای 44.
3- «عن النبی صلی الله علیه و اله وسلم (أنه قال) : وقد دنا رمضان لو یعلم العبد ما فی رمضان یود أن یکون رمضان السنه فقال رجل من خزاعه یا رسول الله و ما فیه فقال ص ابن الجنه لتزین لرمضان من الحول إلی الحولی فإذا کان أول لیله من رمضان هبت ریح من تحت العرش فصفقت ورق الجنه فتنظر حور العین إلی ذلک فیقلن یا رب اجعل لنا من عبادک فی هذا الشهر أزواجا تقر أعیننا بهم و تقر أعینهم بنا فما من عبد صام رمضان

إلا زوجه الله تعالى من الحور فی خیمه من دره مجوفه کما نعمت الله سبحانه و تعالی فی کتابه حور مقصورات فی الخیام علی کل واحده منهن سبعون (ألف) حله لیست واحده منهن علی لون الأخری و یعطی سبعین لونا من الطیب بس منها طیب علی لون آخر و کل امرأه منهن علی سریر من یاقوته حمراء متوسحه من در علیها سبعون فراشا بطائنها من إستبرق و فوق سبعین فراساً سبعون أریکه لکل امرأه منهن سبعون ألف وصیفه لخدمتها و سبعون للقیاها زوجها مع کل وصیفه منهن صحفه من ذهب فیها لون من الطعام هذا لکل یوم صام من رمضان سوی ما قیل من حسنات» (مستدرک الوسائل، ج 7، ص424؛ بحار الانوار، ج93، ص346).

می کردند کاش ماه رمضان یک سال بود.

ما در تاریخ کسانی را داشتیم که تمام عمر را روزه بودند و حتی از خداوند در خواست داشتند، که وقتی روزه هستند از دنیا بروند، مثلا: جعفر بن ابیطالب در جنگ موته وقتی که به شهادت رسید روزه دار بود. روزه چهره شیطان را سیاه می کند و دست شیطان را می بندد، خداوند می فرماید: همه عبادات انسان برای خود اوست به غیر از روزه که برای من است.(1)

سؤال این است که اثرات روزه چیست؟ مثالی بزنم: مانورهایی که ارتش و سپاه می گذارند، در واقع یک جنگ فرضی است که شکل می دهند و افراد را داخل بیابان می برند و غذا هم به آنها نمی دهند، چرا؟ برای این که این اشخاص، برای میدان جنگ آماده شود.

1- من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 75؛ مستدرک الوسائل، ج 7، ص 499؛ وسائل الشیعه، 10، ص400.

اثرات روزه

1.تقویت عزم واراده

اولین اثر روزه تقویت عزم و اراده است. شما که از حلال اجتناب کردید؛ پس می توانید از حرام هم اجتناب کنید. شما که ماه رمضان آب نخوردید پس در غیر ماه رمضان هم می توانید مشروب نخورید. شما که سحر بلند شدید پس می توانید نماز صبح را در وقت خودش بخوانید، به طوری که می تواند خودتان را برای ورود به فضای ترک معصیت و گناه آماده کنید.

2.تقویت نظم

دومین اثر روزه داری تقویت نظم است.

3.تقویت بردباری و صبر

سومین اثر روزه داری تقویت بردباری و تحمل است. چندین ساعت برای نخوردن و نیاشامیدن صبر می کنید؛ پس شما می توانید بر ترک وسواس و معصیت ها صبر کنید. شما که قبل از اذان صبح بلند می شوید و سحری می خورید؛ پس غیر از ماه رمضان هم می توانید برای نماز صبح بیدار شوید.

4.تقویت آشتی با خدا

چهارمین اثر روزه داری تقویت آشتی با خدا است. رابطه هایی که کمرنگ شده است، در ماه رمضان پررنگ می شود. یعنی انسان احساس

می کند یک شارژ باطری قوی ای به خودش گذاشته است: توفیق عبادت توبه، ترک گناه، معرفت و قرآن خواندن پیدا می کند. ماه رمضان یک کارواش کاملی است که پلیدیها و زشتی ها را از بین می برد.

کسب فیض از ماه رمضان برای همه

ممکن است کسی بگوید: همه این چیزهایی که گفته شد برای افراد روزه دار است. تکلیف کسی که نمی تواند روزه بگیرد چیست؟ این سفره ماه رمضانی که پهن شده است همه اش برای افراد روزه دار نیست. کسانی که در ماه رمضان روزه نیستند همین که کنار روزه دارها باشند، سحر بلند شوند و کنار خانواده شان بنشینند از این سفره الهی فیض ببرند. کسانی که نمی توانند روزه بگیرند، سعی کنند سحر بلند شوند، دو رکعت نماز شب بخوانند، قرآن بخوانند. این که مختص برای روزه دار نیست.

استادی نقل می کرد که حضرت آیت الله مرعشی به من فرمودند: من در سال سه بار (ماه رجب، شعبان و رمضان) روزه می گرفتم، اما الان گریه می کنم و حسرت میخورم که نمی توانم حتی یک روزه را بگیرم.

خداوند در قرآن می فرماید:«وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (195)»(1) همیشه احسان کنید و ماه رمضان هم ماه احسان است. بعضی از افراد در زندگی دائما می خواهند دیگران به آنها احسان کنند. در بعضی نقل ها داریم: افرادی که می خواهند همه در خدمتشان باشند معلون هستند. اما

1- بقره، 195.

برعکس کسانی که دوست دارند همیشه خادم باشند، مردم آنها را دوست دارند و اگر اتفاقی برای این افراد بیفتد همه کمک می کنند.

تذکر 2 نکته

نکته اول: اگر کسانی نمی توانند روزه بگیرند خودشان را در سلک روزه داران قرار بدهند. به این عزیزان توصیه می کنم به هر دلیلی که نمی توانید روزه بگیرید حرمت ماه رمضان را نگه دارید. رمضان اسم خداست و لذا نگویید رمضان آمد و رفت، بلکه بگویید ماه مبارک رمضان. خدا هم در قرآن می فرماید:«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ»(1) چون ماهی است که قرآن در آن ماه، نازل شده است.

نکته دوم: ماه مبارک رمضان، یک نوع آمادگی کامل است برای این که خودمان را پیدا کنیم، نه این که با تمام شدن این ماه دوباره به همان شرایط قبل برگردیم. باید سعی کنیم دستاورها را حفظ کنیم. به همین دلیل است که گفته اند نگه داشتن عمل از اصل عمل مشکل تر است.(2)

ماه رمضان دریای رحمتی است که برای همه افراد گسترده شده است. شما تصور کنید چندین نفر کنار دریا می روند، کسی که شنا بلد نیست،

1- بقره. 185.
2- عن أبی جعفر علیه السلام: أنه قال: «الإبقاء علی العمل أشد من العمل». قال: وما الإبقاء علی العمل؟ قال:«یصل الرجل بصله، و ینفق نفقه لله وحده لاشریک له، فکتب له سرا، ثم یذکرها فتمحی، فتکتب له علانیه، ثم یذکرها فتمحی، و تکتب له ریاء» (الکافی ج 2، ص296؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 75 بحار الانوار، ج 67، ص 233).

می گوید من دریا رفتم. کسی که هم نیمه حرفه ای است می گوید: من به اندازه چند متر شنا کردم، و آن کسی هم که خیلی مسلط است تا وسط دریا می رود، همه آنها با هم فرق دارند، ولی همه خوشحال هستند که در این آب وارد شدند. من هم به روزه داران می گویم: با هر میزانی که روزه بگیرید همه وارد این رحمت الهی شده اید. بعضی از جوان ها هستند که بعد از سحر و خواندن نماز صبح تا ظهر می خوابند و بعد تا افطار استراحت می کنند، شاید بگویند: این روزه ما فایده ای ندارد، نه این طور نیست. در روایت آمده است که: «نومکم فیه عباده» (1) خواب شما هم

1- «عن علی علیه السلام قال: إن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم خطبنا ذات یوم قال أیها الناس إنه قد أقبل إلیکم شهر الله بالبرکه و الرحمه والمغیره شهر هو عند الله أفضل الشهور و أیامه أفضل الأیام و لیالیه أفضل الیالی و ساعاته أفضل الاساعات هو شهر دعیتم فیه إلی ضیافه الله و جعلتم فیه من أهل کرامه الله أنفاسکم فیه تسبیح و نومکم فیه عباده و عملکم فیه مقبول و دعاؤکم فیه مستجاب فاسألوا الله ربکم بنیات صادقه و قلوب طاهره أن یوفقکم لصیامه و تلاوه کتابه - فإن الشقی من حرم غفران الله فی هذا الشهر العظیم و اذکروا بجوعکم و عطشکم فیه جوع یوم القیامه و عطسه و تصدقوا علی فقرائکم و مساکینم و وقروا کبارکم و ارحموا صغارکم و صلوا أرحامکم و احفظوا ألسنتکم و غضوا عما لا یحل النظر إلیه أبصارکم و عما لا یحل الاستماع إلیه أسماعکم و تحننوا علی أیتام الناس یتحنن علی أیتامکم و توبوا إلی الله من ذنوبکم و ارفعوا إلیه أیدیکم بالدعاء فی أوقات صلاتکم فإنها أفضل الساعات ینظر الله عز و جل فیها بالرحمه إلی عباده یجیبهم إذا ناجوه و یلبیهم إذا نادوه و یعطیهم إذا سألوه و یستجیب لهم إذا دعوه أیها الناس إن أنفسکم مرهونه بأعمالکم ففکوها باستغفارکم و ظهورکم ثقبله من أوزارکم فخففوا عنها بطول سجودکم و اعلموا أن الله أقسم بعزته أن لا یعذب المصلین و الساجدین و أن لا یروعهم بالنار یوم یقوم الناس لرب العالمین أیها الناس من فطر منکم صائما مؤمنا فی هذا الشهر کان له بذلک عند الله عتق نسمه و مغفره لما مضی من ذنوبه قیل یا رسول الله - فلیس کلنا یقدر علی ذلک فقال صلی الله علیه و آله وسلم اتقوا النار و لو بسبق ثمره اتقوا النار ولو بثمربه من ماء ایها الناس من حسن منکم فی هذا الشهر خلقه کان له جوازا علی الصراط یوم تزل فیه الأقدام و من خفف فی هذا الشهر عما ملکت یمینه

خفف الله عليه حسابه و من كف فيه شره كف الله عنه غضبه يوم يلقاه و من أكرم فيه يتيما أكرمه الله يوم يلقاه و من وصل فيه رحمه وصله الله برحمته يوم يلقاه و من قطع فيه رحمه قطع الله عنه رحمته يوم يلقاه و من تطوع فيه بصلاه كتب الله له براءه من النار - و من أذى فيه فرضا كان له ثواب من أدى سبعين فريضه فيما سواه من الشهور و من أكثر فيه من الصلاه على نقل الله ميزانه يوم تخف الموازين و من تلا فيه آيه من القرآن - كان له مثل أجر من ختم القرآن في غيره من الشهور ايها الناس إن أبواب الجنان فى هذا الشهر مفتحه فاسألوا ربكم أن لا يعلقها عنكم و أبواب النيران مغلقه فاسألوا ربكم أن لا يفتحها عليكم و السباطين مغلوله فاسألوا ربكم أن لا يسلطها عليكم قال أمير المؤمنين عليه السلام فقمت فقلت يا رسول الله - ما أفضل الأعمال فى هذا الشهر فقال يا أبا الحسن أفضل الأعمال فى هذا الشهر الورع عن محارم الله» (وسائل الشيعه، ج 9، ص313؛ بحار الانوار، ج93، ص356؛ فضائل الأشهر الثلاثه، ص 77).

عبادت است. این قدر خدا مهربان است که حتی نفس هم بکشید می گوید نفستان تسبیح است و خوابتان هم عبادت است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به جابر فرمودند: اگر کسی این کارها را انجام بدهد روز عید فطر مانند کسی است که از مادر متولد شده است. جابر پرسید: یا رسول الله! چه کاری؟ «یا جابر هذا شهر رمضان من صام نهاره و قام وردا من لیله و عف بطنه و فرجه و کف لسانه خرج من ذنوبه کخروجه من الشهر»؛(1) این ماه رمضان است هر کسی روزش را روزه بگیرد و قسمتی از شب را بپا خیزد، شکمش را نگاه دارد و حرام نخورد، قوای جنسی و زبانش را کنترل کند، از گناه خارج می شود، مثل روزی که از مادر متولد شده است.

1- الکافی، ج 4، ص 87: وسائل الشیعه، ج10، ص 162؛ بحار الانوار، ج93، ص 371.

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند: «إذا صمت فلیصم سمعک و بصرک»(1) وقتی روزه می گیرید چشم و گوش و موی شما هم روزه بگیرد. خانم بزرگواری که بیرون از خانه می روی، روزه مو، این است که موی شما را نامحرم نبیند. روزه پوست، این است که پوست شما آرایش کرده در مقابل چشم نامحرم قرار نگیرد. روزه چشم، این است که صحنه ها و فیلم های مبتذل نبینید. روزه گوش، این است که موسیقی حرام گوش ندهی. با ابزار حرام نمی شود انسان رشد کند.

گوشت برادر مرده خوردن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم یک روز را تعیین فرمود که همه مسلمانان روزه بگیرند و تا وقتی دستور نداده افطار نکنند. همه تا شام روزه گرفتند، شامگاه مردم یک به یک آمدند و عرض کردند: یا رسول الله! تا کنون روزه داشتیم، اجازه افطار فرمایید. حضرت صلی الله علیه و آله وسلم اجازه می داد. مردی آمد و عرض کرد: دو دختر از خانواده ام روزه گرفته اند، خجالت می کشند خدمت شما برسند. اجازه می فرمایید افطار کنند؟

حضرت از او رو برگردانیدند، در مرتبه دوم نیز مراجعه کرد. باز توجه نفرمودند. در سومین مرتبه فرمودند: از من اجازه افطار می خواهی؟ آن دو روزه نگرفته اند. چگونه روزه دار است کسی که پیوسته از صبح مشغول

1- «قال الصادق علیه السلام : إذا صمت فلیصم سمعک و بصرک و شعرک و جلدک و عدد اساء غیر هذا و قال لا یکون یوم صومک کیوم فطرک » (من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 109، الکافی، ج 4، ص 87، وسائل الشیعه، ج10، ص 163).

خوردن گوشت مردم بوده است. برو و بگو اگر روزه دار بوده اند. استفراغ کنند. آن مرد برگشت و فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را رسانید، دختران استفراغ کردند، از دهان هر یک تکه گوشتی خارج شد. آن گاه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برگشت و جریان را بیان کرد، حضرت فرمودند: سوگند به حق آن کسی که جانم در دست او است، اگر در شکم آنها باقی می ماند، آتش جهنم آنان را فرا می گرفت.(1)

آن کس که لوای غیبت افراشته است

او از تن مردگان غذا ساخته است

غیبت، دروغ، تهمت و ... ثواب روزه را کم می کند.

1- کشف الریبه، ص8 ، بند تاریخ، ج 5، ص 162.

ویژگی های قرآن کریم از منظر علی علیه السلام

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:«یَا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْکُمْ مَوْعِظَهٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِی الصُّدُورِ وَهُدًی وَرَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنِینَ»(1)

مقدمه

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه بارها و بارها به توصیف قرآن پرداخته و کسی نمی تواند بهتر از امیر مؤمنان قرآن را توصیف کند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «علی مع القرآن و القرآن مع علی»(2) حضرت علی علیه السلام می فرمایند: هر کجا آیه ای نازل شده، من آنجا حاضر بودم و می دانم برای چه کسی و به چه منظور نازل شده؛ چون حضرت علی علیه السلام اعلم صحابه به قرآن است و ایشان خیلی دقیق به تفسیر آیات پرداخته است.

حضرت علی علیه السلام در خطبه 198 نهج البلاغه چهل و دو ویژگی برای قرآن ذکر کرده است. برخی از این ویژگی ها عبارتند از :

1- یونس،57.
2- مستدرک الصحیحین، ج 3، ص 134.

1.نورش جاویدان

اولین ویژگی قرآن این است که نورش جاویدان است. علی علیه السلام فرمود: «نوراً لا تطفأ مصابیحه»: قرآن نوری است که هیچ وقت خاموش نمی شود.

اسلام آوردن شخص نصرانی

زکریا بن ابراهیم شخصی نصرانی بود که مسلمان شده بود، در ایام حج خدمت امام صادق علیه السلام آمد، آقا یک سؤالی از او کرد، فرمودند: دلیل اسلام آوردنت چیست؟ گفت: من آیه 52 سوره شوری را خواندم، این آیه من را مسلمان کرد:« مَا کُنْتَ تَدْرِی مَا الْکِتَابُ وَلَا الْإِیمَانُ وَلَکِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِی بِهِ مَنْ نَشَاءُ»(1) پیامبر! تو از مطالب قرآن چیزی نمی دانستی ما این قرآن را به عنوان نوری بر تو قرار دادیم تا به وسیله آن مردم هدایت شوند.

ایشان گفت: من نزد خودم فکر کردم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم یک آدم عادی بوده، این مضامین بلندی که در این سوره ها آمده است را در جایی نخوانده است؛ پس این حرف ها حرف خداست و این شخص پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است. بعد از مسلمان شدن به آقا عرض کرد: من یک مادر مسیحی دارم آیا از این به بعد هم او را احترام کنم و با او غذا بخورم؟ آقا فرمودند: بیشتر به او احترام بگذار. وقتی به کوفه برگشت بسیار مادرش را احترام کرد. مادر از او پرسید: جریان چیست؟ گفت: من مسلمان شده ام؛ دین اسلام توحیدی است که در کنار توحید می گوید: به والدین خود احترام

1- شوری، 52.

کنید. مادر گفت: این دین را به من عرضه کن تا من هم مسلمان شوم.(1) با رفتار فرزند مسلمان، مادر مسیحی اش نیز مسلمان شد. پیام قرآن بود که این جوان را مسلمان کرد.

2.پرتوافشانی کردن

دومین ویژگی قرآن این است که پرتو افشانی می کند. علی علیه السلام فرمودند: «وسراجا لا یخبو توقده»؛ چراغی است که زوال ندارد و همیشه تلألو و پرتو افشانی دارد و همیشه به انسان حرارت می دهد.

3.درک نکردن عمق آن

سومین ویژگی قرآن این است که کسی عمق آن را درک نکرده است. علی علیه السلام می فرمایند: «وبحراً لا یدرک قعره»: این قرآن دریایی است که کسی تا حالا در قعر آن نرفته است.

4.گمراهی نداشتن

چهارمین ویژگی قرآن این است که اگر کسی در مسیر دستورات قرآن قرار بگیرد گمراه نمی شود. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «و منهاجا لا یضل نهجه»؛ این کتاب راه روشنی است که هر کسی به آن راه برود گمراهی ندارد.

شخصی به حقیر گفت: این قرآن خشونت دارد. جزای زن و مرد

1- الکافی، ج2، ص160؛ بحار الانوار، ج 47، ص 374؛ مشکاه الانوار، ص 160.

زنا کار را شلاق می داند، و می گوید دست سارق را قطع کنید. گفتم: مثل این می ماند که شما در کل کشور به قوه قضائیه و فقط به دادگاه کیفری بروید یا مثلا: به اداره پلیس بروید فقط از بخش جریمه ها بازدید کنید و بعد بگویی: این چه قوه قضائیه و پلیسی است که این قدر جریمه می کند. به این شخص باید گفت: این کشور علاوه بر قوه قضائیه و دادگاه وزارت ارشاد هم دارد، اداره پلیس هم دارد. تو در قرآن فقط این آیه را دیدی:«وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا»(1) قرآن می گوید:«خُذِ الْعَفْوَ »(2) و قرآن 114 مرتبه «بسم الله الرحمن الرحیم» دارد. این ها را نمی بینند. در آیات باید بازدارندگی باشد. این قرآن ناجی است و هرگز گمراه نمی کند.

5.کهنه نشدن استدلال هایش

پنجمین ویژگی قرآن این است که استدلال هایش کهنه نمی شود. علی علیه السلام فرمودند: «و فرقاناً لا یخمد برهانه»: قرآن کتابی است که استدلال هایش هیچ وقت کهنه نمی شود. 1400 سال گذشته است و شما هنوز می خواهید برای توحید دلیل بیاورید. این آیه را بیان می کنید.«لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»(3) که می خواهید برای خدا دلیل بیاورید:«أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ»(4) که برای نبوت می خواهید دلیل بیاورید:

1- مائده، 38.
2- أعراف، 199.
3- انبیاء. 22.
4- غاشیه، 17.

«یس والقرآن الحکیم إنک لمن المرسلین»؛(1) پیامبر! تو پیامبر هستی چون قرآن حکیم داری.«والقرآن الحکیم» استدلال بر نبوت است؛ مردم باید این ها را بدانند. قرآن در زندگی ما باید کارآمد باشد و پیاده شود.

تأثیر قرآن کریم

شخصی در مسجد خدمت رسول گرامی صلی الله علیه و آله وسلم آمد و گفت: یا رسول الله! به من قرآن یاد بدهید! آقا فرمودند: یک سوره به تو یاد میدهم:«إذا زلزلت الأرض زلزالها وأخرجت الأرض أثقالها ... فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره ومن یعمل مثقال ذره شرا یره». گفت: یا رسول الله حتی ذره ای از کار خوب و زشت برای ما مجسم می شود؟ فرمودند: بله. آن شخص گفت: کافی است، من به همان عمل می کنم. وقتی رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گفتند: این فقیه است که می رود.(2) قرآن خودش می فرماید:«وَلَقَدْ یَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّکْرِ»(3) قرآن باید در زندگی ما پیاده شود.

6.شفای بیماری های روحی

ششمین ویژگی قرآن این است که شفاست، علی علیه السلام فرمودند: «وشفاء لا تخشی أسقامه»؛ این قرآن شفا است؛ منتها شفایی است که درد جدید ایجاد نمی کند.

1- یس 1-3.
2- تفسیر روح البیان، ج10، ص 495: نورالثقلین، ج 5، ص 650.
3- قمر، 17.

مرحوم شهید دستغیب در کتاب داستان های شگفت می گوید: در شیراز بیماری آنفولانزا آمد که بسیار تلفات داشت. شخصی به نام سید عبدالله حمیری می گوید: نزد امام جماعت مسجد وکیل در شیراز رفتم و گفتم: ما پول و دارو نداریم و نگرانم که فرزندانم به این بیماری مبتلا شوند. ایشان فرمودند: دستت را روی این شقیقه ها بگذار و چند مرتبه این آیه را بخوان:

«وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»(1) تجربیات اشخاص با هم متفاوت هستند.

آیت الله مجتهدی رحمه الله علیه می فرمودند: وقتی مشکل برایم پیش می آید هزار صلوات نذر نرجس خاتون (مادر امام زمان) می کنم، مشکلم حل می شود. ممکن است این تجربه برای ایشان مفید باشد. ولی بنده این کار را بکنم مشکلم حل نشود. باورها و مصادیق فرق می کند.«شفاء ورحمه للمؤمنین» ، منظور دردهای جسمی نیست. ممکن است شما هفت بار سوره حمد را بر مریض بخوانید، تب اش پایین بیاید و بهبود پیدا کند ولی منظور از این شفا، بیماری های درونی است؛ چون حضرت علی علیه السلام در جای دیگر می فرماید: منظور از بیماری، حرص و نفاق است.

واقعا اگر کسی به قرآن مراجعه کند و آدم بدگمانی باشد باید بدگمانی اش خوب شود. وقتی به آیات نگاه می کند که در همه جا سخن از خوش گمانی دارد. اگر کسی واقعا در زندگی اش لقمه حرام می خورد و وقتی قرآن را باز کند و ببیند که قرآن می فرماید: روز قیامت لقمه حرام در

1- الاسرا،82.

شکم شما آتش می شود و به صورت آتش مجسم می شوید و این آتش بسر چهره شما گداخته می شود. دیگر لقمه حرام نمی خورد. اگر کسی در زندگی اش اهل سخن چینی است ببیند وقتی قرآن کریم می فرماید: «وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ»(1) وای بر آدم هایی که عیب جو هستند، دیگر سخن چینی نمی کند.

7.حق بودن

هفتمین ویژگی قرآن این است که حق است. علی علیه السلام فرمودند: «وحقا لا تخذل أعوانه»؛(2) قرآن حق است هر کس یاری اش کند ذلیل نمی شود. به مرحوم شهید بهشتی من گفتند: علیه شیما حرف می زنند،

1- همزه، 1.
2- «ثم أنزل علیه الکتاب نورا لا تطفأ مصابیحه و سراجا لا یخبو توقده و بحرا لا یدرک قعره و منهاجا لا یضل نهجه و شفاعا لا یظلم ضوءه و فرقانا لا یحمد برهانه و تبیانا لا تهدم أرکانه و سفاء لا تخسی أسقامه و عزا لا تهزم أنصاره و حقا لا تخذل أعوانه فهو معدن الإیمان و بحبوحنه و ینابیع العلم و بحوره و ریاض العدل و غدرانه و أتافی الإسلام و بنیانه و أودیه الحق و غیطانه و بحر لا ینزفه المستنزفون وعیون لا ینضبها الماتحون و مناهل لا یغیضها الواردون و منازل لا یضل نهجها المسافرون و أعلام لا یعمی عنها السائرون و (اکام) آکام لا یجوز عنها القاصدون جعله الله ریا لعطش العلماء و ربیعا لقلوب الفقهاء و محاج لطرق الصلحاء و دواء لیس بعده داء و نورا لیس معه ظلمه و حبلا وثیقا عروته و معقلسا منیعا ذروته و عزا لمن تولاه و سلما لمن دخله و هدی لعن ائتم به و عذرا لمن انتحله و برهانا لمن تکلم به و شاهدا لمن خاصم به و فلجا لمن حاجت به و حاملا لمن حمله و مطیه لمن أعمله و آیه لمن توسم و جنه لمن استلام و علما لمن وعی و حدیثا لمن روی و حکما لمن قضی» (نهج البلاغه، حکمت 198).

فرمودند: قرآن می فرماید:«إِنَّ اللَّهَ یُدَافِعُ عَنِ الَّذِینَ آمَنُوا»(1)خدا از کسانی که ایمان دارند دفاع می کند و خدا از ایشان با شهادت و مظلومیتش دفاع کرد. شهید مطهری خانه وقتی اندیشه های قرآنی اش را مطرح کرد و شروع به تفسیر قرآن کرد هیچ مجله ای حاضر به چاپ نبود اما الان می بینیم که کتاب های تفسیر قرآن شهید مطهری بارها چاپ شده است. کسی که فقط قرآن را بخواند، بدون این که تفسیرش را بداند، مثل کسی است که به استخر برود ولی فقط دستش را به آب بزند. پس بدون تفسیر نمی توان بهره ای از قرآن برد. اگر کلاس های اخلاق دانشگاه و کلاس های اخلاق حوزه به این سمت و سو برود، مردم با قرآن انس پیدا می کنند و از آن بهره مند می شوند.

دو سخن از غیر مسلمانان درباره قرآن

رالف، نویسنده کتاب سیر تمدن درباره قرآن می گوید: آموزشگاه عالی قرآن راه ترقی و پیشرفت هر فرد را از هر طبقه به هر مقام هموار ساخته، به طور مثال: حتی فرزند یک برده هم می تواند به مقامات عالی برسد.

جان دیون، در کتاب عذر تقصیر به پیشگاه محمد صلی الله علیه وآله وسلم و قرآن جمله زیبایی دارد، می گوید: قرآن به اندازه ای از نقایص مبرا و منزه است که نیازمند کوچکترین تصحیح و اصلاح نیست. اگر از اول تا آخر آن خوانده شود ملالت نمی آورد.

1- حج، 38.

شهید مطهری می گوید: من یک شعر یا متن را چند بار که می خوانم خسته می شوم، اما هر چه قرآن را می خوانم خسته نمی شوم.

ما سوره حمد را در روز چندین بار می خوانیم اما هر بار که می خوانیم برای ما تازگی دارد؛ طراوت قرآن یک معجزه است.

اقبال لاهوری می گوید:

هر وقت می خواهم خدا با من حرف بزند قرآن می خوانم.

ص: 47

ص: 48

عبادت و بندگی خداوند

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:«یَا أَیُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُمْ وَالَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ»(1)

مقدمه

قرآن کریم کتاب عمل و زندگی است. قرآن کریم کلام خالق ما است. خدا در قرآن با ما سخن گفته است. ما برای این که به وظیفه مان عمل کنیم اول باید کلام خدا را بفهمیم و در آن تدبر کنیم تا بتوانیم آن را در زندگی مان پیاده کنیم. وقتی شما وسیله ای می خرید، در آن دفترچه راهنمایی است که ما را برای استفاده درست از آن راهنمایی می کند. ما می خواهیم دیندار باشیم، قانون اساسی ما قرآن است؛ البته این حرف به این معنا نیست که فقط قرآن برای دینداری و عمل کافی است؛ چون خود خدا هم در قرآن می فرماید:«ومَا آتَاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ»(2) آنچه که پیامبر صله می گوید، مثل حرف خداست آنها را هم بگیرید.

1- بقره. 21.
2- حشر 7.

خود پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: من در بین شما دو چیز می گذارم: یکی قرآن و دیگری عترت. طبعا قرآن کافی نیست باید احادیث و کلمات رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه معصومین علیهم السلام هم در کنار آن باشد. چون بسیاری از جزئیات در قرآن نیامده است ولی به هر حال این کتاب، کتاب اخلاق است و قرآن خودش را این طور معرفی کرده است:«لِمَا فِی الصُّدُورِ وَهُدًی وَرَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنِینَ»(1) من موعظه ای از طرف خدا و شفای دردهای درونی شما هستم و هم چنین هدایت و رحمتم.

ما چگونه باید با این کتاب آشنا شویم؟! همه افراد می توانند پای سفره قرآن بنشینند و قرآن برای همه انسان ها نازل شده است. در قرآن بعضی از موارد خطاب به اشخاص است، مثلا:«یا یحیی»(2) یا «یا ایها المزمل»(3) که خطاب به رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم است. بحث ما درباره آیاتی است که اول آن «یا ایها» است و مستقیم با خود مردم و مسلمین است.

عبادت

اولین مورد، سوره بقره، آیه 21 است که می فرماید:«یَا أَیُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُمْ وَالَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ»(4) ای مردم! اولین انتظار من از شما این است که من را عبادت کنید.

چند نکته در این جا وجود دارد:

1- یونس. 57.
2- مریم، 12.
3- مزمل 1.
4- بقره، 21.

1.چه کسی را عبادت کنیم؟ کسی که ما را خلق کرده و ما را هدایت کرده است.

2.خدایی که شما را آفریده بپرستید. عزیزان من! عبادت مخصوص خداست.

این که ما خدا را عبادت می کنیم در آیه بعد آمده است:«الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَکُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»(1) خدایی که این زمین را برای شما فرش قرار داد و آسمان را قرار داد تا حافظ شما باشد و از آسمان برای شما باران فرستاد و زمین را برای شما روزی قرار داده است.

بعضی ها در صدر اسلام و آغاز دعوت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می گفتند: ما قبول داریم خدا خالق ما است ولی قبول نداریم او رب ما باشد. لذا اگر از آنها سؤال می کردید چه کسی شما را آفریده؟ می گفتند: خدا. چه کسی شما را تربیت کرده است؟ می گفتند: بت. بت ها را خالق نمی دانستند بلکه به عنوان مربی می دانستند. این آیه می خواهد بگوید: خالق و رب شما، هر دو خداوند است.

3. عبادت خدا چه فایده ای دارد یا عبادت برای چیست؟

فوائد عبادت

اشاره

1.پرهیزکاری

عبادت آثار فراوانی دارد برخی از آنها عبارتند از :

1- بقره، 22.

اولین فایده عبادت این است که پرهیزکار می شوید. در آیه 21 سوره بقره می فرماید: اگر خدا را عبادت کنید پرهیزکار می شوید؛ یعنی عبادت و بندگی خدا موجب می شود غرایز در شما خاموش شود و سالم و سازنده شوید، مانند یک جویی که به چشمه وصل می شود به خدا وصل می شوید.

حضرت علیه السلام یک شب جای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خوابید(1) و این حرکت عبادت خدا شد. قرآن می فرماید:«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»(2) در ظاهر خوابیدن است اما در واقع کار بسیار مهمی کرده است.

چرا این کار عبادت شد؟ چون برای رضای خدا بود. کسی برای خدا کار انجام دهد حکم عبادت را دارد.

بالاترین تجسم عبادت، نماز است. نماز و روزه نمود عبادت است. دلیل این که از کلمه «لعلکم» استفاده کرده است به معنی امید است که شما این کار را انجام دهید. شاید شما مشمول واقع شوید.

2.احیا در زنده شدن

دومین فایده عبادت رشد و تعالی پیدا کردن است. خداوند در قرآن می فرماید:«اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»(3) خدا را عبادت کنید تا به رشد و تعالی برسید.

1- المیزان، ج 9، ص99.
2- بقره، 207.
3- أنفال، 24.

3.آرامش و شجاعت

سومین فایده عبادت آرامش، شجاعت و عزتی است که انسان در پرتو عبادت پیدا می کند. وقتی شما عبد خدا باشی، از غیر خدا نمی ترسی در نتیجه عزیز هستی، وقتی شما عبد خدا باشی در زندگی احساس یأس نمی کنی پس امیدوار هستی. صریح قرآن است:«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»(1) و لذا شما ببینید امام حسین علیه السلام یک نفر است ولی در مقابل هزاران دشمن ایستادگی می کند. امام خمینی می فرمود: از غیر خدا نمی ترسم و واقعا هم نترسید.

وقتی انسان به خدا وصل شد خوف و یأس و حزن و خواری از او دور می شود و به دنبال آن شجاعت و عزت و امیدواری می آید.

حقیقت بندگی در سه چیز

شخصی به نام عنوان بصری خدمت امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: حقیقت بندگی خدا چیست؟ چه کسی واقعا بنده و عبد خداست؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که سه اندیشه داشته باشد عبد خداست:

1- «أن لا یری العبد لنفسه فیما خوله الله إلیه ملکا لأن العبید لا یکون لهم ملکه یرون المال مال الله یضعونه حیث أمرهم الله»: بنده در ذهنش این باشد که من مالک نیستم همه مالکیت ها برای خداست. به راحتی انفاق و ایثار می کند. بسیاری از کسانی که بخل می ورزند و خمس مالشان را نمی دهند

1- فاطر، 10.

و حریص هستند به خاطر ضعف اعتقاد به مالکیت خدا است.

2- «و لا یدبر العبد نفسه تدبیرا »: بنده خودش را مدبر نداند؛ یعنی بگوید من برنامه ریزی می کنم ولی برنامه ریز واقعی خدا است. امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: من خدا را با فسخ عزائم شناختم؛ یعنی هنگامی که آدم همه تصمیم ها را می گیرد ولی یک مرتبه حادثه ای پیش می آید که همه چیز به هم می ریزد. اگر این طور شد: «هانت علیه المصائب الدنیا»؛ (1) مصائب دنیا بر او آسان می شود. وقتی امام حسین علیه السلام علی اصغرش شهید شد گفت: «الهی هونی الأمر»؛ خدایا این مصیبت آسان است؛ چون تو داری می بینی. اگر انسان خودش را مدبر ندانست، خدا و خالق را مدبر اصلی دانست مصیبت بر او آسان می شود.

3- «و جمله اشتغاله فیما أمره الله تعالی به ونهاه عنه»:(2) در تمام کارهایش خدا را در نظر بگیرد ما در زندگی فعالیت هایی داریم؛ کارهایی که انجام می دهیم دقت کنیم مورد امر خدا باشد و مورد نهی خدا نباشد.

نکته ای که باید در این جا عرض کنم این است که قرآن خودش را تفسیر می کند: «ینطق بعضه ببعض»؛(3) یعنی بعضی از قرآن گویای

1- قال علی علیه السلام من لهی عن الدنیا هانت علیه المصائب» (غرر الحکم، ح 8578).
2- بحار الانوار، ج 1، ص 225؛ مسکاه الانوار، ص327.
3- نهج البلاغه، خطبه 133.

قسمت دیگر است. این طور نیست که خدای تبارک و تعالی همه مطالب مربوط به یک بحث را در یک آیه آورده باشد. گاهی ممکن است شما قصه حضرت موسی علیه السلام را که بخواهید، ببینید باید کل قرآن را بگردید و آیات آن را استخراج کنید و هم چنین راجع به نماز و روزه و عمل صالح.

راجع به عبادت در مجموعه قرآن آیاتی داریم که در سوره فرقان خدا می فرماید: آن کسی که بنده واقعی ما است بندگی در زندگی اش چه آثاری دارد. می گوید: اگر ما گفتیم مردم پروردگارتان را بندگی کنید حالا می دانید بندگان خدا چه کسانی هستند؟

ویژگی بندگان خدا

1.تواضع داشتن

خداوند می فرماید:«الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»(1) اولین ویژگی بندگان خدا اینَ است که متکبر نیستند و با تواضع روی زمین راه می روند. مقابل خدا متواضع هستند و مقابل مردم و پدر و مادر متواضع هستند؛ البته در مقابل انسان های متکبر، برخورد متکبرانه داشته باشیم. لذا می گویند: حضرت علی علیه السلام وقتی در جنگ خندق مقابل عمرو بن عبدود بود چنین حالتی داشت؛

1- فرقان، 63.

وقتی در جنگ خندق مقابل عمرو بن عبدود بود چنین حالتی داشت؛ چون او آدم متکبری بود و تکبر ورزیدن در مقابل متکبر عبادت است. البته آن تکبر نیست در واقع احساس تکبر است.

علی علیه السلام فرمود: هر چیزی زکاتی دارد، زکات خرد شما تحمل افراد جاهل و نادان است.(1)

2.سجده کردن

دومین ویژگی بندگان خدا این است که خداوند می فرماید:«وَالَّذِینَ یَبِیتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِیَامًا»(2) اهل سجده کردن هستند. بندگی خدا راهی دارد که سجده و قیام در راه خداست؛ البته می توانست بگوید: نماز می خوانند اما گفته است: سجده؛ چون مهم ترین قسمت نماز سجده است. اگر کسی بنده خداست باید در مقابل خدا سجده کند نه در مقابل فرعون، نه در مقابل کسی که می گوید: به من سجده کنید.

3.به یاد قیامت و جهنم

سومین ویژگی بندگان خدا این است که خداوند می فرماید:«وَالَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ»(3) دعا می کنند که عذاب

1- غررالحکم، ح 7301.
2- فرقان، 64.
3- فرقان، 65.

جهنم را از ما دور کن! یکی از صفات بندگان خدا این است که مرتب می گویند: خدایا! جهنم را از ما دور کن و لذا در دعای جوشن بسیار می گوییم: «خلصنا من النار یا رب»(1) یا در نماز شب «هذا مقام العائذ بک من النار» یا در قنوت«رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَهِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»(2) که چه اشکالی دارد انسان از آتش جهنم به خدا پناه ببرد. ایک وقتی نزد امام صادق علیه السلام غذایی آوردند که داغ بود ایشان شروع به اشک ریختن کرد و فرمود: به یاد داغی جهنم افتادم.

4.اهل انفاق کردن

چهارمین ویژگی بندگان خدا این است که خداوند می فرماید:«وَالَّذِینَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَلَمْ یَقْتُرُوا»(3) اهل انفاق هستند و در انفاق اسراف نمی کنند. عبودیت نباید فقط از یک بعد باشد، مثلا: کسی عبد خوبی است ولی انفاق نمی کند یا فقط خوش اخلاق است ولی بار از دوش دیگران بر نمی دارد؛ بلکه عبودیت در همه صحنه ها باید خودنمایی کند.

5.به فکر خانواده بودن

خداوند می فرماید:«وَالَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّیَّاتِنَا قُرَّهَ

1- بحارالانوار، ج 91، ص 384: البلد الامین، ص402؛ المصباح الکفعمی، ص 247.
2- بقره، 201.
3- فرقان، 67.

أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»(1) پنجمین ویژگی بندگان خدا این است که به فکر فرزند و خانواده شان هستند. دعا می کنند و می گویند: خدایا! خانواده های ما را نور چشم ما قرار بده و از پیشوای متقیان قرار بده؛ یعنی این دوازده ویژگی که در قرآن آمده هم جنبه نماز و عبادت دارد هم جنبه مسئولیت در برابر خانواده داشتن را دارد. آخر این آیه می فرماید:«أُولَئِکَ یُجْزَوْنَ الْغُرْفَهَ بِمَا صَبَرُوا»(2) اگر کسی بنده ما بود ما به آنها بهشت می دهیم.

بحث امروز ما در مورد آیه 21 سوره بقره بود، پیام این آیه این بود که مردم عبد خدا باشید اگر این گونه باشیم آزاد هستیم، آرام و شجاع هستیم. اگر عبد خدا باشیم در زندگی مان عزیز هستیم و رشد می کنیم. چه طور عبد خدا باشیم؟ در قرآن می فرماید: تواضع داشته باشیم، مردم را تحویل بگیریم و ... این مجموعه اگر رعایت شد ما عبد خدا می شویم.

داستان بشر حافی

امام کاظم علیه السلام از جایی عبور می کردند، دیدند صدای موسیقی و غنا می آید از کنیزی که بیرون آمد سؤال کردند این جا خانه چه کسی

1- فرقان ،74.
2- فرقان، 75.

است؟ گفت: فلانی. پرسیدند: عبد است یا آزاد؟ فکر کرد منظورش این است که برده است یا ارباب؟ گفت: آزاد و ارباب است. آقا فرمودند: اگر عبد می بود این کارها را نمی کرد! امام معنای دیگری را ارائه کرد که وقتی به بشر گفت. او یک تکانی خورد و دنبال امام کاظم علیه السلام دوید و عوض شد.(1)

1- داستان راستان. ج 1، ص 171.

ص: 60

لقمه حلال

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:«یَا أَیُّهَا النَّاسُ کُلُوا مِمَّا فِی الْأَرْضِ حَلَالًا طَیِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّیْطَانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبِینٌ»(1)

مقدمه

بحث ما بحث قرآنی و انتظارات خدا از ما است. برای پاسخ گویی به این سؤال از مواردی که در قرآن با «یا ایها» آمده است بحث می کنیم.

بحث امروز آیات 168 و 169 سوره بقره است. در این دو آیه خدای تبارک و تعالی می فرماید: «یا ایها الناس» باز خطاب به مردم است و لذا مفسرین می گویند: این جا خطاب به تمام انسان هاست. حتی غیر مسلمانان؛«یا أیها الناس کلوا مما فی الأرض حلالا طیبا ولا تتبعوا خطوات الشیطان إنه لکم عدو مبین»؛ ای مردم! لقمه حلال و پاکیزه بخورید و از گام و قدم های شیطان پیروی نکنید.

دلایل پیروی نکردن از شیطان

چرا از قدم های شیطان پیروی نکنیم؟ چون شیطان سه کار را به شما

1- بقره، 168.

فرمان می دهد:«يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»(1) 1- بدی به مردم، 2- کارهای زشت و ارتباطات زشت و نگاه به نامحرم، 3- نسبت به خدا بدهید که نمی دانید، مثلا: حلال خدا را حرام کنید و حرام خدا را حلال کنید.

عزیزان من! لقمه حلال و پاکیزه و پرهیز از حرام یکی از کلیدی ترین مباحث قرآنی و تربیتی است. خدا در قرآن بیش از پانزده بار این بحث را خطاب قرار داده است. روایات فراوانی هم در این رابطه داریم که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: من از دو چیز بعد از خودم برای امتم نگران هستم: «إن أخوف ما أخاف على أمتى من بعدى هذه المكاسب الحرام والشهوه الخفيه»:(2) بیشترین چیزی که من از امتم می ترسم این دو چیز است: 1- کسب های حرام، 2- شهوت مخفی.

حرمت یک لقمه دو نوع است: 1- حرمت ذاتی، 2- حرمت عرضی.

بعضی از چیزها ذاتا حرام است؛ یعنی اگر کسی این کار را انجام دهد آن لقمه حرام است.

کسب های حرام در کلام شهید مطهری

مرحوم شهید مطهری در یکی از کتاب هایشان این بحث را دارند، مثلا:

1.خرید و فروش صلیب در اسلام حرام است؛ چون صلیب تبلیغ مسیحیت است و تبلیغ دینی است که ما آن را منسوخ می دانیم.

1- بقره، 169.
2- الکافی، ج 5، ص 124: مستدرک الوسائل، ج13، ص 329؛ وسائل الشیعه، ج 17، ص81.

2. خرید و فروش بت در اسلام حرام است یا خرید و فروش کتب ضاله؛ چون انحراف ایجاد می کند.

۳. آنچه که باعث منحرف شدن جوانان می شود، مثلا مواد مخدر و کارهای لغوی مثل موسیقی، سحر و ...

4. مردی که انگشتر طلا دست می کند.

بخش دوم حرام عرضی است؛ یعنی آن چیزی که فی نفسه و به خودی خود حرام نیست، مثلا: خرید نان و گوشت حرام نیست بلکه کم فروشی حرام است یا ربا و یا رشوه در معامله حرام است.

لقمه حرام مانع قبول شدن واجبات و مستحبات

روایات فراوانی در این باره نقل شده است، مثلا: در بحار الانوار جلد 100 بیش از هشتاد روایت راجع به لقمه حرام آمده است، برای مثال: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «إن لله ملکا ینادی علی بیت المقدس کل لیله من أکل حراما ما لم یقبل الله منه صرفا ولا عدل والعدل الفریضه»؛(1) یک فرشته ای هر شب ندا می دهد هر کس لقمه حرام بخورد؛ واجبات و مستحباتش قبول نیست.

ریشه های حرام خواری

1.جهل

چرا علیرغم فراوانی لقمه حلال برخی حرام می خورند؟!

1- بحارالانوار، ج100، ص16: عده الداعی. ص 153؛ الحیاه با ترجمه احمد آرام. ص 660.

اولین دلیل استفاده کردن مردم از حرام جهل است؛ واقعا بعضی ها نمی دانند این حلال است یا حرام است؛ یعنی حرام مصرف می کند و اطلاع از حرمت ندارند.

داستان

صفوان یکی از اصحاب امام کاظم علیه السلام بود. ایشان چند شتر داشت و شترها را برای حج به هارون الرشید کرایه می داد. یک سال امام کاظم علیه السلام ایشان را بازخواست کرد که چرا این کار را می کنی؟ گفت: من این کار را برای مکه و حج انجام می دهم. آقا فرمودند: تو دلت می خواهد هارون سالم برگردد و پولت را بدهد؟ عرض کرد: بله. فرمودند: همین کمک به ظلم است و این حرام است.(1) قرآن می فرماید: «ویل للمطففین»: وای بر کم فروشان.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «الناقصین لخمسک یا محمد»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: مطففین کسانی هستند که در خمسشان نقص ایجاد می کنند. باز در روایات آمده است که امام صادق علیه السلام فرمودند: سه گروه دزد هستند: ۱- مانع زکات. 2- کسی که مهر زنش را بر خود حلال بداند، 3- کسی که قرض بگیرد و قصد عدم پرداخت آن را داشته باشد.(2)

1- بحار الانوار، ج 72، ص376؛ الحیاه با ترجمه احمد آرام، ج 6، ص 536.
2- «قال أبو عبد الله علیه السلام السراق ثلاثه مانع الزکاه و مستحل مهور النساء و کذلک من اسندان و لم ینو قضاءه» (وسائل الشیعه، ج21، ص268؛ بحار الانوار، ج93، ص12: الخصال، ج1، ص153).

2.حرص

دومین دلیل استفاده مردم از حرام حرص است. حرص مانع رشد و ترقی است. حریص همیشه محروم است و احساس کمبود می کند.

داستان ثعلبه

ابوبصیر از حضرت امام باقرعلیه السلام روایت می کند که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مؤمن فقیری به نام «سعد» از اهالی «صفه»(1) زندگی می کرد، که سخت مستمند بود. او بسیاری از اوقات را در کنار رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم به سر می برد و در تمام نمازهای جماعت خدمت حضرت حاضر می شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به سعد بسیار ترحم می کردند و نیازمندی و غربت او را که می دیدند به او می فرمودند: ای سعد! اگر چیزی به دستم می رسید تو را بی نیاز می کردم؛ بنابراین رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم بیشتر برای سعد غصه می خوردند.

لذا جبرئیل بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نازل شد در حالی که همراه خود دو در هم داشت. و به حضرت گفت: یا محمد! خداوند می داند که به خاطر سعد. چقدر اندوهگین هستی. آیا دوست داری که او را بی نیاز کنی؟

حضرت فرمودند: آری. دوست دارم که او را بی نیاز سازم. جبرئیل گفت: پس این دو درهم را بگیر و به سعد بده که با آنها تجارت کند.

1- صفه: سایبانی که کنار مسجد مدینه بود و آن را برای کسانی که مسکن و خانه ای نداشتند درست کرده بودند و آنها از مهاجرینی بودند که از مکه به مدینه هجرت کردند و به آنان اصحاب صفه می گفتند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آن دو درهم را گرفته و برای نماز ظهر به سوی مسجد روانه شدند. در میان راه سعد را دید و به او فرمودند: ای سعد! آیا می توانی خوب تجارت کنی؟

اسعد گفت: یا رسول الله! به خدا سوگند، امروز صبح چیزی نداشتم که با آن تجارت کنم. حضرت آن دو در هم را به او داد و فرمودند: با آن تجارت کن و از این طریق رزق و روزی خداوند را به دست آور. سعد آن دو درهم را گرفت و همراه حضرت رفت و نماز ظهر و عصر را با ایشان خواند. پس از نماز حضرت به او فرمودند: برخیز و در پی روزی برو که من خیلی برایت غمگین بودم.

سعد رفت و آن دو درهم را سرمایه خود قرار داد و شروع به تجارت کرد. به این طریق که جنسی را به دو درهم مسی خرید و به چهار درهم می فروخت. بدین ترتیب دنیا به سعد روی آورد و کالا و مال التجاره اش زیاد شد. او جلوی مسجد، محلی برای خود درست کرده بود و در آنجا می نشست و اموال تجارتی از هر سو برایش می آمد. هر گاه که بلال برای نماز اذان می گفت و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بیرون می آمدند، می دیدند که سعد مشغول امور دنیاست و هنوز وضو نگرفته و آن گونه که روزهای پیش از تجارتش برای نماز آماده می شد هنوز مهیا نشده است. تا این که یک روز حضرت به او فرمودند: ای سعد! کار دنیا تو را از نماز بازداشته است؟

سعد گفت: چه کنم؟ آیا می شود مالم را ضایع کنم و از بین ببرم؟ سپس با اشاره به اشخاصی که در اطرافش بودند ادامه داد: این مردی است

که به او جنس فروخته ام و می خواهم پول آن را از او بگیرم و این دیگری مردی است که جنسی از او خریده ام و می خواهم پولش را تحویل بدهم.

حضرت امام باقر علیه السلام می فرمایند: این بار، اندوهی سخت تر از اندوه فقیر بودن سعد به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم دست داد. جبرئیل بر حضرت نازل شد و گفت: یا محمد! خدا از اندوه تو درباره سعد آگاه است. حال بفرما که کدام حالت او به نظرت بهتر است؟ حالت اول یا حالت کنونی اش؟! آری. حب دنیا و ثروت آن فتنه است و انسان را از کار آخرت باز می دارد. به سعد بگو آن دو در همی را که به او داده ای باز پس دهد تا وضعش مثل سابق شود. حضرت صلی الله علیه و آله وسلم بیرون آمدند و وقتی سعد را دیدند به او فرمودند: ای سعد! آیا نمی خواهی آن دو در همی را که به تو داده ایم پس دهی؟

سعد گفت: آری، به جای دو درهم، دویست درهم به شما پس می دهم!

حضرت فرمودند: به غیر از همان دو در هم چیز دیگری از تو نمی خواهم.

سعد دو درهم را به حضرت داد. امام باقر علیه السلام می فرمایند: با پس گرفتن این دو درهم دنیا به سعد پشت کرد. به طوری که هر چه جمع کرده بود از دستش رفت و وضعش به همان حالتی که اول داشت

برگشت.(1)

1- مستدرک الوسائل، ج13، ص256؛ بحار الانوار، ج 22، ص 40 :جامع احادیث الشیعه، ج 23،ص 274.

3.جاذبه حرام

سومین دلیل استفاده مردم از حرام جاذبه حرام است. لقمه حرام برخی را جذب می کند؛ زیرا به دست آوردنش راحت است، حجم آن بیشتر است و شیطان هم زیبا جلوه می دهد اما برعکس کسب حلال را سخت جلوه می دهد و فقر را بزرگ نشان می دهد.

4.سوء ظن به خداوند

چهارمین دلیل استفاده مردم از حرام سوءظن و بدگمانی به خداوند است. بعضی ها ممکن است به خدا بدگمان باشند و بگویند روزی حلال انسان را به جایی نمی رساند. سوء ظن به خدا نوعی شرک است.

5.توجیه کردن حرام

پنجمین دلیل استفاده از حرام توجیه کردم حرام است. بعضی از افراد با این استدلال که توبه می کنیم و یا اتفاقی نمی افتد حرام خواری را توجیه می کنند. امام باقر علیه السلام فرمودند: شهیدان تمام گناهانشان به غیر از حق الناس بخشیده می شود.(1)

سؤال: ما جایی دعوت می شویم، اگر کسی برای ما چیزی می آورد، آیا برای تشخیص حرام یا حلال بودن آن نیازی به تفحص است؟ وظیفه أهل

1- «عن أبی جعفر علیه السلام قال : کل ذنب یکفره القتل فی سبیل الله عز و جل إلا الدین لا کفاره له إلا أداؤه أو یقضی صاحبه أو یعفو الذی له الحق» (الکافی، ج 5، ص 94: من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 378 تهذیب الاحکام، ج 6، ص 184).

خانه چیست، فرزند در مورد نان آوردن پدر باید نگران باشد یا خیر؟

درباره بخش اول سؤال ما وظیفه تفحص نداریم. من خدمت یکی از علما رفتم و گفتم: شخصی ما را دعوت می کند و ما دعوت او را می پذیریم ولی من می دانم او اهل خمس نیست ولی چون آشنا است برای یک نهار مهمان ایشان می شویم. ایشان فرمودند: آیا یقین دارید که این نهار از در آمد سال قبل است یا احتمال می دهید؟! اگر این نهاری که تهیه کرده است از حقوق این ماهش باشد به آن خمس تعلق نمی گیرد! گفتم: نه به این یقین ندارم. فرمودند: اشکال ندارد ولی اگر دغدغه دارید صدقه ای بدهید.

درباره بخش دوم سؤال نمی توانیم مطلق صحبت کنیم؛ چون این سؤال ها فراوان است. این طور موارد اولا: باید به پدر و مادر تذکر داده شود و ثانیا: به حداقل ها اکتفا کرد و زیاده روی نکرد. تا آنجایی که یقین داریم که این پول را از راه حرام به دست آورده است اگر می توانیم با پول دیگری زندگی کنیم این کار را بکنیم؛ چون بعضی از خانم ها و جوان ها درآمدهای خودشان را دارند اگر غیر از این باشد بر اهل خانه تکلیفی نیست.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «کاد الفقر أن یکون کفرا»:(1) فقر می تواند زمینه ساز کفر شود. ممکن است طرف را به بی دینی بکشاند. در حدیث داریم اگر نان نبود مردم نماز نمی خواندند و روزه نمی گرفتند. ولذا از نان در بعضی

1- قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم کاد الفقر أن یکون کفرا وکاد الحسد أن یغلب القدر » (الکافی، ج 2، ص 307 مستدرک الوسائل، ج 3، ص 105 : وسائل الشیعه، ج 15، ص 366).

از روایات به عنوان تقوا تعبیر شده است، مال، یکی از کمک ها بر تقوا و دینداری است که البته همین مال هم می تواند انسان را به زمین بزند.

فقر مجوز حرام خواری نیست

عزیزان من! فقر مجوز حرام خواری نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم سه سال در شعب ابی طالب از گرسنگی سختی کشید. حضرت علی علیه السلام خود و خاندانش گاهی در شب یا سه شب گرسنه می خوابیدند.

قوام دین به چهار امر

در روایت آمده است قوام دین به چهار چیز است: اگر عالم به علمش عمل کند، جاهل علم یاد بگیرد، غنی انفاق کند و فقیر صبر کند جامعه درست می شود.(1)

عوامل روزی فراوان داشتن

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: کسی چهار ویژگی داشته باشد: «من ألهم الصدق فی کلامه و الإنصاف من نفسه و بر والدیه و وصل رحمه أنسی له فی أجله و

1- «و قال علیه السلام لجابر بن عبد الله الأنصاری یا جابر قوام الدین و الدنیا بأربعه عالم ویستعمل مستعمل علمه و جاهل لا یستنکف أن یتعلم و جواد لا یبخل بمعروفه و فقیر لا یبیع آخرته بدنیاه فإذا ضیع العالم علمه استنکف الجاهل أن یتعلم و إذا بخل الغنی بمعروفه باع ألفقیر آخرته بدنیاه یا جابر من کثرت (نعمه) نعم الله علیه کثرت حوائج الناس إلیه فمن قام (بما یجب لله عرض نعمه الله لدوامها و من ضیع ما یجب لله فیها عرض نعمته لزوالها) لله فیها بما یجب فیها عرضها للدوام و البقاء و من لم یقم فیها بما یجب عرضها للزوال و الفناء» (نهج البلاغه، حکمت 372).

وسع علیه فی رزقه وقت مساء لته»؛(1) راستگو باشد، منصف باشد و به والدینش اهمیت بدهد؛ صله رحم داشته باشد رزقش زیاد می شود و اجلش به تأخیر می افتد و موقع جان دادن هم مؤمن از دنیا می رود.

گام های شیطان

اشاره

قرآن کریم در چند جا میفرماید:«وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّیْطَانِ»(2) و از گام های شیطان پیروی نکنید. شیطان از شش روزنه برای منحرف کردن افراد استفاده می کند.

1.کفر و شرک

اولین گام شیطان کفر و شرک است. اگر کسی کافر یا مشرک شد همه چیز را باخته است مانند خود شیطان می شود او هم کافر شد، امر خدا را اطاعت نکرد و به خدا اعتراض کرد.

2.بدعت

دومین گام شیطان بدعت است. قوم حضرت موسی علیه السلام نمی گفتند خدا را نمی پرستیم بلکه می گفتند: خدای ما گوساله است. زمان حضرت علی علیه السلام دو نفر نماز می خواندند و یک بت هم جلویشان گذاشته بودند. آقا فرمودند: این چه کاری است؟ گفتند: نماز برای خداست و بت نماد خداست. آقا فرمودند: این بدعت است و جلوی آنها را گرفت.

1- أعلام الدین، ص265.
2- بقره. 208.

3.گناهان کبیره

سومین گام شیطان کبائر است، مانند دروغ، غیبت، زنا، ربا و ... گناهان کبیره انسان را از خدا دور و فاسق می کند.

4.صغایر

چهارمین گام شیطان گناه های کوچک است، مانند حرف لغو و بیهوده که نسبت به دروغ گناه صغیره است. گناهان صغیره دروازه ورود به گناهان کبیره أست.

5.مشغول شدن به مستحبات

پنجمین گام شیطان اشتغال به مستحبات به جای واجبات است، مثلا صدقه می دهد اما خمس نمی دهد روضه می گیرد اما نماز نمی خواند.

6.سبک شمردن عبادات

ششمین گام شیطان سبک شمردن عبادات است، نماز اول وقت در مسجد با اذان و اقامه، ولی می گوید: نماز در خانه آخر وقت بدون اذان و اقامه.

عزیزان من! شیطان تدریجی عمل می کند. بعضی مواقع شیطان از عبادات پست شروع می کند تا به تدریج انسان را به شرک و کفر مبتلا می کند. بدانیم همان طور که شیطان گام به گام جلو می آید ما هم باید گام به گام جلو برویم تا به حربه های شیطان غلبه کنیم.

انفاق

اشاره

قال الله تبارک و تعالی«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»(1)

مقدمه

برای این جلسه آیه 254 سوره بقره را انتخاب کردم که قبل از آیه الکرسی است. در این آیه شریفه که شبیه آن در قرآن مکرر آمده است، خداوند می فرماید:«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛(2) ای مؤمنان! و ای کسانی که خداوند را باور دارید، از آن چه که خدا به شما داده است انفاق کنید.

موارد برتری دنیا بر آخرت

خداوند برای این که مردم را به انفاق تحریک کند، می فرماید: روز

1- بقره. 254.
2- بقره. 254.

قیامت روزی است سه چیز که در این دنیا به درد می خورد آن جا به درد نمی خورد: 1- تجارت و بیع؛ وقتی کسی ورشکسته شود می گوید: می روم کاسبی می کنم یا می روم کار می کنم جیبم پر پول می شود اما در قیامت تجارتی نیست. 2- دوستی؛ در این دنیا اگر کسی به زندان افتاد دوستانش کمک می کنند و او را از زندان بیرون می آورند. 3- شفاعت؛ یعنی کسی بیاید واسطه شود؛ البته این آیه نفی نمی کند آیاتی که برای شفاعت است. این آیه می خواهد بگوید شفاعت برای کسی است که نماز خوانده، روزه گرفته و کارهایش را انجام داده اما یک نواقصی هم دارد، مثل این که بگوییم در دبیرستان با دانشگاه نمره به کسی نمی دهند و کسی را قبول نمی کنند ولی کسی که یازده و نیم است تبصره به آن تعلق می گیرد.

در رابطه با این آیه شریفه می خواهم در سه محور بحث کنیم:

محور اول: بحث مبانی انفاق و خدمت رسانی است. خدمت رسانی عبادت بسیار بزرگی است و در بعضی از روایات داریم که: چیزی به اندازه خدمت رسانی خدا را شاد نمی کند و خدا به آن عبادت نمی شود.(1) آن هم اقسامی دارد. در این جا انفاق به معنی کمک است. انفاق چهار قسم است: 1- واجب، 2- مستحب: واجب مثل زکات و مستحب مثل صدقه و قرض. 3- انفاق مادی، 4- معنوی؛ یک وقت شما به کسی آموزش می دهید، یک وقتی کسی را هدایت می کنید تا به گناه کشیده نشود این

1- بحار الانوار، ج 75، ص281؛ تحف العقول، ص 301.

انفاق معنوی است. علی علیه السلام فرمودند: «زکاه العلم نشره»:(1) زکات علم نشر آن است. یک وقت هم به کسی پول می دهید که این انفاق مادی می شود.

مبانی انفاق

اشاره

مبانی انفاق پنج چیز است: منظور از مبانی این است هر کاری که ما انجام می دهیم یک پشتوانه ای باید داشته باشد، مثلا: ما نماز می خوانیم؛ چون مسلمان هستیم، چون همه عبادات ما منوط به نماز است، اگر نماز پذیرفته نشود بقیه پذیرفته نیست. مبانی انفاق عبارتند از:

1.ایمان به خدا و غیب

اولین عاملی که باعث می شود انسان انفاق کند ایمان به خدا و غیب است. خداوند می فرماید:«الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَیُقِیمُونَ الصَّلَاهَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ»؛(2) آنهایی که ایمان به غیب و فرشتگان و قیامت دارند از آن چیزهایی که رزق آنها قرار دادیم انفاق می کنند؛ پس انفاق به خاطر ایمان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم هم عرض کرد: خدا فرموده است: «ما آمن

1- «عن أمیر المؤمنین علیه السلام أنه قال: زکاه العلم نشره زکاه الجاه بذله زکاه الحلم الاحتمال زکاه المال الإفضال زکاه القدره الإنصاف زکاه الجمال ألعفاف زکاه الظفر الإحسان زکاه البدن الجهاد و الصیام زکاه ألیسار بر الجیران و صله الأرحام زکاه الصحه السعی فی طاعه الله زکاه الشجاعه الجهاد فی سبیل الله زکاه السلطان إغاثه الملهوف زکاه النعم اصطناع المعروف زکاه العلم بذله لمستحقه و اجهاد النفس فی العمل به». (مستدرک الوسائل، ج 7، ص 46).
2- بقره 3.

بی من بات شبعان و أخوه المسلم طاو»؛(1) ایمان به من نیاورده است کسی که سیر بخوابد. کسی که اعتقاد و باور به خدا دارد انفاق می کند.

2.عقل

دومین عاملی که باعث می شود انسان انفاق کند عقل است. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «رأس العقل بعد الایمان التودد إلی الناس و اصطناع الخیر إلی کل بر و فاجر»(2) در رأس عقل بعد از ایمان دوست داشتن و خیررسانی و خدمت به مردم است چه انسان های خوبی باشند یا نباشند. عقل می گوید: خودگرا نباش، او هم انسان است. به طور طبیعی بعضی از افراد در جامعه با به خاطر مدرک یا شغلشان از نظر مالی پایین واقع می شوند. بالاخره در جامعه درآمدهای 400 هزار تومان داریم و درآمدهای چهار میلیون هم داریم؛ پزشکی که در ماه چندین میلیون در آمدش است نمی تواند بگوید فقرا و نیاز مندان به من ربطی ندارد من خودم زحمت کشیدم و درست خواندم، اتفاقا معنای «و مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ»(3) که این است که انفاق کند؛ چون خدا به او توان داد تا درس بخواند.

3.عبادت

سومین عاملی که باعث می شود انسان انفاق کند عبادت و بندگی خداوند است. امام صادق

علیه السلام فرمودند: «اما مصائده فصد عن بر الإخوان»:

1- وسائل الشیعه، ج 24. ص 326: مستدرک الوسائل، ج16، ص265: ثواب الاعمال، ص 250.
2- وسائل الشیعه، ج16، ص 295، مستدرک الوسائل، ج 8 ص 353: بحار الأنوار، ج 78، ص392.
3- بقره، 3.

شیطان یک مصائدی دارد، یکی از مصائد شیطان مانع شدن از کمک به دیگران است. امام صادق علیه السلام در ادامه حدیث فرمودند: «ما یعبد الله بمثل نقل الأقدام إلی بر الإخوان»(1) خدا به هیچ چیزی به اندازه این که آدم قدم بردارد و به مردم کمک کند عبادت نشده است؛ یعنی بالاترین عبادت عبارت از خدمت به دیگران است.

4.ایمان به معاد

چهارمین عاملی که باعث می شود انسان انفاق کند ایمان به معاد و روز قیامت است. آیات متعددی در قرآن دارد می گوید: هر کسی معاد را قبول دارد انفاق هم می کند. یک موردش این است می گوید: وقتی جهنمی هما را به طرف جهنم می برند، سؤال می شود،«مَا سَلَکَکُمْ فِی سَقَرَ»(2) چه چیزی شما را جهنمی کرد؟ یکی از دلایلش را می گویند: ما به فقرا کمک نمی کردیم. قرآن کریم می فرماید: آن خاندان عصمت و طهارت - حضرت زهرا و خاندانش علیهم السلام -«وَیُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَی حُبِّهِ مِسْکِینًا وَیَتِیمًا وَأَسِیرًا»:(3) به مسکین و یتیم و اسیر انفاق کردند بعد می فرماید: چرا این انفاق را

1- «یا ابن جندب إن للشیطان مصائد یصطاد بها فتحاموا شباکه و مصائده قلت یا ابن رسول الله وما هی قال أما مصائده فصد عن بر الإخوان و أما شباکه فتوم عن قضاء الصلوات التی فرضها الله أما به ما یعبد الله بمثل نقل الأقدام إلی بر الإخوان فی زیارتهم ویل للساهین عن الصلوات النائمین فی الخلوات المستهزءین بالله و آیاته فی الفترات أولتک الذین لا خلاق لهم فی الآخره ولا یکلمهم الله ولا ینظر الیهم یوم القیامه ولا یزکیهم ولهم عذاب ألیم» (بحارالانوار، ج75، ص 281، تحف العقول، ص 301).
2- مدثر 42.
3- انسان، 8.

کردند؟ گفتند:«إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا»(1) چون ما به یاد معاد و قیامت هستیم.

5.دریافت پاداش از خداوند

پنجمین عاملی که باعث می شود انسان انفاق کند دریافت جایزه و پاداش از خداوند است. در قرآن سوره سجده آیه 16 خدا دو چیز را کنار هم گذاشته، می فرماید: این ها را انجام بدهید و بعد هم می فرماید: جایزه اش را ما معین نمی کنیم:«تجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفا وطمعا ومما رزقناهم ینفقون»؛ یکی نماز شب است. قرآن می فرماید: کسانی که خودشان را از رختخواب جدا می کنند و نماز می خوانند، و دیگری انفاق است. بعد می فرماید: اگر کسی این دو چیز را داشت نمی داند که ما چه جایزه ای به او خواهیم داد.

خدمت رسانی ملا عباس تربتی

می گویند ملاعباس دو چیز در زندگی اش خیلی برجسته بود: یکی نماز و دعا و دیگری خدمت به مردم. می گویند: به این زاغه ها می رفت و فقرا را شناسایی می کرد. تمام زندگی این مرد وقف خدا بود. پسر او مرحوم آقای واشد است که کتابی به نام فضیلت های فراموش شده نوشته است و منظور او از فضیلت های فراموش شده این است که فضیلت هایی در زندگی مردم کمرنگ است، مثلا: قرض، صله رحم، عیادت مریض،

1- انسان، 10.

تشییع جنازه و ...

اصلا فرهنگ قرض تقریبا خیلی جاها تعطیل شده است و توجیه نشده که چرا ما قرض بدهیم. در صورتی که ما توجه نداریم قرض دادن یک نوع هزینه کردن برای دین است. مگر شما عمره و حج واجب نمی روید؟ مگر دهه محرم برای امام حسین علیه السلام روضه نمی گیرید؟ چرا آن را حساب نمی کنید؟

مرحوم ملاعباس تربتی یک سفری به کربلا رفت و حدود هشت ماه این سفر طول کشید وقتی برگشت در این مدت فقرا دیگر محروم شدند. نوشته اند یک خانم فقیری به استقبال او آمد، تا ملاعباس وارد کوچه شسد گفت: دین، اسلام، قرآن، نور و رحمت آمد. گفت: شما که رفتید ما نور و ایمان و برکت از زندگی مان رفت. از بس ایشان نسبت به دیگران ویژگی خبررسانی را داشت.(1)

خدمت رسانی، سیره معصومین علیهم السلام

سیره معصومین ما نشان می دهد بحث خدمت رسانی در سیره همه آنها بوده است. انبان به دوش کشیدن مخصوص حضرت علی علیه السلام نیست؛ بلکه امام صادق و امام حسین علیه السلام هم دارند. وقتی بدن مبارک امام حسین علیه السلام را آماده دفن می کردند هنوز آثار آن انبان ها بر روی بدن ایشان بود. شما چند آیه ابتدایی قرآن را که نگاه کنید درباره انفاق است، از

1- ر.ک: فضیلت های فراموش شده.

جمله:«یا أیها الذین آمنوا أنفقوا» أمر به انفاق است. گرچه بعضی از مفسرین نوشته اند:«انفقوا» امر است و امر وجوب را می رساند، ولی مرحوم طبرسی در مجمع البیان می گوید: این انفاق عام است واجب و مستحب، مادی و معنوی را شامل می شود.

یک مقدار بیشتر همدیگر را دریابیم. ماه رمضان است بعضی از خانواده ها نیازمند هستند و برای بعضی ها روزه گرفتن با این مواد غذایی اندک ممکن است بسیار سخت باشد.

مصادیق انفاق و خدمت رسانی

اشاره

انفاق و رسیدگی به مردم یک سری مصادیقی است:

1.انفاق فکری و فرهنگی

اولین مصداق انفاق، أنفاق فکری و فرهنگی است. امروز در جامعه این مورد خیلی مهم و کاربردی است. همه مردم هم نیازمند مالی نیستند. خیلی از صاحبان ثروت و کسانی که دغدغه مالی ندارند، مثلا می گویند فرزندم نماز خوان نیست، دوست ناباب دارد، نسبت به پدر و مادرش بی ادبی می کند. یکی از موارد مهم انفاق، انفاق فکری است؛ کسانی که توان دارند، وارد زندگی این طور خانواده ها بشوند و شبهات را از ذهن این جوان ها دور کنند و این ها را با معارف دین آشنا کنند.

داستان

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم معاذ را به یمن فرستاد و وقتی که به یمن

- می رفت فرمودند: قرآن را میان مردم یمن گسترش بده و یک جمله ای فرمود که: معلمین را تکریم کن و بعد فرمودند: معاذ! مردم را نترسان و به آنها سخت نگیر و نفرت از دین ایجاد نکن.(1)

عزیزانی که توان دارید روحانی، معلم، کسانی که آگاهی دارید خیلی مهم است ما بتوانیم مردم را با دین آشنا کنیم و دین را محبوب کنیم. یک کسی مثل علامه امینی قلمش را در خدمت اسلام گذاشت. مرحوم حاج شیخ عباس قمی وقت و قلمش را در خدمت اسلام گذاشت. مرحوم شهید مطهری هم همین طور و ...

2.انفاق اجتماعی

دومین مصداق انفاق، انفاق اجتماعی است؛ منظور این است که روابط اجتماعی را در جامعه گسترش دهیم، مثلا: دو نفر با هم قهر هستند شما وارد شوید و این ها را با هم صلح بدهید. عروس و دامادی است با هم اختلاف پیدا کردند شما وارد خانه اش شوید و این ها را با هم صلح دهید. یک کسی است که وسواس در زندگی اش است شما وارد شوید و او را به آرامش برسانید. این ها انفاق اجتماعی می شود. یعنی اتفاقی که موجب می شود روابط اجتماعی تحکیم یابد.

3.انفاق مالی

سومین مصداق انفاق، انفاق مالی است. یک مصادیقی راجع به انفاق مائی فهرست وار عرض می کنم: یکی از مصایق آن صدقات مستحبی است.

1- سیره ابن هشام، ج 4، ص 237.

دیگری اطعام مخصوصا در ماه مبارک رمضان است. پیامبر صلی لله علیه و آله وسلم فرمودند: افطاری بدهد ولو یک دانه خرما. چقدر خوب است در فامیل ها این سفره های افطاری بیفتد و فقرای فامیل هم دعوت شوند یا این که خانواده هایی هستند که متمکن هستند، چه اشکال دارد چندین غذا تهیه کنند و در خانه های فقرا بدهند یا اول ماه رمضان برای سلامتی خود و خانواده ایشان و در رأس همه برای سلامتی امام زمان (عج) یک گوسفند ذبح کنند و به همسایه ها بدهند.

اگر در هر محله ای دو سه تا قربانی شود تمام شهر تحت پوشش قربانی قرار می گیرد و فرهنگ می شود. قربانی کردن خیلی برای چشم زخم و رفع بلا مؤثر است. من کسانی را می شناسم که ماهی یک بار یا ماهی دو بار این کار را می کنند. یکی از معیارهای انفاق، زیبا اتفاق کردن است. یکی از مصادیق انفاق مالی قرض الحسنه است، مثلا آزاد کردن زندانی هایی که به خاطر دیه با بدهی گرفتار هستند. یک وقت نقل کردند یکی از آقایان برایش مشکلی پیش آمده بود و نزد عالمی رفت. ایشان هم به یکی از صاحبان ثروت رو انداخت که مشکل این آقا را حل کند و چند مورد دیگر را هم به ایشان گفت. آن آقایی که صاحب ثروت بود به این عالم پیغام داد که: هر کسی که مشکل پیدا می کند شما به من ارجاع می دهید بالاخره افراد دیگری هم در این شهر هستند. ایشان فرمودند: من می خواهم به تو ثواب برسد.

صاحبان ثروت خدا را شکر کنید که زمینه این کمک را به شما داده است. بعضی ها می گویند ما باید همه کمک ها را پوشش بدهیم یا مگر ما

باید غصهٔ مردم را بخوریم؟! خداوند تبارک و تعالی می فرماید: پیامبر! ما اگر می خواستیم همه مردم را هدایت می کردیم که هیچ نیازی به پیامبر هم نباشد، مثل فرشتگان که گناه نمی کنند.

عزیزان! خداوند شما را واسطه قرار داده است خواسته شما به یک جایی برسید. این درست مثل پدری می ماند که خودش می تواند همه کارها را انجام بدهد ولی گاهی به بچه اش می گوید تو برو نان بخر یا تو این پول را به فقیر بده، می خواهد این بچه راه بیفتد و روابط اجتماعی اش قوی شود. خداوند هم اگر می خواست طبیعتا این کار را خودش انجام می داد و الان هم خودش انجام می دهد:«وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»(1) تیر را در میدان بدر شما می زنید ولی چه کسی این دست را داده است؟ لذا قرآن هم نمی گوید از مال خودتان بدهید؛ بلکه می فرماید: «مما رزقناکم»، از آن که ما دادیم انفاق کنید. مال خداست منتها شما را واسطه قرار داده است.

4.انفاق آبرویی

چهارمین مصداق انفاق. انفاق آبرویی است؛ یعنی بعضی ها می توانند با واسطه قرار دادن آبرویشان باعث کار راه اندازی مردم شوند.

کار راه اندازی امام کاظم علیه السلام

شخصی خدمت امام کاظم علیه السلام آمد، عرض کرد: فرماندار ری برای من مالیات سنگینی نوشته است که توان پرداخت آن را ندارم؛ شما یک نامه ای

1- إنفال، 17.

بنویسید که به خاطر نامه شما مالیات را بر من ببخشد یا کم کند. امام هم این کار را کرد.(1) این کار را انفاق ابرویی می گویند. خانمی قهر کرده، شما که انسان محترمی هستی اگر واسطه شوی آشتی می کنند، اگر این کار را بکنی، انفاق ابرویی کرده ای.

سفارش به خدمت رسانی

در این قسمت، خطابم به مسئولین است که تا آنجایی که در توانشان هست به مردم خدمت کنند؛ انفاق کنند، مثلا: مسئولی قرار است پروانه ای صادر کند می داند این خانم وامی گرفته، زمین مختصری خریده، می خواهد این خانه را تعمیر کند می شود بندهایش را یک مقدار کم کرد؛ یعنی در دایره قانون که به آن ها اجازه می دهد کار مردم را از نظر اداری تسهیل کنند. نوبت شما برای وام پنج ماه دیگر است ولی می شود دو ماه جلو انداخت اتفاقی نمی افتد و حق کسی هم ضایع نمی شود. بزرگان، علما و عرفای ما که در عالم رؤیا از آن ها سؤال می کنند چه چیزی در عالم برزخ کار شما را تسهیل می کند می گویند: خدمت رسانی

تذکر دو نکته

نکته اول: این است که اعتدال در همه امور خوب است. یک وقتی شخصی با من تماس گرفته بود، گفت: همسر من می گوید هر چه ما درآمد داریم باید انفاق کنیم و خودمان یک حداقلی استفاده می کنیم و یک ریال هم پس انداز نداریم، می گوید: مال اندوختن؛ یعنی زراندوزی و قرآن

1- مستدرک الوسائل، ج13، ص 132: بحار الانوار، ج 48، ص 174.

و روایت هم این را مذمت کرده است، این سوره را هم می خواند«ألهاکم التکاثر حتی زرتم المقابر»(1) من به ایشان گفتم: شما بگویید سوره فرقان را نگاه کنند، قرآن می فرماید:«وَالَّذِینَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا»(2)حتی در انفاق هم اسراف نکنید.

گاهی افرادی خدمت ائمه معصومین علیهم السلام می رسیدند و آنها هم کمک می کردند و برای بعضی ها هم دعا می کردند و می فرمودند: ان شاء الله خداوند در زندگی ات گشایشی ایجاد کند؛ یعنی زمینه کمک فراهم نبود. این را میگویم برای این که پس انداز هم داشته باشید و خانواده های خودتان را تأمین کنید. خانمی می گفت: شوهر من اصلا به ما نمی رسد فقط کمک را برای مردم گذاشته است در صورتی که در اولویت بندی همسر، پدر و مادر، خویشاوندان و همسایگان اولویت دارند. در همه امور اعتدال خوب است واقعا اگر انسان آنقدر به مردم رسیدگی کرد که خانواده اش دچار استیصال بشوند خوب نیست.

نکته دوم: این است که این انفاق ها و کمک ها با یک چیزی باطل می شود و آن منت و اذیت است؛ لذا قرآن می فرماید:«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِکُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَی»(3)صدقاتتان را با منت و اذیت باطل نکنید؛ یعنی چه؟ بعضی ها این طور هستند تا زمانی که عمر دارد، می گوید: من این کار را برایش کردم این منت می شود. اذیت هم غیر از منت است

1- تکاثر, 1و 2.
2- فرقان، 67.
3- بقره، 264.

و این که طرف را بسیار اذیت کنید تا یک انفاقی بخواهید بکنید.

تشکر کردن انفاق گیرنده

من وظیفه انفاق دهنده را گفتم اتفاقا انفاق شده هم موظف است که حداقل، تشکر کند. امام رضا علیه السلام فرمودند: «من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزوجل»؛(1) اگر کسی شکر واسطه نعمت را به جا نیاورد شکر من را به جا نیاورده است. همان خدایی که در قرآن می گوید شکر من را بکنید می گوید شکر پدر و مادر را هم انجام بدهید. در روایت است فردای قیامت به پرونده بعضی ها که نگاه می کنند شکر نیست. اعتراض می کنند و می گویند: خدایا ما تشکر کردیم. می گویند: تشکر واسطه نعمت را به جا نیاوردید. حس تقدیر از مردم یک ضرورت است.

تشکر کردن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از خدیجه کبری علیها السلام

خدیجه کبری علیها السلام وقتی اموالش را به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم داد، منت نگذاشت ولی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مکرر می فرمود: خدیجه خدیجه، شما چه می دانید خدیجه با من چه کرد؟ روزی به من ایمان آورد که هیچ کسی ایمان نیاورده بود، روزی به من مال داد که کسی این کار را نمی کرد؛(2) یعنی مکرر از خدمات خدیجه کبری علیها السلام یاد می کرد. حتی رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم از کفار و مشرکینی که گاهی خدمتی به ایشان کرده بودند یاد می کرد.

1- وسائل الشیعه، ج16، ص313؛ بحار الانوار، ج 68، ص 44؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 24.
2- بحار الانوار، ج16، ص 8 کشف الغمه، ج 1، ص 508.

فرجام نیک

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»(1)

مقدمه

خداوند در آیه مذکور می فرماید: ای مردم تقوا داشته باشید آن هم نهایت تقوا و سعی کنید مسلمان از دنیا بروید.

علامه طباطبائی رحمه الله علیه می فرماید: هر کجا تعبیر حق آمده، مثلا:«حق جهاده»(2) یعنی نهایت و اوج. عاقبت به خیری، پیام این آیه است؛ یعنی این که ما سعی کنیم مسلمان و با ایمان از دنیا برویم، این خیلی دعای مهمی است.

قرآن می فرماید: یکی از درخواست های حضرت یوسف علیه السلام این بود «توفنی مسلما»:(3) خدایا! مرا مسلمان بمیران. باز در قرآن دعایی داریم:

1- آل عمران، 102.
2- حج، 78.
3- یوسف، 101.

«و توفنا مع الابرار»(1) خدایا مارا با نیکان بمیران.

اگر انسان خوب شروع کند هنر است اما خوب به پایان رساندنش هنری بالاتر و برتر است، به همین دلیل وقتی از بزرگان سؤال شده از خدا چه چیزی می خواهید، می گویند: دعا می کنیم عاقبت به خیر شویم و فرجام و پایان کارمان نیک باشد. چون ما زیاد دیده و شنیده ایم کسانی که به مراتب بالایی رسیدند، اما یک جایی سقوط کرده اند.

ذکر چند مثال

۱. احمد بن هلال از یاران امام عسکری علیه السلام بود، پنجاه سفر حج رفته که بیست و پنج سفرش پیاده بوده است ولی در آخر عمر منحرف شد و آقا امام زمان (عج) او را لعنت کرد و فرمود: احمد بن هلال از ما نیست.

2. علی بن ابی حمزه بطائنی وکیل امام کاظم علیه السلام بود؛ یعنی تمام پول های آن حضرت نزد ایشان بود. چون امام موسی کاظم علیه السلام بخشی از عمرش را در زندان بود و مردم وجوهاتشان را به ایشان می دادند؛ هزاران در هم پول پیش او جمع شده بود، امام موسی بن جعفر علیه السلام که از دنیا رفت، علی بن ابی حمزه منکر امامت امام رضا علیه السلام شد و فرمود: هفت امام بیشتر نداریم و فرقه واقفی تشکیل داد و منحرف شد.(2)

۳. محمد بن علی شلمغانی که با یک واسطه وکیل أمام زمان (عج) بود؛ یعنی اگر شما یک نامه ای به ایشان می دادید، ایشان به حسین بن

1- آل عمران، 193.
2- شاگردان مکتب ائمه، ج 3، ص 546.

روح می داد و او هم به امام زمان (عج) می داد. خودش هم مکتوباتی از امام زمان (عج) دارد فکر می کرد امام زمان (عج) ایشان را جزو وکلای خاصش می گذارد ولی امام به دلایلی صلاح ندید و شخص دیگری را وکیل خود گذاشتند. در نتیجه حسادت در او شعله ور شد و از کسانی شد که ادعای امام زمانی می کرد و امام زمان او را لعنت کرد و فرمودند: شلمغانی از ما نیست، از او دوری کنید.(1) منشاء این انحرافات گاهی غرور و حسادت است و گاهی در حرکت نکردن مسیر امام است. آقای ابوترابی از علمای یزد، نویسنده کتابی به نام اسرار حسن عاقبت است که کتاب خوبی است؛ البته در قرآن و روایات شواهد زیادی داریم، داستان بلعم باعورا یا برصیصای عابد نمونه آدم بدعاقبت است.

راه های عاقبت به خیری

اشاره

سو عاقبت یکی از چیزهایی است که انسان باید دائما نگرانش باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «لا یزال المؤمن خائفا من سوء العاقبه»:(2) مؤمن دائما باید از پایان کارش بترسد.

1.نعمت های خدا را در معصیت خرج نکردن

امام صادق علیه السلام برای یکی از دوستانش نوشتند - بخشی از فرمایشات

1- شاگردان مکتب ائمه، ج3، ص530.
2- «قال رسو الله صلی الله علیه و آله وسلم لا یزال المؤمن خائفا من سوء العاقبه. لا یتیقن الوصول إلی رضوان الله - حتی یکون وقت نزع روحه و ظهور ملک الموت له» (بحارالانوار، ج66، ص 343؛ التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری، ص 339: البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 208).

ائمه گفتاری است و بخشی دیگر نوشتاری است - «إن أردت أن یختم بخیر عملک حتی تقیض و أنت فی أفضل الأعمال فعظم لله حقه ان»؛ اگر می خواهی عاقبت به خیر شوی سه کار را باید انجام بدهی: نعمت های خدا را در معصیت خدا خرج نکن. خدا به ما نعمت هایی داده است و می گوید: این نعمت ها را در معصیت صرف نکن.

مرحوم فیض کاشانی علیه الرحمه کتابی به نام محجه البیضاء نوشته است؛ البته غزالی از علمای اهل سنت در قرن پنجم و ششم یک کتابی به نام إحیاء العلوم نوشت که یک کتاب اخلاقی است منتها چون این کتاب نیاز به اصلاح و بازسازی داشت، مرحوم فیض کاشانی که از علمای شیعه است این کتاب را اصلاح کرد و نامش را محجه البیضا فی تهذیب الاحیاء گذاشت. یکی از بخش های این کتاب بحث گناهان زبان است که خیلی زیبا وارد شده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: بسیاری از انسان ها به خاطر زبانشان جهنمی می شوند. زبان یک نعمت است: «علمه البیان»(1) «ولسانا وشفتین».(2)

2.مغرور به حلم خدا نشدن

«و أن تغتر بحلمه عنک»؛ دومین چیزی که باعث می شود عاقب به خیر شوی مغرور به حلم خدا نشدن است. خدا حلیم است، در شب های قدر

1- رحمن، 4.
2- بلد، 9.

می خوانیم: «حلیم لا یعجل»: ای خدایی که حلم داری و عجله نمی کنی. «یا من أظهر الجمیل و ستر القبیح». در دعای کمیل می خوانیم: «کم من قبیح سترته»؛ چه بسیار زشتی ها را پوشاندی!

3.دوست داشتن مادحین اهل بیت علیهم السلام

«و أکرم کل من وجدته یذکرنا أو ینتحل مودتنا ثم لیس علیک صادقا کان أو کاذبا إنما لک نیتک و علیه کذبه»؛(1) هر کسی که ما را دوست دارد یا به ما وصل است یا یک طوری محبت ما را دارد مثلا درباره ما یک کتاب نوشته است یا مداح و سخنران ما است: کسی که درباره ما فیلم می سازد کسی که ما اهل بیت علیهم السلام را یاد می کند دوستش داشته باش.

4.خدمت کردن به امام

اشاره

چهار مین مورد که عامل عاقبت به خیری می شود احسان به مردم است. علی علیه السلام فرمود: «من أحسن إلی الناس حسنت عواقبه»؛(2) کسی که به مردم نیکی و احسان کند عاقبتش ختم به خیر می شود.

1- «عن أبی محمد العسکری عن آبائه علیه السلام قال: کتب الصادق علیه السلام إلی بعض الناس إن أردت أن یختم بخیر عملک حتی تقبض و أنت فی أفضل الأعمال فعظم الله حقه أن [لا] تبذل نعماءه فی معاصیه و أن تغتر بحلمه عنک و أکرم کل من وجدته یذکرنا أو ینتجل مودتنا ثم لیس علیک صادقا کان أو کاذبا إنما علیک نیتک و علیه کذبه» (مستدرک الوسائل، ج12، ص419: بحار الانوار، ج 75، ص 195؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 4).

2- تصنیف غررالحکم، ح 8834.

در تاریخ خوانده ایم افرادی که حتی مسلمان نبوده اند، به خاطر خدمت به یک تیم یا حتی خدمت به یک حیوانی، آن نگاهی که آن حیوان کرده با آن دعایی که شخص درمانده کرده، پایان کارش ختم به خیر شده و به جاهای خیلی خوبی رسیده است.

امام کاظم علیه السلام و خدمت رسانی

زمانی که امام کاظم علیه السلام در مکه بودند، شخصی خدمت ایشان آمد و گفت: یابن رسول الله! یک فرمانداری در ری داریم و از شیعیان و دوستان و علاقه مندان به شما است او مالیات سنگینی برای من نوشته است که توان پرداخت آن را ندارم؛ می شود شما لطفی کنید و به او نامه ای بنویسید تا مالیات را بر من ببخشد، آقا نامه ای نوشتند و در نامه نه اسمی از او بردند و نه مشکل را ذکر کردند، فقط نوشتند: «أن لله تحت عرشه ظلا سروا و هذا اخوک»؛ خدا یک سایه رحمتی دارد و این را روی سر کسی می اندازد که یک غمی از دل مردم بردارد و دلی را شاد کند.

وقتی فرماندار نامه را دید، خیلی استقبال کرد و مالیات را به آن شخص بخشید. سال بعد که خدمت امام کاظم علیه السلام رفت گفت: ایشان نامه شما را اجابت کرد. آقا فرمودند: فقط تو را خوشحال نکرد «و الله لقد سرنی و سر أمیر المؤمنین و الله لقد سر جدی رسول الله ولقد سر الله تعالی»؛(1) من را هم خوشحال کرد و خدا را هم خوشحال کرد.

1- بحار الانوار، ج 48، ص 174؛ عوالم العلوم و المعارف، ج21، ص426.

من از مسئولین خواهشمندم که اگر نامه ای از امام جماعت یا یک مرجع و عالمی می آید التفات کنید - بعضی از محترمین هستند که مردم به آنها مراجعه می کنند که آنها واسطه شوند- واقعا احترام کنید و تا آنجا که می شود کار را راه بیندازید، با احسان عمل کنید، قرآن می فرماید:«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»(1)همانا خداوند امر به عدل و احسان می کند.

بحث امروز ما راجع به عاقبت به خیری است. همه دعا کنیم تا عاقبت به خیر شویم، همیشه باید از خدا بخواهیم، که با ایمان از دنیا برویم.«وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»(2) این آیه در سوره بقره هم ذکر شده است، منتها در آنجا از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام است که ایشان فرزندانش را جمع کرد و فرمودند: فرزندان من! یعقوب، اسحاق، اسماعیل«ولا تموتن إلا وأنتم مسلمون»، سعی کنید مسلمان از دنیا بروید، و فرجامتان نیک باشد.

5.محبت امیرمؤمنان علیه السلام

اشاره

پنجمین مورد که در روایات ما تأکید شده است که موجب می شود انسان عاقبتش ختم به خیر شود، حدیثی داریم که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم دست امیرمؤمنان علیه السلام را گرفتند و فرمودند: «یا علی أنت أخی و وصیی من مات و هو یحبک ختم الله له بالأمن و الإیمان»: (3) ای علی تو وصی

1- نحل، 90.
2- آل عمران، 102.
3- «قال سمعت أبا ذر جندب بن جناده یقول رأیت النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) أخذ بید علی بن أبی طالب فقال له یا علی أنت أخی و وصی و وزیری و امینی مکانک منی فی حیاتی و بعد موتی کمکان هارون من موسی إلا أنه لا نبی بعدی من مات و هو یحبک ختم الله له بالأمن و الإیمان و من مات و هو یبغضک لم یکن له فی الإسلام نصیب» (بحارالانوار، ج 40، ص69؛ الامالی الطوسی، ص 545: مجموعه ورام، ج 2، ص70).

و برادر و جانشین من هستی، هر کسی بمیرد در حالی که محبت تو را دارد، خدا او را با امنیت و ایمان از دنیا می برد.

مرحوم آیت الله سید احمد خوانساری علیه الرحمه بسیار مرد بزرگی بود به حدی که امام برایشان احترام قائل بود و در حرم حضرت معصومه علیها السلام دفن است. روزهای آخر عمر گریه می کرد و می گفت: دستم خالی است و بعد می فرمود: البته به یک چیز امید دارم و آن توسلاتی است که به اهل بیت علیهم السلام داشتم و روضه هایی که برای امام حسین علیه السلام شرکت کردم.

محبت اهل بیت علیهم السلام کارگشا است. یک وقت جنازه ای را در مدینه تشییع می کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در تشییع جنازه شرکت کرد و بدن را با دست مبارک خودش میان قبر گذاشت و سنگ لحد چید. اصحاب خیلی تعجب کردند و گفتند: این چه کسی است که پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم در تشییع آمده و در قبرش رفته و این گونه از او تکریم کرده است؟

حضرت وقتی از قبر بیرون آمدند رو به امیر مؤمنان علیه السلام کردند و فرمودند: کارهایی که برای او انجام دادم به خاطر این بود که ایشان محب تو بود، «لا ینال أحد بذلک الا بحبک»؛ کسی به این مقام نمی رسد مگر تو را دوست داشته باشد.

شخصی به نام حارث بن عبدالله همدانی که خیلی حضرت علی علیه السلام را دوست داشت و آقا هم او را دوست داشت، آقا را مهمان کرد. آقا فرمودند: به شرطی می آیم که به اهل خانه ات زحمت ندهی و دیگر این که از بیرون چیزی تهیه نکنی و هر چه در خانه داری برای من بیاوری و دریغ نکنی. وقتی حضرت علیه السلام آمدند، سفره انداختند، نان خشک آورد ولی خودش ناراحت بود. آقا فرمودند: چرا این قدر ناراحت هستی؟

گفت: به خدا من پول دارم ولی چون شما شرط کردی که چیزی از بیرون تهیه نکن ناراحت هستم؛ آقا فرمودند: این پول در خانه بود؟ گفت: بله. حضرت علیه السلام فرمودند: این پول جزو خانه حساب می شود برو یک چیزی با آن تهیه کن! حارث بسیار خوشحال شد.(1) ایشان خیلی به آقا علاقه داشت و استاندار حضرت هم بوده است و حضرت علی علیه السلام نامه ای برای او نوشته است.

حارث، مرتب به دیدن حضرت علیه السلام می آمد و می گفت: من شما را دوست دارم. آقا به او فرمودند: ای حارث! اگر من را دوست داری پس چند کار بکن: «فلا تخاصمنی و لا تلاعبنی و لا تمازخنی»؛(2) ما را بازیچه و

1- الکافی، ج6، ص276؛ وسائل الشیعه، ج 24، ص 277؛ بحار الانوار، ج 42، ص 160.
2- «عن أبی عبد الله علیه السلام قال: قال الحارث الأعور لأمیر المؤمنین علیه السلام یا أمیر المؤمنین أنا و الله أحبک فقال له یا حارث أما إذا أحببتنی فلا تخاصمنی و لا تلاعبنی لا تجارینی ولاتمازحنی ولا تواضعی و نا ترافعنی، (بحارالانوار، ج27، ص254؛ الخصال، ج 1، ص 334).

مورد مزاح خودتان قرار ندهید.

من خدمت یکی از مراجع، حضرت آیت الله العظمی شبیری رسیدم و به ایشان عرض کردم این روایت معنایش چیست؟ ایشان فرمودند: حضرت میخواهد بگوید یک چیزهایی مقدس است، مرز مقدسات را نشکنید. قرآن و اهل بیت علیهم السلام مقدس هستند.

چند دعا در قرآن در مورد عاقبت به خیری داریم:

1- «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ»(1) این آیه از جادوگرانی نقل شده که می خواستند حضرت موسی علیه السلام را افشا کنند تا فرعون را بالا ببرند. مرحوم طبرسی علیه الرحمه در مجمع البیان فرمودند: «فکانوا أول النهار کفارا سحره و آخر النهار شهداء بررہ»؛(2) اول صبح کافر و ساحر بودند و در آخر شب جزو مؤمنین و نیکان قرار گرفتند.

2-«رَبِّ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»(3) خود پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم وقتی مکه را فتح کرد این آیه را در ورود به مسجد الحرام خواندند. در این دعا ما چند چیز از خدا می خواهیم: خدایا! ورود ما به کارها صادقانه باشد و مهم تر خروج ما هم صادقانه باشد. خیلی ها صادقانه وارد می شوند، ولی صادقانه خارج نمی شوند؛ مثلا: افرادی که با امیرمؤمنان علیه السلام در صفین آمدند اما سر از

1- اعراف، 126.
2- بحارالانوار، ج13، ص 80.
3- اسراء، 80.

نهروان در آوردند یا کنار امام حسین علیه السلام آمدند ولی در آخر از سپاه عمر بن سعد سر در آوردند.

6.مواظبت بر اوقات نماز

ششمین عاملی که باعث می شود انسان عاقبت به خیر شود مواظبت بر اوقات نماز است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: اگر کسی مواظبت بر اوقات نماز داشته باشد خداوند تبارک و تعالی به او نظر می کند و به ابلیس (شیطان) می گوید: از او دور شو و هنگام مرگ سراغ او نرو تا با ایمان بمیرد.(1)

عزیزان من! اگر به وقت نماز توجه نکنید عادت می کنید و این بی توجهی و غفلت خوب نیست. در روایت داریم: بعضی ها وقتی نماز می خوانند نماز آنها را نفرین می کند.(2) سعی کنید بعد از نماز تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها دعایی برای عاقبت به خیری بخوانید.

7.با ادب بودن

اشاره

هفتمین عاملی که باعث می شود انسان عاقبت به خیر شود ادب در

1- «قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم ما من عبد اهتم بمواقیت الصلاه و مواضع الشمس إلا ضمنت له الروح عند الموت و انقطاع الهموم والأحزان و النجاه من النار کنا مره رعاه الإبل فصرنا الیوم رعاه الشمس» (بحار الانوار، ج 80، ص 9: مستدرک الوسائل، ج 3، ص148؛ الأمالی للمفید، ص 136).
2- «و قال علیه السلام إن العبد إذا صلی الصلاه فی وقتها و حافظ علیها ارتفعت بیضاء تقیه- تقول حفظتنی حفظک الله و إذا لم یصلها لوقتها و لم یحافظ علیها ارتفعت سوداء مظلمه تقول ضیعتنی ضیعک الله» (من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 209، مستدرک الوسائل، ج 3، ص 95؛ بحارالانوار، ج 80، ص9)

مقابل مردم است. در روایات و تاریخ تأکید شده است که در مقابل مردم ادب داشته باشید. ادب انسان را عاقبت به خیر می کند.

ادب حر عامل عاقبت به خیری

خیلی از بزرگان می گویند: ادب حر بن یزید ریاحی باعث شد تا عاقبت به خیر شود.

وقتی که مقابل لشکر امام حسین علیه السلام قرار گرفت به اباعبدالله علیه السلام سلام کرد. ظهر شد امام حسین علیه السلام برای نماز ایستاد، حر به لشکرش گفت: همه بروید به امام حسین علیه السلام اقتدا کنید؛ یعنی نگفت من هم یک فرمانده هستم و خودم تشکیل نماز جماعت می دهم. نام امام حسین علیه السلام را با احترام برد و همین ادب نجاتش داد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر به شما بگویند دو روز از عمرت باقی مانده است یک روزش را بگذار تا ادب یاد بگیری و روز دیگر به آن عمل کنی. این نشان دهنده اهمیت ادب است.

الان ماه رمضان است، همه نمی توانند روزه بگیرند. ماه رمضان ادب خاصی دارد، شما که نمی توانی روزه بگیری یا مسافر هستی در گوشه خیابان سفره پهن نکن تا حرمت این ماه شکسته شود.

بالاخره ادب موجب می شود که انسان عاقبتش به خیر شود که این ادب شامل: ادب در مقابل پدر و مادر، خدا، ائمه و قرآن، افراد مسن در جامعه و...

همین قدر که شما در ماشین هستید، شخص پیری وارد می شود به

احترام اور بلند می شوید و جایتان را به او می دهید، و ادای ادب می کنید خدا به شما عنایت و لطف می کند. در روایت داریم: به پیرمردها احترام

کنید.

8.خواندن سوره زلزال در نماز و دعای عدیله

هشتمین عامل عاقبت به خیری خواندن سوره زلزال در نمازهای واجب و خواندن دعای عدیله در زمان حیات است.

در روایت آمده است که سوره زلزال را در نمازهای واجب بخوانید تا عاقبت به خیر شوید. و هم چنین دعای عدیله بسیار سفارش شده است، و غالبا کسی که در حال احتضار است برای او می خوانند ولی چه بهتر که انسان خودش این دعا را بخواند.

صبر و بردباری

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»(1)

مقدمه

مرحوم علامه طباطبائی علیه الرحمه ذیل این آیه خیلی زیبا بحث کرده است؛ پانزده مطلب مهم در مورد این آیه آورده است که تعبیر ایشان این است که این آیه، خلاصه ای از تعالیم اسلامی است.

توصیه به صبر

اولین موردش صبر فردی است. امام حسن مجتبی علیه السلام مظهر صبر است؛ او شخصیتی است که وقتی به او توهین کردند و او در جواب گفت: چه مشکلی داری بگو تا حل کنم.

حضرت می دانست همسرش قصد جان ایشان را دارد، با این حال هیچ اقدامی نکردند. ایشان با وجود این که می دانند بعد از شهادتشان به بدن

1- آل عمران، 200.

مبارکشان جسارت می شود، ولی باز هم می گویند: راضی نیستم دعوا و نزاعی شود. اگر در زندگی ما صبر و حلم امام حسن مجتبی علیه السلام وجود داشته باشد چقدر خوب است.

«وصابروا» باب مفاعله است؛ یعنی یکدیگر را به صبر توصیه کنید و همان «و تواصوا بالصبر« است؛ یعنی هنگامی که به شما جسارت می شود، تحمل می کنید. وقتی دو نفر با ماشین در خیابان با هم تصادف می کند، عصبانی می شوند و به هم ناسزا می گویند، شما باید آنها را به صبر دعوت کنید.

واقعا اگر همه مردم یکدیگر را به صبر توصیه کنند، چقدر عالی می شود. متأسفانه در خیلی از موارد برعکس عمل می شود.

«ورابطوا» به معانی مختلفی دارد، ولی یک معنی اش این است که مرزها را حفظ کنید. به کسانی که مرزبان هستند مرابط می گویند. حریم ها را حفظ کنید و حد و حدود را نگه دارید. تعبیر دیگر این است، اهل پیوند با یکدیگر باشید؛ به اصطلاح، اختلاف ایجاد نکنید.

توصیه به تقوا

در نهایت می فرماید:«واتقوا الله»؛ تقوا داشته باشید، در بیشتر آیات قرآن وقتی توصیه ای می شود به دنبالش تقوایی هم هست.

ما تقوای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داریم. این تقوا هم تقوایی است که در کنار صفات اخلاقی آمده است. در واقع قرآن می خواهد بفرماید: اساس صبر و بردباری، تقوا و خویشتن داری است. شخصی که

خویشتن دار است، صبور، بردبار و حلیم هم است.

حدیثی از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده است که فرمودند: کسی که به این سه شکل بتواند به مردم کمک کند، روز قیامت با انبیا و شهدا و صالحین محشور می شود. ما در نمازمان حداقل روزی ده مرتبه می گوییم:

«اهدنا الصراط المستقیم»: خدایا ما را به راه مستقیم هدایت کن و بعد می گوییم:«صراط الذین أنعمت علیهم» یعنی چه؟

در سوره نساء آیه 69 خداوند می فرماید(1): «صراط الذین أنعمت علیهم راه چهار گروه است:«الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»(2) 1- راه انبیا، 2- جانشینان انبیاء مانند علی بن ابی طالب علیه السلام ، 3- راه شهدا، (گرچه در قرآن شهید به معنای گواه است ولی در این جا خیلی از مفسرین گفته اند به معنای شهید در جبهه است و اولیای خدا، مثلا: تبیین رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم ، صدیقین امیر مؤمنان، شهیدانی مثل میثم و عمار، افراد صالح مثل سلمان و ابی ذر، راه این ها درست «انعم الله علیهم» است. چه کسی دوست ندارد روز قیامت با این اشخاص محشور شود؟ مسلما هیچ کس. اگر روز قیامت با این چهار گروه محشور شویم مسلما بهشتی هستیم.

1- « عن الامام الحسن العسکری علیه السلام فی قول الله عز و جل صراط الذین أنعمت علیهم أی قولوا اهدنا صراط الذین أنعمت علنهم بالتوفیق لدینک و طاعتک و هم الذین قال الله عز و جل - و من یطع الله و الرسول فأولیک مع الذین أنعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین والشهداء و الصالحین وحسن أولیک رفیقا » (معانی الأخبار، ص36؛ مجموعه ورام، ج 2، ص 98: بحار الانوار، ج 24، ص 10).
2- نساء، 69.

عوامل محشور شدن با چهار گروه

اشاره

امام حسن علیه السلام می گویند: «من واسا اخاه بمال أو جاه او کلمه الطیبه حشر یوم القیامه» اگر کسی سه کار انجام دهد با این افراد محشور می شود«مع النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین وحسن أولک رفیقا»، این سه کار چیست؟

1.کمک کردن به مردم با اموال

«من واسا أخاه بمال»؛ اولین عامل محشور شدن با انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین این است که انسان با اموالش به مردم خدمت کند، اگر کسی توانایی دارد با پولش به مردم خدمت کند، نباید کوتاهی کند.

امام حسن مجتبی علیه السلام سوار قاطر بود، کسی نزد ایشان آمد و گفت: آقا عجب مرکبی دارید! آقا فرمودند: شما مگر مرکب ندارید؟ آن شخص گفت: نه، آقا پیاده شد و افسار قاطر را به او داد.

شخصی به مسجد آمده و دیه بر گردنش بود، فردی مقداری پول به او داد، ایشان گفت: من فقیر نیستم دیه بر گردنم آمده توان پرداخت ندارم، آن آقا گفت: گوشه مسجد را نگاه کن. آن سه نفر که آن جا نشسته اند از خاندان کرامت هستند، اگر پول می خواهی نزد آن ها برو، آن شخص جلو رفت و دید امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و دامادشان عبدالله بن جعفر نشسته اند. سلام کرد و مشکلش را به آنها گفت.

امام حسن علیه السلام پانصد درهم به آن شخص دادند. امام حسین علیه السلام،

چهارصد و نود درهم دادند. عبدالله بن جعفر چهارصد و هشتاد درهم داد. آن شخص پس از گرفتن پول ها نزد همان آقا آمد و گفت: شما راست میگفتید؟ آن شخص هم گفت: بله مادر آنها حضرت زهرا علیها السلام است.(1)

واقعا هم همین طور است که سه شب گرسنه می خوابد و با آب افطار می کند و بعد هجده آیه سوره هل اتی نازل شد. سوره هل أتی با سوره دهر یا انسان که هجده آیه دارد در شأن این بزرگواران نازل شده است.

2.کمک کردن به مردم با آبرو

«او الجاه»؛ آبرو. دومین عامل محشور شدن با انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین کمک کردن به مردم با آبرو است.

امام حسن علیه السلام در حال طواف کردن بودند و چون معتکف بودند، نمی توانستند از مسجد خارج شوند، آقایی آمد و گفت: یابن رسول الله! من بدهی و قرض دارم و طلبکار هم، پولش را می خواهد؛ شما بیایید و از او بخواهید تا به من فرصت بدهد، فا دنبال او رفت و کار او را انجام داد. وقتی برگشت، ابن عباس عرض کرد: آقاجان! شما معتکف بودید، امام فرمودند: می دانم، ولی از جدم رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم شنیدم اگر مشکل کسی را حل کنی گویا 9 هزار سال خدا را عبادت کرده که روزها را روزه گرفته و شب ها را به نماز ایستاده است.(2)

1- وسائل الشیعه، ج9، ص447: بحار الانوار ف ج 43، ص 332: الخصال، ج 1، ص 135.
2- من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 190: وسائل الشیعه، ج10، ص 550؛ لئالی الأخبار. ص 250.

امیر مؤمنان علیه السلام متوجه خانمی شدند که همسرش او را از خانه بیرون کرده بود، در خانه اش را زد و سفارش او را به شوهرش کرد و به داخل خانه فرستاد.(1) این خرج کردن ابرو است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر چیزی زکاتی دارد و زکات آبرو، شفاعت است.(2)

3.کمک کردن با سخن زیبا

«او کلمه الطیبه»؛ با سخن پاکیزه. سومین عامل محشور شدن با انبیاء صدیقین، شهدا و صالحین کمک کردن به مردم با سخن نیک است. گاهی شما با یک سخن زیبا به مردم کمک میکنید؛ یعنی شخص نماز نمی خواند، بدحجاب است، اهل شراب است و شما با یک سخن زیبا و به جاء ایشان را از گناه دور می کنید و شما چون کار انبیا را انجام دادید با آنها محشور خواهید شد.

علائم جوان مردی

بارها گفته شده که در اسلام مزاح جایز است. امام صادق علیه السلام فرمودند: در سفر چند چیز نشانه مروت و جوانمردی است: 1«فبذل المزاد»؛ از

1- بحار الانوار، ج 40، ص112؛ الاختصاص، ص157.
2- « قال الصادق علیه السلام المعروف زکاه النعم و الشفاعه زکاه الجاه و العلل زکاه الأبدان و العفو زکاه الظفر وما أدبت زکاته فهو مأمون السلب » (بحارالانوار، ج 75، ص 286؛ تحف العقول، ص 381؛ عوالم العلوم و المعارف، ج20، ص 825).

چیزهایی که دارید به دیگران هم بدهید، 2- «المزاح فی غیر ما یسخط الله»؛ مزاح به گونه ای که غضب خدا را برانگیزد، 3- «ترک الروایه علیهم إذا أنت فارقتهم»؛(1) وقتی سفر تمام شد پشت سر هم بد گویی نکنید.
آینه و سفره و سفر عیب نماست

سنگ محک جمله مردان سوداست

مذمت کردن شوخی های نابه جا

امام حسن علیه السلام از جایی عبور می کردند، دیدند چند جوان شوخی های زشت می کنند. آقا جلو رفتند و به آنها سلام کردند و فرمودند: شما قرآن بلد هستید؟ آن جوانان گفتند: بله، فرمودند: این آیه را شنیده اید که می گوید:«وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا»(2) همه مردم جهنم می روند، مؤمن و کافر منتها مؤمن از جهنم عبور می کند، حرارت هم به او نمی رسد ولی کافر می ماند، بالاخره راه بهشت از جهنم می گذرد، کما این که اگر می خواهیم در این دنیا عقلمان بارور شود، باید از هوای نفس بگذریم.

جوانان گفتند: بله آقا شنیده ایم، امام فرمودند: ادامه اش را هم شنیده اید؟ می فرماید:«ثُمَّ نُنَجِّی الَّذِینَ اتَّقَوْا»(3)کسانی را نجات می دهیم که

1- «عن أبی عبد الله جعفر بن محمد علیه السلام قال: المروه مروتان مروه الحضر و مروه السفر فأما مروه الحضر فتلاوه القرآن و حضور المساجد و صحبه أهل الخیر و النظر فی الفقه و أما مروه السفر فبذل الزاد و المزاح فی غیر ما یسخط الله و قله الخلاف علی من تصحیه و ترک الروایه علیهم إذا أنت فارقتهم» مستدرک الوسائل، ج 8 ص 224؛ بحار الانوار، ج 73، ص313، تحف العقول، ص347).
2- مریم، 71.
3- مریم، 72.

اهل تقوا باشند، شما مطمئن هستید که اگر جزو ورودی های جهنم باشید جزء کسانی که از آن خارج می شوند هم هستید و به بهشت می روید؟ جوان ها به گریه افتادند و لغو و بیهودگی را کنار گذاشتند.

در روز عید فطر، امام حسن علیه السلام با جوان هایی مواجه شدند که در حال انجام کارهای ناپسند بودند، امام فرمودند: امروز روزی است که خدا جایزه می دهد شما چرا به جای ذکر و دعا، حرف های ناپسند و کارهای ناشایست انجام می دهید.(1)

توجه به قیامت یکی از راه های اصلاح مردم است، یاد قیامت، انسان را بسیار از گناه دور می کند. خدا در قرآن می فرماید:«أَلَا یَظُنُّ أُولَئِکَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ»(2) گمان نمی کنید قیامت هم هست؟

دوری از منت و آزار در انفاق کردن

خداوند می فرماید:«قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَهٌ خَیْرٌ مِنْ صَدَقَهٍ یَتْبَعُهَا أَذًی وَاللَّهُ غَنِیٌّ حَلِیمٌ»(3) انفاق کنید یا اگر نمی توانید انفاق کنید، مردم را اذیت نکنید و زخم زبان نزنید و منت هم نگذارید.

1- «و مر علیه السلام فی یوم فطر بقوم یلعبون ویضحکون فوقف علی روسهم فقال إن الله جعل شهر رمضان مضمارا لخلقه فیستبقون فیه بطاعته إلی مرضاته فسبق فوم ففازوا و قصر آخرون فخابوا فالعجب کل فالعجب من ضاحک لاعب فی الیوم الذی یتاب فیه المحسنون و یخسر فیه المبطلون و ایم الله لو کتبف الغطاء لعلموا أن المحسن مشغول بإحسانه و المسی، مشغول بإساءته ثم مضی» (بحار الانوار، ج 75. ص110؛ الکافی، ج 4، ص 181: من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 174).
2- مطففین، 4.
3- بقره، 263.

فقیری می آید، مثلا شما می گوید: من نمی توانم به شما کمک کنم، خدا ان شاء الله به شما وسعت بدهد این «قول معروف ومغفره» می شود. خداوند می گوید این بهتر از این است که انفاق کنید ولی اذیت و آزار هم بکنید.

در روایت آمده است: لقمان به پسرش فرمود: دو چیز را فراموش کن ۱- احسانت به دیگران، 2- بدی دیگران در حق خودت.(1) اگر این طور باشد بسیاری از مسائل حل می شود متأسفانه در بسیاری از موارد غالبا برعکس است.

قرآن کریم، در بحث انفاق با صراحت می گوید: آن کسی که رزقش کم است انفاق کنند؛ یعنی بحث انفاق مخصوص افراد ثروتمند نیست، اصلا معنای ایثار چیست؟«وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»(2) قران می گوید: بعضی ها با این که ندارند ولی ایثار می کنند و برای آن مثال هم آورده است.

انفاق فقط به کمک مالی نیست، کلمه طیبه (آبرو) حتی تبسم به دیگران را هم شامل می شود که یک نوع صدقه است. بعضی افراد برای فرار از انفاق، از معصومین علیهم السلام فاصله می گیرند و می گویند: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با ما فرق دارد.

پیامبر برای ما الگو است، خداوند در قرآن کریم می فرماید:«فبهداهم

1- گنج حکمت یا احادیث منظوم، ص56.
2- حشر، 9.

اقتده»(1) که تو انبیا را الگو قرار بده و بعد هم به ما می گوید:«لَقَدْ کَانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ»(2) اگر الگو قرار دادن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محال بود خداوند به ما أمر نمی کرد. پس خلق و خوی نبوی پیدا کردن، ممکن است و خدا هم در قرآن امر کرده است، می فرماید: هر چه قدر خدا را دوست دارید از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تبعیت کنید:«إِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی»(3) .امیر مؤمنان علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام انفاق و عبادت داشتند، ما هم باید سعی کنیم مقداری از آن ویژگی ها و خصوصیات را داشته باشیم. شاعر گفت:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

آیه صریح قرآن است:«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ»(4) ای کسانی که ایمان آورده اید تقوا داشته باشید و با صادقین (انبیا و اهل بیت علیهم السلام) باشید.

1- انعام، 90.
2- احزاب، 21.
3- آل عمران، 31.
4- توبه, 119.

حرام خواری

اشاره

قال الله تبارک و تعالی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»؛(1)

مقدمه

خداوند در آیه مذکور می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید سعی کنید مال خودتان را به باطل مصرف نکنید و خودتان را به هلاکت نیاندازید. یکی از مهم ترین نکات در زندگی ما، این است مالی را که مصرف می کنیم حلال باشد؛ به دلیل این که کانال ورودی روح و قلب ما اعضای ما است. می گویند: «الجوارح جواسیس القلوب»؛ جوارح، جاسوس قلب و کانال روح انسان است، درست مثل یک منبعی که آب واردش می کنید، اگر آب کثیف باشد، منبع هم کثیف می شود، ورودی بدن ما هم این گونه است.

1- نساء، 29.

ورودی های قلب

علمای اخلاق می گویند: پنج ورودی برای قلب ما است که پنج راه برای کنترل آن وجود دارد:

۱. چشم؛ نگاه ها اثر دارد، نمی شود گفت که نگاه به درون ما اثر نمی گذارد. روایت داریم: نگاه به عالم، پدر و مادر، عبادت است.(1)

2. گوش؛ حرف هایی که ما می شنویم اثر دارد. علی علیه السلام فرمودند:«مستمع الغیبه کقائلها»؛(2)شنونده غیبت؛ مثل گوینده است. لذا، گوش کردن به چیزهای حرام هم روی انسان اثر می گذارد. خدا در قرآن می فرماید: وقتی به لغو برخورد می کنید از آن عبور کنید، و جلسه گناه را ترک کنید.

۳. زبان؛

4.شکم؛

5. قوای جنسی.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «ما عبد الله بشیء أفضل من عفه بطن وفرج»:(3) عبادتی بالاتر از کنترل شکم و قوای جنسی نیست.

در این باره احادیث فراوانی داریم. شکم نسبت به قوای جنسی، از اولویت بالاتری برخوردار است؛ چون لقمه حرام است که به ما اجازه نگاه

1- «قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم النظر إلی العالم عباده النظر إلی الإمام المسقط عباده و النظر إلی الوالدین برأفه و رحمه عباده و النظر إلی الأخ توده فی الله عز وجل عباده،» (بحارالانوار، ج 38، ص196؛ عده الداعی، ص189؛ مجموعه ورام. ج 2، ص 175).
2- غررالحکم، ح 4447.
3- الکافی، ج 2، ص 79؛ وسائل الشیعه، ج 15، ص249؛ بحارالانوار، ج68، ص268.

حرام می دهد، ما را قسی بار می آورد و به هر چیزی نگاه می کنیم. لقمه حرام است باعث می شود تا در صحبت کردن هیچ حد و حدودی برای خود قائل نباشم.

داستان

شخصی، خدمت امام باقر علیه السلام آمد و گفت: یابن رسول الله! «إنی ضعیف العمل قلیل الصیام و لکنی أرجو أن لا آکل إلا حلالا»؛ من آدم کم عملی هستم ولی دو ویژگی دارم: فقط حلال می خورم و فقط هم از راه حلال قوای جنسی ام را ارضاء می کنم. من چه طور آدمی هستم؟ امام باقر علیه السلام فرمودند:«ای الاجتهاد أفضل من عفه بطن و فرج»:(1) تو آدم بسیار خوبی هستی و بزرگ ترین عبادت را انجام می دهی.

اثرات لقمه حلال

در قرآن کریم چند بار این آیه: «و کلوا ...حلالا طیبا »(2) تکرار شده است و چند چیز را بر این مترتب کرده است، مثلا:«فَکُلُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللَّهُ حَلَالاً طَیِّبًا وَاشْکُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ إِیَّاهُ تَعْبُدُونَ»(3) معلوم می شود منشاء شکر، لقمه حلال است. در جای دیگر می فرماید: حلال بخورید و عمل صالح انجام دهید. معلوم می شود منشاء عمل صالح لقمه حلال است و در جای دیگر می فرماید: مال حلال

1- الکافی، ج 2، ص 79؛ وسائل الشیعه، ج15، ص250؛ بحارالانوار، ج 68، ص269.
2- بقره، 168: مائده، 88، انفال، 69؛ یونس، 59: نحل، 114.
3- نحل، 114.

بخورید. اما «لا تتبعوا خطوات الشیطان»(1) دنبال شیطان نروید، مشخص است پرهیز از شیطان با لقمه حلال است.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «العباده مع أکل الحرام کالبناء علی الرمل و قیل علی الماء»؛(2)عبادت با لقمه حرام مانند ساختن خانه روی شن روان است و گفته شده بر روی آب.

مصادیق اکل مال به باطل

چرا این آیه می گوید: مالتان را به باطل نخورید؟ می گویند: این آیه منفعت انسان را مدنظر قرار داده است؛ چون انسان غالبا می خورد. در این آیه نگفته است که باطل یعنی چه؟ ولی در روایات، ائمه بزرگوار ما علیهم السلام ذیل این آیه چند مصداق تعیین کردند.

1. امام صادق علیه السلام، فرمودند: مقصود از آیه، این است که کسی از دیگری قرض بگیرد ولی قصدش عدم پرداخت آن باشد. امروزه این مسئله بسیار رواج پیدا کرده است که مردم از همدیگر قرض می گیرند ولی پس نمی دهند.

در روایت دیگر آمده است: کسی که قرضی بگیرد و موعدش فرا برسد و با این که توان پرداخت را داشته باشد ولی این کار را نکند مالش حرام می شود.

۲. مصداق دیگر آیه ربا است.

1- بقره، 168.
2- بحار الانوار، ج 81 ص 258؛ عده الداعی، ص 153 : الحیاه با ترجمه احمد آرام، ج 4، ص 660.

۳. مصداق دیگر آیه، کم فروشی است.

4. مصداق دیگر آیه قمار است.

5. مصداق دیگر آیه ظلم است.

6. مصداق دیگر آیه حق الناس است.

گرانی و تنگ دستی، مجوز حرام خوردن نیست. اسلام اجازه حرام خواری به ما نمی دهد.

توجه به حق الناس حتی در روز عاشورا

در حرم امام حسین علیه السلام، به زائران گفتم: شما به زیارت شخصی آمدید که صبح عاشورا رو به لشکرش کرد و فرمودند: هر کسی حق مردم بر گردنش است، برگردد: «ناد أن لا یقاتلن علیه دین».(1) این نکته خیلی مهمی است. گاهی در تاریخ با مواردی برخورد می کنیم که در جایی ثواب عظیمی کسب شده است، اما به خاطر لقمه حرام و یا حق الناس ثواب آن به طرف نرسیده است.

لباس غصبی عامل عذاب

در جنگ خیبر شخصی، به نام مدعم، شهید شد و روی زمین افتاد. اصحاب دور او جمع شدند و گفتند: شهادت بر تو گوارا باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم تا اصحاب را دیدند فرمودند: درست است که شهید شده اما الان بدنش را آتش گرفته است! اصحاب گفتند: چرا؟ فرمودند: چون

1- عاشورا شناسی، ص290.

لباسش غصبی است.(1)

بها دادن پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به حق الناس

نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم، در آخرین منبری که در مسجد برای وداع با مردم آمدند، فرمودند: اگر کسی چیزی بر گردنش است بلند شود و بگوید! شخصی بلند شد و گفت: یا رسول الله! روزی فقیری به شما مراجعه کرد و شما سه درهم از من گرفتید و به او دادید و من هم پیگیری نکردم، اکنون که خود شما می فرمایید. این سه درهم را به من بدهکار هستید. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خیلی خوشحال شد و به فضل بن عباس گفتند: این سه درهم را به او بده.

این ها اهمیت این مطلب را می رساند که انسان مؤمن باید به این مسائل توجه داشته باشد.

شخصی از امام سجاد علیه السلام سؤال کرد: دین چیست؟ «أخبرنی بجمیع شرائع الدین»؛ خلاصه دین را به من بگویید! امام سجاد فرمودند: دین در سه کلمه است: «قول الحق و الحکم بالعدل و الوفاء بالعهد»:(2) حرف حق بزنید، حکم به عدل کنید و به عهدتان وفادار باشید.

تذکر یک نکته

نکته مهمی که مطرح است این است که حق الناس غیر از بحث مالی

1- اسدالغابه، ج 4، ص 341 .
2- مستدرک الوسائل، ج 11، ص316؛ بحار الانوار، ج 72، ص 92: الخصال، ج 1، ص 113.

است؛ یعنی حق الناس چنین نیست که شما فکر کنید که حتما باید قیمت و ارزش داشته باشد. شما ممکن است بدون اجازه بنده، نخی از پرده خانه من بکشید، و ممکن است این پرده در نظر شما هم ارزشی نداشته باشد ولی من می توانم در روز قیامت از شما در مورد این نخ سؤال کنم و شما مسئول هستید.

در نظر گرفتن رضایت در تجارت

خداوند در ادامه آیه می فرماید:«إلا أن تکون تجاره عن تراض»: مگر تجارت از روی رضایت باشد.

امام خمینی علیه الرحمه در تحریر الوسیله در بحث کتاب بیعشان می فرماید: معامله ای که در آن کلاه شرعی باشد درست نیست؛ چون در معامله خدعه (نیرنگ) کرده است.

مصادیق این خدعه اگر بین مردم رواج پیدا کند، دیگر سنگ روی سنگ بند نمی شود و بازار قابل اعتماد نیست. و لذا در روایات داریم صادقانه صحبت کنید و آیه 80 سوره اسراء را بسیار بخوانید:«وقل رب أدخلنی مدخل صدق وأخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا»: خدایا! ورود و خروجمان صادقانه باشد. خداوند برکتی در حلال قرار می دهد که در حرام نیست.

سفارش به رعایت انصاف

شخصی، نزد آقا سید احمد خوانساری آمد و گفت: من یک جنسی را

صد تومان می خرم و چون بازار کشش دارد، آن را دویست تومان می فروشم، اشکال دارد؟ ایشان فرمود: نه، ولی بی انصافی است. آن شخص گفت: عیبی ندارد، حرام نباشد؛ بی انصافی طوری نیست. ایشان دید این شخص منظور حرفش را متوجه نشده است، به او گفت: بی انصافی یعنی آن کاری که شمر با امام حسین علیه السلام کرد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «أشد الأعمال ثلاثه»؛ عمل کردن به سه چیز بسیار مشکل است: «إنصاف الناس من نفسک حتی لا ترضی لهم منها بشیء إلا رضیت لهم منها بمثله ومواساتک الأخ فی المال و ذکر الله علی کل حال و لیس سبحان الله و الحمد لله ولا إله إلا الله فقط و لکن إذا ورد علیک شئ من أمر الله أخذت به و إذا ورد علیک شیء نهی الله عز و جل عن ترکته»؛(1) ذکر خدا در همه حال، مواسات با خودت و انصاف با مردم.

مذمت کردن بی انصافی

امام صادق علیه السلام به یک عده ای پول دادند تا به تجارت بروند. آن افراد بعد از برگشت از تجارت، به امام صادق گفتند: این اصل پول و این هم سودش. امام نگاه کردند دیدند صد در صد پول برگشته است! گفتند: چرا این قدر زیاد؟ گفتند: دیدیم در آن شهر این کالا کمیاب است ما هم جنس را نگه داشتیم تا بازار رونق بگیرد، و دو برابر قیمت در بازار به مردم فروختیم و مردم هم خریدند و دعایمان کردند. امام فرمودند: من این

1- وسائل الشیعه، ج15، ص 255، مستدرک الوسائل، ج 7، ص209، بحار الانوار، ج16، ص 381.

پول ها را مصرف نمی کنم و بعد فرمودند: کسب حلال از شمشیر زدن در راه خدا مشکل تر است.(1)

منع خودکشی در قرآن

در ادامه آیه خداوند می فرماید:«ولا تقتلوا أنفسکم»: خودتان را نکشید.

آن طور که مفسرین گفته اند: از این آیه، سه نکته برداشت می شود:

1.حرمت خود کشی؛ آیه می فرماید: «ولا تقتلوا أنفسکم » چرا خودتان را می کشید؟ شما امانت هستید و این بدن هم امانت است و شما باید زندگی کنید. ما اجازه نداریم خودمان را بکشیم. بعضی ها می گویند: زندگی مشکلات دارد؛ هنر این است که در این سختی ها خودمان را نشان بدهیم. قرار نیست با خوشی زندگی مان را ادامه بدهیم.

بعضی ها این سؤال را می کنند که چرا اسلام به انسان اجازه نمی دهد خودش را از بین ببرد؟ این، خلاصی نیست؛ بلکه ناشکری و کفران نعمت خداست. مثل این می ماند شما در ماشین نشسته اید و رانندگی بلد نیستید، یا این که ماشین مشکل دارد بعد بالای دره بیایید ماشین را خلاص کنید و آن را به ته دره بیاندازید. آیا این هنر است؟ خودکشی کردن حرام است. قرآن می فرماید:«وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِکَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا»(2) هر کسی این کار را انجام دهد جهنم می رود.

1- الکافی، ج 5، ص 161؛ التهذیب. ج 7، ص 13: وسائل الشیعه، ج 17، ص 421.
2- نساء، 30.

آیا اباعبدالله علیه السلام با این همه مشکلات در روز عاشورا، امیدش را از دست داد؟ بالاخره جهان روی یک پایه نمی چرخد و فراز و نشیب دارد. قرآن می فرماید:«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»(1) بعد از هر سختی، آسانی است. گاهی روزنه هایی در زندگی انسان باز می شود، انسان که نباید خودکشی کند.

شخصی می گفت: خدا به ما فرزندی داد که فلج بود و من خیلی ناراحت شدم و گفتم: ای کاش از دنیا برود! تا این که این فرزند آرام آرام تحصیل کرد و استاد دانشگاه شد و موفق شد. آن شخص می گفت: بچه های دیگرم ما را رها کردند و همین فرزند فلجم الان خرج زندگی ما را می دهد و الان بسیار خوشحالم و خدا را شاکرم. واقعا ما مصلحت امور را نمی دانیم

داستان

شخص نابینایی به نام ابوبصیر خدمت امام باقر علیه السلام آمد، و امام فرمودند: می خواهی دعا کنم تا چشمانت خوب شود؟ گفت: بله. خیلی دوست دارم. امام باقر علیه السلام فرمودند: یک اجر و ثمره ویژه ای به خاطر این نابینایی داری اگر من این کار را کنم، این امتیاز از بین می رود. شخص نابینا کمی فکر کرد و گفت: نه، نابینا می مانم ولی آن ثواب عظیم را می گیرم.(2)

1- شرح، 5.
2- بحار الانوار، ج 46، ص 261؛ المناقب، ج 4، ص 184؛ عوالم العلوم و المعارف، ج19، ص 84.

همیشه نباید وضعیت موجود را نگاه کرد یک وقت می بینید، همین آدم در آینده به یک مراتب عالی می رسد. مادر موسی علیه السلام وقتی موسی را به دنیا آورد، با سختی و مشکلات زیادی رو به رو بود، آیا خوب بود از خداوند متعال آرزوی مرگش را بکند؟ امام علیه الرحمه در نجف با مشکلاتی روبه رو بودند، ببینید که به چه عظمت و جایگاهی رسیدند.

2. علامه طبابایی می فرماید: این آیه خطاب به مردم جامعه هم است، که همدیگر را نکشید. انسان ها ادیان و گرایش های مختلف دارند، باید کنار هم زندگی کنند. بعضی از افراد نادان، فتوای قتل انسان های دیگر را صادر می کنند، اما در مورد سلمان رشدی که به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم توهین کرده در آن موقع حکمش قتل بود و بحثش جدا است. ولی بمب گذاری و ترور در اسلام و کشتن افراد بدون دلیل و محاکمه ممنوع است.

۳. خودتان را تدریجا نکشید. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ذیل این آیه فرمودند: مثلا کسی آب سرد برایش ضرر دارد. اگر با آب سرد وضو بگیرد مصداق «ولا تقتلوا أنفسکم» است.

به عبارت دیگر خطاب این قسمت آیه به افراد وسواسی است که خودشان را تدریجی می کشند. در آخر آیه می فرماید: خدا به شما رحیم و مهربان است؛ یعنی مال حرام نخورید و خودتان و دیگران را هم نکشید؛ ان شاءالله خدا کمک می کند و لطفش شامل حال شما می شود.

صله رحم

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِی خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»(1)

مقدمه

بحث امروز ما درباره اولین آیه سوره نساء است که همه مردم را خطاب قرار داده است. در این آیه کلمه (اتقوا) دوبار تکرار شده است و روی دو چیز تأکید شده است: 1- تکریم و تعظیم خدای تبارک و تعالی 2- ارحام و فامیل

خداوند می فرماید: ای مردم نسبت به خدا تقوا داشته باشید. خدایی که شما را از یک نفر (آدم) آفرید و حوا را هم از آدم آفرید. تمام زنان و مردانی که در عالم هستند از یک پدر و مادر هستند. تقوا داشته باشید به آن خدایی که خودتان هم بر او قائل هستید. خداوند تبارک و تعالی کنار

1- نساء، 1.

تقوای الهی سفارش به صله رحم و فامیل کرده است.

در واقع مفسرین معتقدند که خداوند می گوید: چون همه شما را از نسل آدم قرار دادیم با هم ارتباط داشته باشید.

اثرات صله رحم

در باب صله رحم احادیث بسیار است. امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کسی صله رحم کند پنج اثر دارد: «صله الأرحام تحسن الخلق و تسمح الکف و تطیب النفس و تزید فی الرزق و تنسیئ فی الأجل»:(1) 1- انسان را خوش اخلاق می کند، 2- انسان را با جود و سخاوت بار می آورد و به انسان دست دهنده می دهد، 3- نفس انسان را پاکیزه می کند، 4- رزق و روزی انسان زیاد می شود، 5- مرگ انسان به تأخیر می افتد.

مذمت کردن قطع صله رحم

امیر مؤمنان علیه السلام در مسجد کوفه مشغول سخنرانی بودند و دعا کردند: أعوذ بالله من الذنوب التی تعجل الفناء»؛ خدایا! به تو پناه می برم از گناهانی که اجل ما را جلو می اندازد. شخصی گفت: کدام گناه مرگ ما را جلو می اندازد؟ امام فرمودند: «قطیعه الرحم»(2) قطع رابطه با فامیل.

1- الکافی، ج2، ص152: وسائل الشیعه، ج21، ص 535: روضه المتقین، ج 9، ص413.
2- «قال أمیر المؤمنین علیه السلام فی خطبته أعوذ بالله من الذنوب التی تعجل الفناء فقام إلیه عبد الله بن الکواه الیشکری 2 فقال یا أمیر المؤمنین أ و تکون ذنوب تعجل الفناء فقال نعم ویلک قطیعه الرحم إن أهل البیت لیجتمعون و یتواسون و هم فجره فیرزقهم الله و إن أهل البیت لیتفرقون و یقطع بعضهم بعضا فیحرمهم الله و هم أتقیاء» (الکافی، ج 2، ص 347، وسائل الشیعه، ج21، ص493؛ بحارالانوار، ج 71. ص 138).

فامیل چند دسته هستند: یک دسته از آنها خوب و متدین و مذهبی هستند. پس دلیلی ندارد که با آنها قطع رابطه کنیم. حتما باید صله رحم و رفت و آمد باشد. دلایلی که برای قطع ارتباط داریم باید منطقی باشد.

بعضی ها می گویند: ما خواهر و برادری داریم که در اثر رفت و آمد با آنها، بین ما درگیری و تنش به وجود می آید یا این که مال آنها حرام است یا این که اهل شرب خمر و فساد هستند، تکلیف صله رحم چه می شود؟ صله رحم یک معنای عام دارد و حتما رفت و آمد نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «صلوا أرحامکم ولو بالسلام»؛(1) با فامیلتان ارتباط داشته باشید ولو به سلام کردن. قطع رحم؛ یعنی این که ما کاملا قطع ارتباط کنیم. صله رحم را باید مدیریت کرد. فامیلی که مذهبی است و اهل گناه نیست با او رفت و آمد کنید اما اگر کسی باشد که این طور نباشد، اگر آن فرد بیمار شد به عبادتش بروید یا اگر از دنیا رفت به تشییع جنازه اش بروید.

ما در روایات داریم دو نفر با هم قدم می زدند. امام کاظم علیه السلام فرمودند: شما چرا با این شخص قدم می زنید عقیده این فرد فاسد است، گفت: دایی ام است. فرمودند: دایی ات باشد! امام می خواهد بگوید: با این قطع رابطه نکن ولی صمیمی هم نباش.(2) در روایات داریم با ارحام ارتباط پیدا

1- بحارالانوار، ج 74، ص 160، تحف العقول، ص 57؛ عوالی اللئالی، ج 1، ص 441.
2- الکافی، ج 2، ص 374؛ وسائل الشیعه، ج16، ص260؛ مستدرک الوسائل، ج8ص349.

کنید ولو با یک لیوان آب باشد.

به امام صادق علیه السلام گفتند: بهترین نوع صله رحم چیست؟ فرمودند: «کف الأذی»؛(1) بهترین نوع صله رحم این است که شما دیگران را آزار ندهید. اگر شما فامیلت را آزار ندادی و غیبت نکردی و تهمت نزدی و تمسخر نکردی این بهترین نوع صله رحم است.

عزیزان من! در ماه رمضان یا ماه محرم و صفر یا در طول سال در بین فامیل برنامه روضه و دعای توسلی با زیارتی بگذارید و بگویید: شب های پنجشنبه هر هفته منزل یک کسی باشد تا ارتباط ها بیشتر شود.

یکی از علمای بزرگ فرموده بود: روضه های خانگی باعث برکت خانه است. نگویید: در مسجد روضه میگیرم مسجد برای خودش برکت دارد، در خانه تان روضه بگیرید بگذارید «السلام علیک یا ابا عبد الله» در خانه شما گفته شود و زیارت اهل بیت علیه السلام خوانده شود.

من یکی از بهترین راه های صله رحم را گسترش این جلسات روضه و زیارت و قرائت قرآن می دانم.

مؤمن نباید خودش را خوار کند جایی که او را تحقیر می کند نباید برود. جایی که گفته اند: نرو اگر برود با ناراحتی بیرون می آید نباید برود ولی صله رحم عام است.

1- «قال أبو عبد الله علیه السلام صل رحمک و لو بشربه من ماء و افضل ما توصل به الرحم کف الأذی عنها وصله الرحم منأه فی الأجل محببه فی الأهل، (الکافی، ج 2، ص151: وسائل الشیعه، ج 21 ص 539، بحارالانوار، ج 71، ص117).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

اشاره

قال اللهِ تبارک و تعالی:«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ»(1)

مقدمه

آیه مذکور خطاب به مؤمنان و دارندگان ایمان است، می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید اول از خدا اطاعت کنید. همه اطاعت ها به اطاعت از خدا بر می گردد. قرآن می فرماید: اگر ما می گوییم پیامبر را هم اطاعت کنید؛ چون در واقع اطاعت از پیامبر، اطاعت از خداست و اگر می گوییم از ائمه علیهم السلام اطاعت کنید، در واقع می گوییم از خدا اطاعت کنید. در روایات داریم به وسیله اهل بیت علیهم السلام خدا را اطاعت کنید. در زیارت امام رضاعلیه السلام می خوانیم که: «اللهم إلیک توجهت و إلیک قصدت»؛(2) خدایا! من به خاطر تو خانواده ام را ترک کردم.

1- نساء، 59.
2- من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 602: تهذیب الاحکام، ج6، ص86 عیون اخبار الرضا، ج 2. ص 267.

اگر زمانی اطاعت از شخصی در مقابل اطاعت خدا باشد آن اطاعت منتفی است و نباید انسان انجام بدهد. در ادامه آیه قرآن می فرماید:«وأطیعوا الرسول وأولی الأمر»؛ از پیامبر و اولی الامر اطاعت کنید.

در ارتباط با این فراز «وأطیعوا الرسول»، قرآن کریم می فرماید: «من یطلع الرسول فقد أطاع الله»؛ هر کس از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است.

معرفی شخصیت پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم

ابتدا به شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اشاره می کنیم. ده ها آیه در قرآن به معرفی شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پرداخته است و آنقدر خدا در قرآن برای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم احترام قائل شده است که در هیچ کجا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را به نام صدا نزده است. ما در قرآن محمد، یا احمد نداریم؛ البته نام پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم در قرآن آمده اما خطاب نیامده است.

آنقدر خدا در قرآن سفارش پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم را کرده که در یک جمله می فرماید: شما چقدر خدا را دوست دارید؟ هر چقدر خدا را دوست دارید نشانه اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است. خدا می فرماید:«إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»(1) پیامبر! به مردم بگو: اگر خدا را دوست دارید من را تبعیت کنید آن وقت خدا شما را دوست خواهد داشت. به حدی خدا مقام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را در قرآن بالا برده که هر وقت می خواهد سفارش

1- آل عمران، 31.

پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم را چه ایجابی و چه سلبی بکند، اول اسم خودش را می آورد، مثلا:«لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»(1) از خدا و پیامبر جلو نیفتید،«لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ»(2) به خدا و رسول خیانت نکنید. شما در قرآن مکررا این موارد را می بینید.

به مردم می فرماید: اگر با پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم پیوندی را حفظ کنید، گویا با خدا حفظ کردید و لذا به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: آن هایی که با تو بیعت می کنند، گویا با خدا بیعت می کنند و آن هایی که به تو خیانت می کنند گویا به خدا خیانت می کنند. وقتی که می خواهد بگوید: پیامبر را اذیت نکنید می فرماید:«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»(3) هر کسی خدا و پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم را اذیت کند خدا او را در دنیا و آخرت لعنت کند و عذاب الیم در انتظار اوست.

در سوره مبارکه احزاب می خوانیم:«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ»(4) خدا و فرشتگان دائما بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درود می فرستند. این ها نکته های بسیار دقیقی است.

یکی از مفسرین می گوید: خدا برای پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم احترام و جایگاه بسیار ویژه ای قائل است، مثلا: به خانه پیامبر مهمانی می رفتند و دیر از خانه ایشان بیرون می رفتند؛ و چون حضرت خیلی مأخوذ به حیا بود، آیه نازل شد وقتی غذایتان را می خورید بلند شوید این زیاد نشستن شما،

1- حجرات، 1.
2- انفال، 27.
3- احزاب، 57.
4- احزاب، 56.

پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم را اذیت می کند یا در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فریاد می زدند و ایشان هم صحبتی نمی کرد آیه نازل شد:«لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ»(1) و این آیه عجیب است می فرماید: آن هایی که صدایشان را از صدای پیامبر بالا می برند اعمالشان حبط می شود چون نسبت به ایشان بی ادبی می کنند.

احترام گذاشتن امام صادق به نام رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم

ابوهارون مکفوف می گوید: هرگاه نام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برده می شد امام صادق علیه السلام، به احترام نام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تعظیم می کرد و می فرمودند: «بابی و أمی و قومی و عشیرتی»؛(2) ای رسول خدا! پدر و مادر و اولاد و اقوامم به قربانت. این ها احترامی است که ائمه علیهم السلام برای رسول گرامی صلی الله علیه و آله وسلم قائل بودند.

بودند.

احترام گذاشتن به حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

در زمان حضرت زهر سلام الله علیها حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مکتوب شده بود که حضرت آن را در خواست کرد، گفتند: آن حدیث گم شده است. حضرت فرمودند: آن حدیث نزد من به اندازه حسنین علیهما السلام ارزش دارد، چرا آن را گم کردید؟(3)

1- حجرات. 2.
2- الکافی، ج8، ص266؛ الوافی، ج2، ص236؛ تفسیر نورالثقلین، ج 1، ص 378.
3- الکافی، ج 1، ص 6: مستدرک الوسائل، ج12، ص 81 دلائل الامامه. ص66؛ عوالم العلوم و المعارف، ج 11، ص 908.

پیامبر را به اسم صدا نکردن

وقتی آیه نازل شد که پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم را به اسم صدا نزنید؛ بلکه با القابی مثل رسول الله، یا نبی الله، یا حجه الله صدا بزنید. حضرت زهراعلیها السلام همیشه صدا می زدند یا ابتاه! پدرجان. آن دفعه صدا زدند یا رسول الله! پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نگاهی کرد و گفت: فاطمه جان! چه شده است؟ عرض کرد: آیه نازل شده پیامبر را به نام صدا نزنید! فرمودند: فاطمه جان! تو استثناء هستی و پاره تن من هستی.(1)

آیت الله سبحانی کتابی به نام فروغ ابدیت نوشته است، توصیه می کنم آن را مطالعه کنید، ذکر کرده است که چه آزار و اذیت هایی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ایستاده بودند، عده ای آمدند شکمبه گوسفند را روی ایشان ریختند. عده ای به ایشان سنگ زدند و او را با نام های مختلف صدا می زدند و او را تمسخر می کردند. خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: پیامبر صبر کن! نوح پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را تمسخر کردند ولی او نهصد و پنجاه سال صبر کرد و عده انگشت شماری به ایشان ایمان آوردند. حضرت صالح را می خواستند ترور کنند. بدن بعضی از انبیا علیهم السلام را اره کردند و بدنشان را تکه تکه کردند، در یک روز هفتاد پیامبر را در بنی اسرائیل کشتند. بعضی ها در مذمت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شعر می گفتند و بعضی دیگر می گفتند: این قرآن را در سفر به شام یاد گرفته است.

1- بحار الانوار، ج 43، ص 33: المناقب، ج3، ص320؛ تفسیر نورالثقلین، ج 3، ص 629.

دروغ بستن به پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم

قرآن کریم در سوره مدثر دو مرتبه از مرگ گفته است، می فرماید:«قتل»؛ ولید کشته باد! چرا؟ چون ولید گفته بود: پیامبر ساحر است. خدا مرگ گفته است به کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را ساحر خوانده است، بنابراین افرادی که مغرضانه سخنان زشت و ناپسند را نسبت به ساحت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می گویند این ها مستحق مرگ هستند.

ما در این جا مسامحه نداریم. در زیارت نامه همه ائمه: اول سلام بر پیامبر است «السلام علیک یا رسول الله» یا امامی را که می خواهید خطاب کنید: « السلام علیک یابن رسول الله» همه جا نام پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم مطرح است.

تذکر یک نکته

نکته ای در این جا عرض کنم ممکن است بعضی ها در این زمینه شبهاتی برایشان پیش بیاید گرچه کسی که توان فهم و پاسخ گویی ندارد، خواندن این نوع کتاب ها و دیدن فیلم ها حرام است.

متأسفانه بعضی از منابع تاریخی ما که مسلمانان نوشته اند دچار این نوع روایات ضعیف شده است؛ یعنی اسرائیلیات وارد آن شده است. روایاتی که بنیان گذارش یهودی ها هستند؛ یعنی وقتی کسی تاریخ طبری را می خواند نمی تواند به همه آن اعتماد کند؛ چون بعدا أفرادی آمدند یک سری روایات جعلی به اسم انبیا علیهم السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وارد منابع ما کرده اند.

در کتابی به نام نقش اسرائلیات در داستان های انبیا چه قدر نسبت های

دروغ به حضرت سلیمان و حضرت یوسف و داوود علیهم السلام داده اند.

مذمت کردن نسبت های دروغ

شخصی خدمت امام رضاعلیه السلام بود، آقا فرمودند: مردم قصه حضرت داوود علیه السلام را چه طور نقل می کنند؟ آن شخص سخنان مردم را برای ایشان نقل کرد، گفتند: مردم این طور می گویند! رنگ امام رضاعلیه السلام تغییر کرد و سه مرتبه روی پیشانی شان زدند و فرمودند: «سبحان الله سبحان الله سبحان الله» مردم اینها را به پیامبر خدا نسبت می دهند؟ دروغ است؛ چون پیامبران معصوم بوده اند.

به حضرت آدم أبو البشرعلیه السلام و به حضرت ایوب علیه السلام چیزهایی را نسبت داده اند که انسان شرمنده می شود. غرض آنها رسیدن به اهداف خودشان بوده و می خواستند چهره انبیا علم را خراب کنند.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کسی قصه حضرت داوودعلیه السلام را آنطور که معروف و نقل شده است، نقل کند صد و شصت ضربه شلاق به او می زنم، یعنی به شدت حضرت برخورد کردند. امام صادق علیه السلام و ائمه علیهم السلام با اشخاصی که به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نسبت های دروغین می دادند، برخورد می کردند.

شما اگر می خواهید تاریخ زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را بخوانید کتاب فروغ ابدیت را بخوانید که یک مرجع تقلید (حضرت آیت الله سبحانی) نوشته است یا کتاب حاج شیخ عباس قمی را در ارتباط با پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم بخوانید یا کتاب پیامبر اعظم آقای دکتر آیتی را بخوانید.

کتابی به نام پیامبر شناسی و پاسخ شبهات که توسط محققی به نام علی اکبر رضوانی نوشته شده است که البته این کتاب برای سطح عموم توصیه نمی شود. در این کتاب شبهاتی که به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نسبت داده اند، پاسخ داده شده است.

ویژگی های ده گانه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

اشاره

یکی از جامع ترین آیات درباره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم آیه 157 سوره اعراف است که در این آیه ده ویژگی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمده و چهار تا وظیفه برای مردم گوشزد کرده است.

مرحوم آقای سیدرضا صدر کتابی به نام پیامبر در قرآن دارد که این کتاب عربی است. ایشان آیاتی را که راجع به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در قرآن آمده است، جمع آوری کرده اند.

قرآن کریم می فرماید: «الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِی التَّوْرَاهِ وَالْإِنْجِیلِ یَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَیُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّبَاتِ وَیُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبَائِثَ وَیَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِی کَانَتْ عَلَیْهِمْ فَالَّذِینَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ »(1)

1.رسول

اولین ویژگی رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم رسول است؛ یعنی فرستاده خدا.

1- اعراف، 157.

2.نبی

دومین ویژگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نبی است؛ یعنی (کسی که وحی دریافت می کند). معنای رسول از نبی بالاتر است؛ چون ممکن است کسی رسول باشد ولی نبی نباشد.

3.امی

سومین ویژگی رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم أمی است؛ یعنی درس ناخوانده است و نیازی به آموزش نداشته؛ چون معلم او خداست. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تا آخر عمرش هم خط ننوشت. سوال: چرا خدا ایشان را به گونه ای قرار داد که ننویسد؟ چون بعدها نگویند: قرآن را خودش نوشته است.

4.ذکر شدن ویژگی پیامبر در تورات و انجیل

چهارمین ویژگی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم این است که ویژگی هایش هم در تورات و هم در انجیل آمده است؛ یعنی دنیای مسیحیت و یهودیت بدانند اهانت به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم اهانت به حضرت عیسی و موسی علیهم السلام است: به خاطر این که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خاتم انبیا است.

ما اعتقادمان این است اگر کسی به حضرت عیسی علیه السلام توهین کند، همان طور که به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم حساسیت نشان می دهیم، نسبت به ایشان هم حساسیت نشان می دادیم. اگر چنانچه در دبیرستانی به دبیر کلاس دوازدهم توهین شد دبیر کلاس اول هم باید عکس العمل نشان بدهد. انبیا پله پله هستند و بالا می آید در رأس خاتم الانبیا رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم است. توهین به

پیامبر توهین به انبیای دیگر است.

5.دعوت به معروف

پنجمین ویژگی رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم این است که مردم را به معروف دعوت می کرد، می فرمایند: دروغ نگویید، احسان کنید و ... پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نسبت به مردم از خودشان دلسوزتر است.

6.نهی از منکر

ششمین ویژگی رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم این است که مردم را نهی از منکر می کرد، می فرمود: شراب نخورید، فحشا و خیانت نکنید و ...

7.حلال کردن طیبات

هفتمین ویژگی رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم این بود که: چیزهای پاکیزه را برای شما حلال کرد. بعضی ها گوشه گیر بودند و به غار پناه می بردند، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: این کار را نکنید، وارد جامعه شوید، پاکیزه باشید و زن را بر خودتان حرام نکنید و فرزنددار بشوید و از نعمت ها استفاده کنید.

8.حرام کردن خبائث

هشتمین ویژگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این بود که: خبائث را برای شما حرام کرد، اگر فرمودند: میته نخورید؛ چون خبیث است. اگر فرمودند: گوشت خوک نخورید؛ چون آثار منفی دارد. اگر فرمودند: با سگ ارتباط برقرار نکنید؛ چون آن را نجس اعلام کرد و یا این که نسبت به حیوانات

احترام بگذارید!

ائمه بزرگوار ما تأکید فراوان کرده اند که حیوانات را آزار ندهید؛ بلکه به آنها غذا بدهید حتی کسی با غذا دادن به حیوان ممکن است بهشتی شود اما این غیر از این است که در خانه و زندگی خودمان حیوانی را قرار بدهیم. هر چیزی جایگاه و محلی دارد.

9.برداشتن سختی ها

نهمین ویژگی رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم این است که: از گردن شما عسر و سختی ها را برداشتند.

پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم کودک بودند که حلیمه سعدیه یک گردنبند مهره ای را به او داد، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: این چیست؟ عرض کرد: برای این که چشم نخوری، حضرت به شدت ناراحت شدند و آن را پاره کردند و فرمودند:«إن معی ربی»؛ خدایی با من است که من را حفظ می کند.(1)

شخصی کودکی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آورد که گلو و گردنش درد می کرد و مهره هایی به او آویزان کرده بود، حضرت فرمودند: این ها شرک است. این مهره گلوی او را خوب نمی کند و با این خرافات مبارزه کردند. خرافاتی که سر تا پای جامعه جاهلی را پوشانده بود.

10.برداشتن غل و زنجیر

دهمین ویژگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این است که: غل و زنجیر را از شما

1- بحار الانوار، ج 15، ص376.

برداشت. چرا از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اطاعت کنیم؟ این درست مثل این می ماند که بنده به شما بگویم: از آقایی که باسواد و ادیب است اطاعت کنید و شما بگویید چرا؟ خوب واضح است، به خاطر علمش.

وظایف مردم نسبت به پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم

۱. به او ایمان بیاورید و منکر او نشوید؛

۲. او را گرامی بدارید؛ در مورد گرامی داشتن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در قرآن آیات فراوانی داریم.

۳. او را با وقار و عظمت باد کنید و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را یاری کنید.

یاری کردن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سه نوع است: 1- با زبان، 2- با قلب. 3- با عمل. کما این که امام صادق علیه السلام در مورد هشام فرمودند: «هذا ناصرنا بقلبه و لسانه ویده»(1) این جوان با دل و دست و زبان یاور ماست.

یاری کردن با زبان این است که از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دفاع کنیم، مثلا: وقتی نام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برده می شود صلوات بفرستیم و به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سلام بدهیم. اگر جایی توهین می شود ما در آنجا موضع بگیریم.

یاری کردن قلبی این است که محبتشان در قلب ما باشد و یاری کردن عملی هم این است که به زیارتشان برویم و خمس مالمان را بپردازیم و اگر جایی لازم است مجلسی برای آنها برپا کنیم و عمل کردمان را طوری قرار بدهیم که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم راضی باشد.

1- مستدرک الوسائل، ج 5، ص 449: الفصول المختاره. ص 52.

4. خداوند می فرماید:«وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»(1) از نوری که با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرستاده شده است تبعیت کنید؛ آن نور قرآن است.

خدا در بعضی آیات قرآن می فرماید: اگر این کار را انجام بدهید «لعلکم تفلحون»؛ شاید رستگار شوید؛ اگر این چهار وظیفه را انجام بدهید قطعا رستگار خواهید شد.

تفسیر اولی الامر

خداوند در قرآن می فرماید:«أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ»(2) راجع به «وأولی الأمر» بحث های زیادی است. بعضی از مفسرین شیعه گفته اند: «و أولی الأمر»، والیان امر هستند؛ یعنی هر کسی قدرت در دست گرفت والی امر می شود اما بعضی ها گفته اند: «و أولی الأمر»؛ یعنی کسی که مدیریت جامعه را به عهده بگیرد و عادل هم باشد. برخی دیگر گفته اند: «و أولی الأمر » منظور قاضیان و رزمندگان اسلام هستند.

عزیزان من! وقتی خدا اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را مثل اطاعت خودش دانسته، «و أولی الأمر»؛ یعنی کسانی که معصوم هستند؛ چون حتی حاکم خوب هم ممکن است جایی خطا کند. بدون تردید «و أولی الأمر» در این آیه باید معصوم باشد. وقتی باید معصوم باشد طبیعتا ما به روایات مراجعه

هستند.

1- اعراف، 157.
2- نساء، 59.

می کنیم. ده ها حدیث از نبی مکرم صلی الله علیه و آله وسلم داریم که فرمودند: اولی الامر علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندان او هستند و این نکته بسیار دقیقی است.

فخر رازی در تفسیرش می گوید: منظور از اولی الامر معصومان هستند؛ چون خدا تبعیت محض را از این ها لازم دانسته است. البته اعتقاد ما این است «و أولی الأمر» در ائمه معصومین علیهم السلام منحصر است. در زمان غیبت همین ائمه معصومین علیهم السلام کسانی را معرفی کردند که مردم را به «وأولی الأمر» هدایت می کنند که آن ها علما و دانشمندان و فقها هستند. فقها رابط و وسیله هستند. برای این که مردم حرف های پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را متوجه شوند.

ص: 140

شب قدر

اشاره

قال الله تبارک و تعالی: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاکَ مَا لَیْلَهُ الْقَدْرِ لَیْلَهُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَالرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ»(1)

مقدمه

شب قدر نقطه اوج ماه رمضان است. به عبارت دیگر شب های ماه رمضان شب های نسیم رحمت است؛ اما شب قدر، شب طوفان رحمت است. خداوند تبارک و تعالی گاهی در جمادات، انسان ها و سایر موجودات یک برجستگی هایی را قرار داده است. مثلا در کره زمین که همه هستی برای خداست؛ خانه خودش را استثناء کرده است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در میان انسان ها گل سر سبز موجودات است یا در انواع سنگ ها فقط یکی از سنگ ها در شده است؛ اگر قرار بود همه سنگ ها در باشند دیگر کسی قدر در را نمی شناخت. اگر قرار بود همه انسان ها برگزیده باشند انسان برگزیده شناخته نمی شوند. در میان ماه ها

1- قدر، 1-5.

هم، ماه رمضان را برگزیده و در میان این شب ها شب قدر را برگزیده است و این شب را نامعلوم گذاشته است.

خواص مخفی بودن شب قدر

خود همین نامعلومی و مخفی بودن چند خاصیت دارد، خاصیت اول: جذابیت آن است؛ انسان. چیزهای مجهول برایش جذاب تر است، مثل بحث مهدویت یا بحث وقوع قیامت که زمانش معلوم نیست. خاصیت دوم: شکوه و عظمت می آورد انسان سعی می کند چیزی که باشکوه و عظمت است را آرام آرام بگوید و یک دفعه در اختیار دیگران قرار ندهد.

درباره شب قدر در قرآن کریم دو بحث است: یکی درباره اهمیت این شب قرآن کریم درباره اهمیت این شب فرمود: «لیله القدر خیر من ألف شهر»؛ «وما أدراک ما لیله القدر» این خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است. این نوع أیات در قرآن کم است و خدا بیشتر راجع به مطالب مهم این گونه صحبت می کند.

و دیگری درباره صفات شب قدر و هم چنین حوادثی که در این شب اتفاق می افتد. یکی از نکاتی که باید در شب قدر و شب های احیاء به آن توجه شود، اولویتی است که در کارهایمان است. کتاب های خیلی از علمای ما در شب قدر به اتمام رسیده است؛ یعنی در آن شب یکی از ویژگی های خوب را کسب علم دانسته اند.

عزم و اراده

یکی از مهم ترین کارها در این شب ها تقویت عزم و اراده و تصمیم گیری است. خیلی از افراد در این مسئله مشکل دارند؛ اکثر ما می دانیم که گناه بد است و احترام به پدر و مادر خوب است. غالب مردم مشکلشان عزم و اراده است. چرا حضرت آدم به حرف خدا گوش نکرد و از بهشت رانده شد؟ چون «وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا»(1) البته آدم گناه نکرد ولی عزمش در انجام امر خدا ضعیف بود و لذا در دعای کمیل می خوانیم: «و اشدد علی العزیمه جوانحی»؛(2) خدایا! در درون و قلب ما عزم لازم را قرار بده. «قو علی خدمتک جوار حی»؛ جوارح یعنی أعضاء؛ چه زمانی اعضای من خدمت خدا می کند؟ زمانی که عزم من قوی باشد.

عزم ملوکانه عامل ترک عمل زشت

هارون الرشید عادت داشت گل بخورد که کار بسیار زشتی بود. هر چه به او می گفتند: بد است این کار را انجام نده! هارون می گفت: عادت کردم. بزرگی ایشان را دید و به او گفت: عزم ملوکانه کجاست؟ تو که نمی توانی گل خوردن را کنار بگذاری، چگونه می خواهی کشور را اداره کنی؟ هارون الرشید ناراحت شد و این کار را ترک کرد. این همان عزم ملوکانه است.

1- طه، 115.
2- مصباح الکفعمی، صر559: جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، ص 551.

این عزم بود که باعث شد وقتی صبح عاشورا حر به خیمه اباعبدالله علیه السلام نگاه کند و بگوید: «تلحق بالحسین لانا نفوز بالسعاده»؛ برویم به پسر زهرا سلام الله علیها بپیوندیم و سعادتمند شویم.

عمر سعد این عزم را نداشت و با این که در ایام محرم چندین ملاقات با امام حسین علیه السلام و أصحاب ایشان داشت، ولی در آخر ضعف عزمش، مانع شد تا به امام حسین علیه السلام بپیوندد.

خدا در قرآن کریم به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می گوید:«فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ»؛(1) پس صبر کن آن گونه که پیامبران الوالعزم صبر کردند.

داستان های تقویت عزم و اراده

ما داستان زیادی در قرآن از تقویت عزم و اراده داریم که چند مورد را اشاره می کنیم:

1. حدیث داریم: «فکانوا أول النهار کفارا سحره و أخر النهار مومن البرره شهداء بره» ؛(2) ساحرانی که پیش فرعون آمدند اول صبح کافر وساحر بودند، و آخر شب مؤمن و نیکو.

چطور این اتفاق افتاد با این که فرعون آنها را تهدید کرد! ولی آن ها در جواب گفتند:«آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى»(3) ایمان به خدای هارون و موسی آوردیم.

1- احقاف، 35.
2- بحارالانوار، ج13،ص 80.
3- طه، 70.

2. آسیه شخصی است که اراده اش تحسین برانگیز است، آسیه در خانه کسی بوده که می گفت:«أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى»(1) من خدای شما هستم. آسیه در این خانه موحد بود و به پای حضرت موسی علیه السلام ایستاد.

۳. درباره جوانان کهف، قرآن می فرماید:«فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى»(2) عزمشان قوی بود و لذا محیط ظلم را ترک کردند و با عزم قوی از دین و آئینشان دفاع کردند.

عزیزان من! اگر دینداری می خواهیم، ترک وسواس می خواهیم، اگر توبه می خواهیم، باید عزم و اراده قوی داشته باشیم. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: «ضادوا التوانی بالعزم»:(3) با عزم و اراده، با سستی تان مبارزه کنید.

همه کارها عزم و اراده می خواهد، اگر وهن و سستی در ما باشد نمی توانیم در کارهایمان موفق باشیم. چه طور در ماه رمضان اراده می کنیم که روزه بگیریم و حتی از خوردن حلال هم اجتناب می کنیم، یا آدمی که تصمیم می گیرد در تابستان گرم به مکه برود و در زمانی که محرم هست تصمیم می گیرد که حتی به یک مورچه هم آزار نرساند، یا در آینه نگاه نکند.

بهترین کار در شب قدر، تقویت عزم و اراده است. در این شب بیدار باشید و احیا بگیرید، چون شب قدر، شب تمسک به نقلین است نگویید.

1- نازعات، 24.
2- کهف، 13.
3- غرر الحکم، ح 10908.

قرآن را متوجه نمی شویم برای فهم قرآن، فقط خواندن آن کافی نیست باید سراغ اهل بیت علیهم السلام نیز برویم. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «إنی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی أهل بیتی و إنهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض ما إن تمسکتم بهما لن تضلوا»(1) ما در این شب باید اراده مان را تقویت کنیم.

راه های تقویت عزم و اراده

1.دوراندیشی

امیر مؤمنان فرمودند: «لا خیر فی عزم بلا حزم»؛(2) اولین راه تقویت عزم و اراده دور اندیشی است. اگر می خواهید عزم شما تقویت شود باید دوراندیشی تان را تقویت کنید. علی علیه السلام فرمودند: «من قل حزمه ضعف عزمه»؛(3) هر کسی حزمش کم است عزمش هم کم است. حزم؛ یعنی دوراندیشی، اگر کسی می خواهد عزمش قوی شود باید حزمش هم قوی شود.

فرض کنید کسی مرتکب گناه شود، اگر آثار این گناه را بداند و متوجه عاقبتش شود دچار گناه نمی شود. شخصی نزد پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم آمد و عرض کرد: من را نصیحت کنید! حضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: هر کاری که می کنی آخرش را بسنج

1- مستدرک الوسائل، ج 7، ص255؛ بحارالانوار، ج35، ص184؛ حلیه الابرابر، ج6، ص22.
2- غررالحکم، ح 10860.
3- غرر الحکم، ح 10858.

قیس تاجر، شراب خوار بود. نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمد و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نگاهی به او کرد و فرمودند: قیس! «إن مع الحیاه موتاً»؛ همین قدر بدان که بعد از حیات مرگ است(1) و بعد هم داخل قبر شدن است و آنجا هم همراه می خواهی، آن همراه اگر بد باشد تو را آزار می دهند. مواظب باش با خودت همراه خوب ببری، و قیس توبه کرد.

2.صبر و تقوا

دومین راه تقویت عزم صبر و تقوا است. خداوند در قرآن فرموده است:«وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِکَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»(2) اگر من بردباری کنم و ترک گناه را تحمل کنم، بردباری خودش عزم می آورد.

هر چه انسان تمرین به صبر کند عزمش بیشتر می شود، مثلا: یک کسی که بداخلاق است، می تواند با تمرین بر صبر، عزم خود را قوی کند و بر بداخلاقی و بددهانی اش فائق بیاید. همان طور که می دانید گناه جاذبه دارد و این کار مشکل است ولی محال نیست و راهش این است: اگر انسان توبه شکسست باز برگردد و این مسیر را ادامه بدهد.

3.کنترل عوامل گناه

اشاره

سومین راه تقویت عزم، کنترل عوامل گناه است؛ یعنی چه چیزی باعث گناه می شود، مثلا: چه چیزی باعث می شود من فحاشی کنم؟ آن حس عصبانیت و غریزه غضب است. چه چیزی باعث می شود روابط

1- بحار الانوار، ج 7، ص228، الخصال، ج 1، ص 114؛ روضه الواعظین، ج 2، ص 487.
2- آل عمران، 186.

جنسی نامشروع صورت بگیرد؟ غریزه شهوت. چه چیزی باعث قدرت طلبی می شود؟ غریزه ریاست طلبی. ما باید بر منشأ غلبه کنیم؛ یعنی بتوانیم منشأ آن گناه را کنترل کنیم؛ یعنی عصبانی نشویم تا فحاشی نکنیم. به عبارت دیگر نباید بگذاریم این سد بشکند و آب جاری شود و همه چیز را ببرد. لذا در قرآن و روایات داریم که عفت بورزید؛ نگاه نکنید که از منشأ جلوگیری می کند.

دوری از گناه عامل سعادت مند شدن

مرحوم شیخ طوسی در امالی نقل کرده است. وقتی حضرت یوسف علیه السلام به قدرت رسید و زلیخا پیر شد. به زلیخا گفتند: یوسف دارد می آید، حضرت یوسف علیه السلام سوار مرکب و با امکانات و محافظ بود. زلیخا تا مقابل حضرت یوسف علیه السلام رسید، این جمله را گفت: «إن الحرص و الشهوه صیر الملوک عبیدا و إن الصبر والتقوی صیر العبید ملوکا»:(1) حرص و شهوت پادشاهان را خوار می کند، تقوا و صبر، بردگان را پادشاه می کند «الحمد لله الذی جعل العبید مملوکا بطاعته، و جعل الملوک عبیداً بمعصیته »(2) شکر خدایی که شاهان را به خاطر گناه زمین زد.

در انقلاب مشاهده کردیم که امام این گونه اوج پیدا کرد و شاه هم با خواری از دنیا رفت.

موسی بن عمران وقتی به دریا رسید، فرعون را پشت سر خود دید، و

1- مجموعه ورام، ج 1، ص 97.
2- بحار الانوار، ج 12، ص269؛ الأمالی للطوسی، ص456، تفسیر نورالثقلین، ج 2، ص 472.

دریا را رو به روی خودش، خدا به موسی بن عمران گفت: نترس. این نترس برای آن زمانی است که موسی را داخل صندوق گذاشت و مادرش او را به دریا انداخت و خدا به مادرش گفت: نترس. ما این بچه را به تو برمی گردانیم و برگشتش به این صورت بود که حضرت موسی علیه السلام حاکم شد و فرعون هم در رود نیل غرق شد.

4.نشست و برخاست با افراد صاحب عزم

چهارمین راه تقویت عزم، نشست و برخاست با افراد صاحب عزم و مطالعه تاریخ انسان های اولوالعزم است. در روایت داریم: با بخیل، ترسو و دروغگو دوست نشوید؛(1) چون بر انسان تأثیر می گذارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: وقتی به عیادت بیمار می روید به او امید بدهید حتی اگر امید شما هم، اثری نداشته باشد.

1- «عن أبیه علیه السلام قال لی علی بن الحسین صلی الله علیه و آله وسلم یا بنی انظر خمسه فلا تصاحبهم و لا تحادثهم و تا ترافقهم فی طریق فقلت یا أبه من هم قال إیاک و مصاحبه الکذاب فإنه بمنزله السراب یقرب لک الیعبد و یباعد لک القریب و إیاک و مصاحبه الفاسق فإنه باعئک بأکله أو أقل من ذلک و إیاک و مصاحبه البخیل فإنه یخذلک فی ماله أحوج ما تکون إلیه و إیاک و مصاحبه الأحمق فإنه یرید أن ینفعک فیضرک و إیاک و مصاحبه القاطع لرحمه فإنی وجدته ملعونا فی کتاب الله عزوجل فی ثلاثه مواضع قال الله عز و جل - فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم أولئک الذین لعنهم الله فأصمهم و أعمی أبصارهم وقال الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما أمر الله به أن یوصل و یفسدون فی الأرض أولئک لهم اللعنه و لهم سوء الدار و قال فی البقره الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما أمر الله به أن یوصل و یفسدون فی الأرض أولئک هم الخاسرون» (الکافی ج2، ص376؛ وسائل الشیعه، ج12، ص28؛ بحارالانوار، ج 71، ص205).

عزم شیخ طوسی را ببیند که کتابخانه اش را در بغداد آتش زدند، به نجف آمد و دوباره تأسیس حوزه و کتابخانه کرد. زمانی که به امام اجازه ورود به کشور را نمی دادند امام می گوید: از این فرودگاه به فرودگاه دیگر می روم، ولی هیچ گاه با ظلم سازش نمی کنم بنابر این نشست و برخاست با انسان های صاحب عزم که در روایت هم آمده است، بسیار مؤثر است.

یکی از عوامل افسردگی در جامعه هم نشینی های غلط است. یک وقت می گفتند: طلبه ای در نجف اشرف وضع مالی اش به هم ریخته بود، خدمت میرزا علی قاضی طباطبائی رفت و دید مرحوم قاضی روی گلیمی نشسته است و در گرمای نجف با یک بادبزن خود را خنک می کند، پسر آقای قاضی هم آمد و گفت: پدر نفت چراغ تمام شده است. فرمودند: پسرم! پول نیست برو. طلبه تعجب کرد که این آدم با این که پول ندارد تا تفت برای چراغ خانه اش تهیه کند ولی بشاش و سرحال است.

5.تلاش و کوشش

راه پنجم تقویت عزم، تلاش و کوشش است. علی علیه السلام فرمودند: «فعلیکم بالجد و الاجتهاد»؛(1) بر شما باد به تلاش و کوشش. در قرآن هم می فرماید: «لیس للإنسان إلا ما سعی» ؛ برای انسان چیزی نیست جز سعی و تلاش.(2)

شب قدر، شب تقویت تصمیم و اراده است. مرحوم خواجه نصیر

1- نهج البلاغه، خطبه 230.
2- نجم. 39.

طوسی صاحب کتاب اوصاف الاشراف گام هایی را برای رشد و تعالی و سیر و سلوک در این کتاب نام می برد که اولین مورد آن تقویت اراده است. تا ما نخواهیم هیچ اتفاقی نمی افتد. خدا در قرآن می فرماید:«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»(1) پیامبر! اگر نخواهند به زور نمی توانی کسی را به دین دعوت کنی باید خودشان بخواهند.

ص: 151

1- انسان، 3.

ص: 152

عید فطر

اشاره

قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: «یا جابر هذا آخر جمعه من شهر رمضان فودعه و قل اللهم لا تجعله آخر العهد من صیامنا إیاه فإن جعلته فاجعلنی مرحوم ولا تجعلنی محروما»(1)

مقدمه

ماه رمضان امسال سپری شد، نمی دانیم سال آینده ما هستیم و ماه رمضان را درک می کنیم یا نیستیم. دعای مذکور را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به جابر یاد داده که در واقع مفهومش این است: ای جابر! بگو اولین حاجتم این است من در سال آینده زنده باشم و روزه بگیرم، اگر به هر دلیلی سال آینده را درک نکردم، خدایا! من را مورد رحمت خودت قرار بده و هر کسی این دعا را بخواند به هر کدام که برسد نیکو است، اگر ماه رمضان سال آینده را درک کرد یک بخشی از دعا مستجاب شده و اگر از دنیا رفت یک بخش دیگرش مستجاب شده است.

انسانها دو دسته هستند: مرحوم و محروم، مثلا: ابولهب، ابوسفیان و

1- وسائل الشیعه، ج10، ص365؛ مستدرک الوسائل، ج 7، ص480؛ بحار الانوار، ج 95، ص 172.

ابوجهل محروم بودند و اباذر و سلمان مرحوم بودند.

محروم به کسی می گویند که از رحمت خدا بهره مند نیست و از برکات و خیرات و لطف الهی بهره مند نیست؛ لذا ما باید کاری کنیم که محروم نشویم.

عوامل محرومیت

گناه عامل محرومیت است و کسی که دروغ می گوید محروم از اعتماد مردم است. کسی که حریص است از لذت، محروم است و اصلا از نعمت ها لذت نمی برد؛ چون دائما نسبت به دنیا حرص دارد، یا انسانی که نگاه به حرام می کند و نگاهش شهوت آمیز است از روابط با مردم محروم است. انسانی که لقمه اش حرام است از اجابت دعا محروم است؛ لذا هر گناهی یک محرومیتی دارد.

خدا در قرآن کریم می فرماید: «فأصلحوا بین أخویکم»: اگر بین مردم را اصلاح کنید، خدا به شما رحم می کند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «ارحموا ترحموا واغفروا یغفر لکم»؛(1) به هم رحم کنید تا خدا هم به شما رحم کند.

مراقبت از دستاوردهای ماه مبارک رمضان

هر کاری اگر سخت باشد، سخت تر از آن حفظش است: امام باقر علیه السلام فرمودند: «الإبقاء علی العمل أشد من العمل».(2) طرف صدقه می دهد ولی با منت

1- نهج الفصاحه، ح 263.
2- الکافی، ج2، ص296؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 75: بحار الانوار، ج 67، ص 333.

و آزار آن را از بین می برد و نمی تواند حفظ کند لذا در قرآن می فرماید:«لا تبطلوا صدقاتکم بالأمن والأذی»: صدقاتتان را با منت و اذیت باطل نکنید.

ماه رمضان تمام شد و هر که از این ماه یک بهره ای برد، مواظب باشیم غبار گناه بر دل ما ننشیند و دستاوردهای ماه رمضان را از بین نبرد. در ماه رمضان سحرها بیدار می شدیم سعی کنیم در ماه های دیگر هم هر چند کوتاه بیدار باشیم و استغفار کنیم. ماه رمضان به نماز جماعت اهمیت می دادیم. بعد از اتمام ماه هم به نماز جماعت اهمیت بدهیم.

به طور کلی دستاوردهایی که از ما رمضان به دست آمده باید بتوانیم حفظ کنیم، در غیر این صورت مثل کسانی می شویم که گاهی مکه می روند و بر می گردند و هیچ تغییری در آنها حاصل نمی شود. اگر در ماه رمضان تغییری در خود ایجاد نکنیم به تعبیر حضرت علی علیه السلام فقط گرسنگی و تشنگی را احساس کردیم.

برکات عید سعید فطر

در روایات توصیه هایی در مورد عید سعید فطر به ما شده است. مخصوصا شب عید، غسل سفارش شده است، در آستانه غروب انسان غسل کند و هم چنین یک نمازی است که اگر کسی این نماز را بخواند، هر چه از خدا بخواهد خدا به او می دهد.

از امام باقر علیه السلام روایت داریم. وقتی خدا به حضرت موسی علیه السلام گفت: دعای تو و برادرت مستجاب شد و فرعون نابود می شود، چهل سال طول

کشید. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: اگر کسی این نماز را بخواند «لم یسئل الله تعالی الا اعطاه»؛ چیزی را از خدا نمی خواهد مگر اینکه خدا آن را به او می دهد و نماز به این صورت است که دو رکعت که در رکعت اول یک حمد و هزار قل هو الله و در رکعت دوم یک حمد و یک قل هو الله است.

توصیه به احیای شب قدر

نکته دیگری که کمتر به آن توجه شده است بحث احیای شب عید است. چند نمونه در چندین روایت داریم که اگر کسی در شب عید احیا بگیرد قلبش نمی میرد؛ یعنی زنده دل است و با نشاط است. پیامبر

صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «من أحیا لیله العید لم یمت قلبه یوم تموت القلوب»؛(1) کسی در شب عید، شب زنده داری کند روزی که قلب ها می میرد، قلبش نمی میرد.

زیارت امام حسین علیه السلام در شب عید

از جمله مستحبات شب عید، زیارت قبر آقا اباعبدالله علیه السلام است؛ البته اگر کسی نتوانست به زیارت برود همان توصیه آقا امام صادق علیه السلام که فرمودند: بایستید و سه مرتبه بگویید: «صلی الله علیک یا أبا عبد الله» جزو زائران قبر آقا اباعبدالله علیه السلام خواهید بود.

در روایات تأکید فراوانی بر نماز عید و خروج از خانه شده است خاندان ائمه ما برای نماز عید فطر از خانه بیرون می رفتند و تأکید زیادی

1- وسائل الشیعه، ج 7، ص 478؛ بحار الانوار، ج 88 ص132؛ ثواب الاعمال، ص76.

برای تکبیر های روز عید فطر و پرداخت زکات فطریه شده است و انجام بعضی از سنت های عید در این روزهای مبارک بسیار خوشایند است: از جمله عیدی دادن، مخصوصا به بچه هایی که تازه روزه گرفتند یا این که تکریم کردند و هم چنین صله رحم و دید و بازدید و عیادت از بیماران.

جایزه دادن توسط خداوند در روز عید فطر

در روز عید سعید فطر چند جوان شوخی های زنده می کردند، امام حسن مجتبی علیه السلام آنها را دیدند، فرمودند: این چه کاری است؟ امروز روزی است که خدا جایزه می دهد و باید منتظر دریافت جایزه از خدا باشید و به آنها تذکر دادند.(1)

عفو کردن گناهان دیگران در شب عید

امام سجاد علیه السلام از اول ماه رمضان خطاهای اهل خانه را یادداشت می کردند. ایشان در خانه غلام و کنیز بسیار داشتند که شاگردان ایشان بودند. یکی از غلام ها در مکه سر به سجده گذاشت و گفت: خدایا بر مردم باران ببار! دعایش مستجاب شد؛ اینها مستجاب الدعوه بودند. امام سجادعلیه السلام و ائمه ما گاهی امکان برگزاری برنامه های عمومی در بین مردم را نداشتند؛ به همین خاطر غلام ها را می خریدند و به منزل می آوردند و بعد از آموزش آنها را آزاد می کردند. امام سجاد علیه السلام در ماه رمضان هر شب چند نفر از این غلامان را آزاد می کرد.

1- بحار الانوار، ج75، ص110؛ تحف العقول، ص236.

امام سجاد علیه السلام از اول ماه رمضان خطای این غلامان را می نوشت و شب عید فطر که می شد به غلام هایش اشتباهاتشان را نشان می داد و می گفت: من از همه شما گذشتم و همه شما را بخشیدم و شما هم با هم بگویید: ای خدا! علی بن الحسین علیه السلام از ما گذشت تو هم از او بگذر و در نهایت این افراد را آزاد می کرد.(1)

عزیزان من! امشب از همه کسانی که به هر دلیلی کدورت دارید بگذرید و بگویید: خدایا! من از آن ها گذشتم شما هم از ما بگذر.

1- بحارالانوار، ج 46، ص103؛ الاقبال، ص261.

ص: 159

ص: 160

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109